

دوتا فیلسوف رو دیدین که چهطوری با هم بحث می‌کنن؟ دمای بحثشون اون قدر می‌زنه بالا که آدم فکر می‌کنه دارن دعوا می‌کنن. غافل از ثانیه‌ها و دقایق، ساعت‌ها مجادله می‌کنن. شاید فقط برای دستشویی‌رفتن چند دقیقه‌ای کات کنن! (هتی مواردی هم دیده شده که طرف از توی دستشویی هم بحثش رو دنبال می‌کنه.) به نظرتون این شور و اشتیاق بی‌حد به بحث‌های فلسفی نشونه‌ی نوع عشق نیست؟ حتماً هست! فلسفه عشق به داناییه و بحث‌های فلسفی قولنج ذهن رو می‌شکونه و فکر رو گسترش می‌ده. برای همین همیشه می‌گم خوش به حال کسانی که می‌فلسفن!

خیلی ممنون از حمید سودیان و محمدجواد سده‌دهی عزیز که این کتاب خوب رو نوشتین و سپاس از سعید جان احمدپور و محمد آقای مازنی؛ الحق و الانصاف کیفیت کتاب‌های انسانی‌مون رو از این دوستان داریم و مریم خانم طاهری و الهه خانم آرانی، مرسی که با صبر و پیگیری‌های منظمتون این کتاب رو به سرانجام خوبی رسوندید.

برویچه‌های تولید خیلی سبز خیلی کارتون درسته. مثل همیشه گل کاشتید. دم همتون از دم گرم.

فلسفه زندگی تان مستدام!



این کتاب شامل محتوای تکمیلی است. ✓

توی بعضی از صفحه‌های این کتاب آیکون  رو می‌بینی. هر کدوم از این آیکون‌های شماره‌دار ممکنه کلید یه گنج باشن، فقط کافیه دستورالعمل ساده زیر رو اجرا کنی تا به گنج برسی.

1 QR CODE پشت جلد کتاب رو اسکن کن.

2 شماره آیکون رو در باکس «جست‌وجوی گد» وارد کن و دکمه جست‌وجو رو بزنی و محتوای تکمیلی رو ببین. محتوای تکمیلی این کتاب شامل پاسخ آزمون‌های پایان درس است.

تقدیم به:

معلمان ایده‌آل زندگی:

مهندس داود معصومی، استاد عبدالرضا مفید و دکتر مهدی اصفهانی؛ سایه‌هایشان مستدام.

حمید سودیان طهرانی

تقدیم به:

تمام کسانی که برای بهبودن تلاش می‌کنند.

محمد جواد سه‌دهی

باسمه تعالی

افلاطون، پدر ایده‌آلیسم، بر این باور بود که هر پدیده، از یک نمونه‌ی اصل، جاودانه و بی‌نقص برخورداره. این نمونه‌های ایده‌آل، نه توی جهان مادی بلکه توی یک عالم ماورایی به نام عالم مُثُل هستند. از اون به بعد اهل فلسفه وقتی می‌خوان بگن به چیزی خیلی به کمال نهایی خودش نزدیکه، می‌گن این همون ایده‌آل یا نمونه‌ی مثالی‌شه. راستش از سال ۹۸ که کتاب تست فلسفه دوازدهم رو نوشتیم، خودمون هم می‌دونستیم که اون کتاب، اگر چه خیلی کتاب خوبی بود، ولی با ایده‌آل و مثال افلاطونی کتاب تست فلسفه خیلی فاصله داشت! چون اون کتاب توی فوریت زمانی و ابهامات ناشی از تغییر نظام آموزشی نوشته شده بود و طبیعتاً نمی‌تونست مسیر خودش رو به سمت عالم مُثُل پیدا کنه. اما این کتابی که الان دستته با اون قبلی خیلییی فرق داره! توی این سال‌ها تا الانی که ما داریم این مقدمه رو می‌نویسیم ۱۳ کنکور نظام جدید فلسفه و منطق برگزار شده و کنکور چهره‌ی جدید خودشو بهمون نشون داده. به همین خاطر، دیگه وقتش بود که کتاب تست ایده‌آل و مثالی فلسفه، تجلی جسمانی پیدا کنه و از عالم مُثُل پا به عرصه‌ی جهان طبیعت کنکور بذاره. فکر می‌کنی داریم اغراق می‌کنیم؟! خب معلومه که کاملاً درست فکر می‌کنی! هیچ کتابی واقعاً ایده‌آل نیست و حتماً جا برای رشد و پیشرفت بیشتر داره. اما انصافاً توی این کتاب خیلی از ایده‌آلات ذهنیمون رو روی صفحه آوردیم تا اغراق ایده‌آل‌نمیدنش، اغراق به‌جا و قابل قبولی باشه ...

ویژگی‌های درس‌نامه‌های این کتاب

درس‌نامه‌های این کتاب رو خیلی کامل و دقیق برات نوشتیم. خطبه‌خط و ریزه‌ریز کتاب رو توضیح دادیم و کلی مثال زدیم که خوب توی ذهنت جا بیفته. به تمام تمرینات و سؤالات کتاب درسی هم در خلال درس‌نامه پاسخ دادیم که خاطرت جمع جمع باشه. البته به قسمت‌های ستاره‌دار و حاشیه‌های کتاب درسی و خیلی از مطالب دانشی پانویس‌ها که قرار نیست توی کنکور ازشون سؤال بیاد، نپرداختیم؛ مگر اون جاهایی که مطلب مهمی داشت که به فهم اصل درس کمک می‌کرد. بخش‌های جذاب درس‌نامه این‌هاست:

۱. «دورنما»، «نکته‌ها» و «قسمت کمی عمیق‌تر»: اول هر درس یک «دورنما» بهت می‌دیم که بدونی توی این درس قراره به کجاها برسی و سردرگم نشی. بین درس هم کلی «نکته» برات گذاشتیم که بدونی حرفه‌ای‌های فلسفه حواسشون به چه چیزایی بیشتر جمعه. چون کنکور فلسفه توی سال‌های اخیر خیلی عمیق و مفهومی شده، یه قسمت «کمی عمیق‌تر» هم داریم که می‌پردت توی عمق کتاب درسی و کنکور و خیالتو راحت می‌کنه.
۲. «آگه گفتی»، «جمع‌بندی»، «جدول» و «نمودارها»: فکر نکن توی این کتاب هم مثل کتاب درسی فقط کلی مطلب علمی نوشتیم و تحویل دادیم تا خودت همشو یاد بگیری. نه بابا، حواسمون به انواع و اقسام روش‌های تسهیل‌گر یادگیری هم بوده؛ برای همین، هر جا لازم بوده، از «جدول» و «نمودار» و «نمودار» و «جمع‌بندی» استفاده کردیم که برای دسته‌بندی مطالب و جانداختن اون‌ها حسابی جواب می‌دن و یک قسمت فوق‌العاده «آگه گفتی» که باعث می‌شه همون‌جا وسط درس‌نامه بتونی از خودت یه تست کوچولو بگیری ببینی مطلبو فهمیدی یا نه.
۳. «مختصر و مفید» و «از نگاه طراح»: حسن ختام درس‌نامه‌ها هر درس دو تا قسمت جذاب و کارراه‌اندازه. یکی «مختصر و مفید» که یه چکیده‌ی کاربردی از مطالب درسه و برای مرورهای سریع قبل آزمون‌ها خیلی کار می‌کنه. و یکی دیگه قسمت «از نگاه طراح» که نشون می‌ده طراح‌های تست آگه بخوان از این درس گزینه‌ی پاسخ سخت یا گزینه‌ی انحرافی دقیق بدن، از چه عباراتی استفاده خواهند کرد.

ویژگی‌های تست‌های این کتاب

توی این کتاب، سعی کردیم از گفتن بعضی نکات خیلی سطح بالا و عجیب و غریب توی درس‌نامه پرهیز کنیم که گیج‌کننده و کسل‌کننده نشه. در عوض سطح تست‌ها رو حسابی بردیم بالا و پاسخ‌نامه‌ها رو پر نکته‌تر و تشریحی‌تر کردیم که کار درس‌نامه توی تست‌ها تکمیل بشه. تست‌های این کتاب یک چیدمان استثنایی دارند؛ به طوری که برای جابجایی دونه دونه تست‌های این کتاب وقت صرف کردیم و تلاش کردیم هر تست رو در جایی بذاریم که بیشترین بهره‌وری آموزشی رو داشته باشه. به طور کلی تست‌ها رو در ۵ بخش کلیدی سازمان‌دهی کردیم:

۱. «آموزش و تمرین»: این تست‌ها، حدود ۳۵٪ تست‌های کتاب رو تشکیل می‌دن. هدفشون اینه که تیر به تیر و موضوع به موضوع، مباحث هر درس رو جلو ببرند و در قالب تست، محتوای اصلی درس رو بهت آموزش بدن. یادت باشه که این تست‌ها برای آموزش هستند، نه آزمون؛ پس نباید فقط دنبال گزینه‌ی جواب باشی. توی خیلی از این تست‌ها ممکنه با بررسی یکی دو گزینه جواب رو پیدا کنی، اما حتماً باید تمام گزینه‌ها رو بررسی کنی تا هدف آموزشی این سؤالات برآورده بشه. سطح دشواری این سؤالات از ساده‌تر از ساده‌های کنکور شروع می‌شه تا سطح ساده‌های کنکور و گاهی ممکنه به متوسط‌های کنکور هم برسه، اما سؤال دشوار یا چالشی نداره تا مفاهیم پایه‌ای و مقدماتی خوب جا بیفتند.
۲. «تسلط و تثبیت»: حدود ۳۵٪ دیگه تست‌ها برای مسلط‌شدن. این تست‌ها گاهی تکرار محتوای بخش آموزش هستند ولی معمولاً به شکل پیچیده‌تر، ترکیبی‌تر و در یک کلام کنکوری‌تر. گاهی هم شامل نکات و محتواهای سطح بالاتری هستند که هدفشون قوی‌تر کردن توه. تست‌های تسلط و تثبیت، موضوعی طبقه‌بندی نشدن چون یکی از اهدافشون ترکیب کردن موضوعات مختلف درس بوده. در عوض این تست‌ها یک روند تقریبی ساده به دشوار دارند و اواخر این تست‌ها سؤالاتی رو می‌بینی که قطعاً بهت حس حرفه‌ای‌شدن خواهد داد. این تست‌ها شامل سطوح ساده و بیشتر سطوح متوسط و دشوار کنکور می‌شن، ولی تلاش کردیم تست‌های دارای چالش‌های خیلی عمیق رو توی این قسمت نذاریم.

۳.۱۰۰شو: از اسمش پیداست این تست‌ها قراره تو رو ببرن توی اوج تا به نوک قلهٔ کنکور برسی. حدوداً ۱۵٪ تست‌ها رو تشکیل می‌دن و معمولاً یا خلاقانه هستند یا چالش‌برانگیز و البته در سطح دشوارها و دشوارهای چالشی کنکور. اگرچه تعداد این تست‌ها برای این کتاب کاملاً کافیه، ولی ممکنه دوست داشته باشی تعداد بیشتری تست این‌جوری ببینی. بهت حق می‌دیم اما خب برای کتاب تست فلسفهٔ دوازدهم نمی‌شد بیش از این از تست‌های خیلی دشوار استفاده کرد؛ پس باید بری سراغ کتاب تست پیشرفتمون یعنی **نردبام** که اساساً برای همین هدف تألیف شده.

۴.کنکور سراسری: معلومه که یه کتاب تست باید تست‌های کنکور رو داشته باشه، اما معلوم نیست توی هر کتاب تستی، پاسخ‌نامه‌های این تست‌ها به اندازهٔ کافی زیر و بم کنکور رو برات تحلیل کنن. این قسمت یک تصویر روشن از وضعیت تست‌های هر درس توی کنکور و الگوهای تحلیل درستشون بهت می‌ده که بدونی توی این درس باید برای چه سؤالاتی و چه‌جوری آماده بشی. این قسمت هم حدود ۷٪ تست‌های کتاب رو تشکیل داده.

۵.آزمون: بعد از همهٔ این‌ها لازمه یک آزمون باکیفیت داشته باشی که بتونی خودت رو بسنجی. دسته‌بندی تست‌های کتاب فواید زیادی داره، اما یک مشکلش هم اینه که دانش‌آموز از جایگاه تست می‌فهمه که احتمالاً با یک تست نسبتاً ساده روبه‌رو شده یا یک تست چالشی جانانه؛ در حالی که توی کنکور تو نمی‌تونی از جای تست به چنین اطلاعاتی برسی. به همین خاطر به این نتیجه رسیدیم که تست آزمونی برای کتاب لازمه و این قسمت رو هم برات اضافه کردیم که کتاب چیزی کم و کسر نداشته باشه. تست‌های آزمونمون حدود ۸٪ تست‌های این کتاب رو شامل می‌شن و خیلی خیلی دقیق و باکیفیت تألیف شدن.

سایر ویژگی‌ها

تست ترکیبی: چون توی کنکور سال‌های اخیر کم‌کم داره تست ترکیبی جا باز می‌کنه، تلاش کردیم توی این کتاب به تعداد کافی از این نوع تست‌ها بذاریم که با تگ **MIX** نشونشون دادیم. این جور تست‌ها هر جای کتاب می‌تونن باشن و مختص طبقهٔ خاصی از تست‌ها نیستند. با زدن این تست‌ها خیالت راحت می‌شه که سؤالات کنکور دیگه نمی‌تونن با ترکیب کردن درس‌های مختلف گیجت کنن و فریبِت بدن.

آزمون‌های خیلی سبز: حتماً می‌دونی که خیلی سبز علاوه بر کتاب‌های خیلی خفن، یه آزمون خیلی خفن هم داره که طراحاش تعداد نسبتاً زیادی از اساتید برجسته و بنام فلسفه و منطق کنکور هستند. حضور تست‌های آزمون‌های خیلی سبز توی این کتاب به این معناست که کتاب ما تک‌سلیقه‌ای تألیف نشده، بلکه طیف وسیعی از سلیقه‌های تستی رو شامل می‌شه تا تو رو با نگاه‌های پختهٔ متنوعی آشنا کنه. تست‌های این آزمون‌ها نزدیک به ۱۰٪ تست‌های کتاب رو تشکیل می‌دن که توی قسمت تسلط و تثبیت یا ۱۰۰ شو اونا رو می‌بینی.

تناسب تعدادی و سبکی تست‌ها: یک ویژگی مهم این کتاب تناسب تست‌هاش از جهات مختلفه. خوبه بدونی که ما برای تألیف این کتاب اصلاً زور نزدیم که تعداد تست‌ها رو به ۱۵۹۰ تا برسونیم؛ بلکه برعکس، تعداد خیلی بیشتری تست تألیف کردیم و اونا رو براساس ملاک‌های کیفی و کمی کم کردیم تا به عدد ۱۵۹۰ که خیلی خیلی عدد متناسبی برای یک کتاب تست دوازدهمه، رسیدیم. توزیع این تست‌ها هم بین درس‌های مختلف تقریباً و به طور میانگین، براساس حجم درس و براساس میزان تست‌خیزبودن توی کنکور طراحی شده تا خیالت راحت باشه روی هر درس به همون اندازه‌ای وقت خواهی گذاشت که برات آورده داشته باشه. از جهت سطح دشواری، تقریباً ۲۰٪ سؤال ساده‌تر از ساده‌های کنکور داریم که هدفشون آشناکردنت با مفاهیم اولیه است. حدود ۲۰٪ در سطح ساده‌های کنکور داریم تا مطمئن بشی هیچ تست ساده‌ای رو در کنکور از دست نخواهی داد. حدود ۳۰٪ در سطح متوسط‌های کنکور تست گذاشتیم که موتور جلوبرندهٔ تو در کنکور بشن. تقریباً ۲۰٪ هم در سطح دشوارهای کنکور تست دادیم که ترازهای رتبه‌برتری رو از دست ندی. نهایتاً حدود ۱۰٪ هم در سطح دشوارهای چالشی کنکور تست خواهی دید که بفهمی ته ته کنکور چه شکلیه و ترست بریزه و براش استراتژی مناسب داشته باشی (مثلاً زدن این تست‌ها یا زدن بعضی‌هاشون با شرایطی خاص یا حمله برای درصد ۱۰۰). این توزیع دشواری که گفتیم، یک توزیع فوق‌العاده عالی برای کتاب تست فلسفه است که بتونه به درد هر دانش‌آموزی با هر سطحی بخوره. طبیعتاً مدعیان رتبه‌برتری ممکنه بعد از زدن تست‌های این کتاب احساس نیاز کنن که تست‌های دشوار و چالشی بیشتری ببینن که همون‌طور که گفتیم باید به کتاب نردبام مراجعه کنن.

براساس آخرین تغییرات کتاب درسی فلسفهٔ دوازدهم: درس‌نامه‌ها، تست‌ها و پاسخ‌ها رو براساس تغییرات مهم کتاب درسی، ویرایش و اصلاح کردیم تا خیالتون راحت باشه که همه چیز این کتاب همون جوریه که باید باشه. این ویژگی‌هاست که باعث شده به خودمون جرأت بدیم بگیم این کتاب یک ایده‌آل اصلیه که از عالم مُثُل هیوط کرده و الآن دست تونه. پس خیالت راحت باشه که الآن دقیقاً همون چیزی تو دسته که بهش احتیاج داری تا فلسفه و منطق کنکور رو به مزیت خودت تبدیل کنی.

تقدیر و تشکر

خیلیا برای تولد این کتاب زحمت کشیدن. از بر و بچه‌های تولید خیلی سبز بگیرد تا ویراستارهای نکته‌سنج واحد تألیف. اسم‌بردن و قدردانی از تک‌تک‌شون خودش یک کتاب مجزا می‌خواد (📖) پس ناچاریم اینجا فقط از بعضی‌ها به نمایندگی از همه اسم ببریم. تعداد کم ولی مؤثری از تست‌های کتاب رو دوست و همکار گرمی، آقای مجید قدرتی‌پور تألیف کردند. از شون صمیمانه سپاسگزاریم. از ویراستاران علمی، محمد قاسم‌زاده و علی امانت، معجزیم که با حوصله و دقت کتابمون رو خوندن و ایراداتش رو بهمون نشون دادند. از مهندس سبزمیدانی عزیز و محمد مازنی دوست‌داشتنی برای راهنمایی‌های ارزشمندشون و از خانم‌ها الهه آرانی و ندا انصاری برای پیگیری‌های بی‌دریغشون خیلی خیلی ممنونیم و نهایتاً مهم‌ترین تشکرمون رو باید نسبت به خدای مهربون به جا بیاریم که تک‌تک الفاظی که بر قلممون جاری شد، به توفیقی بود که او بهمون داد. خدایا همهٔ خوبی‌های این کتاب از تونه و همهٔ نواقصش از ما. خودت این کتاب رو وسیلهٔ موفقیت همهٔ بچه‌هایی قرار بده که ازش استفاده می‌کنند؛ آمین.

دوست‌دار شما: دکتر حمید سودیان طهرانی

 [soudian.falsafemantegh](https://www.instagram.com/soudian.falsafemantegh)

 [Dr_Soudian_falsafemantegh](https://www.telegram.me/Dr_Soudian_falsafemantegh)

فهرست مطالب

سؤال	درس نامه	درس نامه و سؤال =
۱۶	۸	درس اول: هستی و چیستی
۳۱	۲۵	درس دوم: جهان ممکنات
۴۹	۴۱	درس سوم: جهان علی و معلولی
۶۸	۶۲	درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟
۸۶	۷۸	درس پنجم: خدا در فلسفه (قسمت اول)
۱۰۷	۱۰۰	درس ششم: خدا در فلسفه (قسمت دوم)
۱۲۵	۱۲۰	درس هفتم: عقل در فلسفه (قسمت اول)
۱۴۱	۱۳۶	درس هشتم: عقل در فلسفه (قسمت دوم)
۱۵۷	۱۵۲	درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام
۱۷۱	۱۶۵	درس دهم: دوره میانی
۱۸۷	۱۸۰	درس یازدهم: دوران متأخر
۲۰۵	۱۹۹	درس دوازدهم: حکمت معاصر
پاسخ		پاسخ نامه ✓
۲۱۳		پاسخ نامه تشریحی
۲۹۵		پاسخ نامه کلیدی

۴۴۰- کدام گزینه هماهنگ با دیدگاه دکارت پیرامون علیّت است؟

- (۱) کودک در بدو تولد به هیچ وجه نمی داند علت پدیده ها کدام است.
- (۲) انسان با درکی از رابطه علیّت به دنیا می آید، ولی پذیرش آن مستلزم آموزش است.
- (۳) عقل و حس انسان نمی توانند علیّت را درک کنند، اما ابزار فطرت برای درک آن راه گشاست.
- (۴) تجربه در درک و پذیرش اصل علیّت و مصادیق آن نقشی ندارد، بلکه خودش وابسته به علیّت است.

۴۴۱- کدام عبارت اختلاف اصلی دیدگاه ابن سینا و هیوم درباره علیّت را نشان می دهد؟

- (۱) هیوم بر خلاف ابن سینا علیّت را اصلی تجربی و ناشی از پشت سر هم آمدن پدیده ها می داند.
- (۲) ابن سینا در شناخت علیّتی که هیوم آن را حاصل انعکاس ذهنی می داند، فقط از عقل بهره می برد.
- (۳) از نظر هیوم عقل ادراک مستقل از حس ندارد، لذا علیّت باید با حس درک شود تا پذیرفتنی باشد.
- (۴) ابن سینا بر خلاف هیوم حواس را قادر به درک رابطه ضروری علیّت بین پدیده ها نمی داند.

۴۴۲- رابطه وجودی، رابطه ای است که

- (۱) برقراری آن به وجود دو طرف رابطه نیاز ندارد، بلکه یک طرفه ایجاد می شود.
- (۲) در آن، دو واقعیت، خود وجود را بین هم رد و بدل می کنند، نه هیچ چیز دیگر.
- (۳) یک طرف رابطه در وجود خود وابسته به طرف دیگر و نیز وابسته به رابطه است.
- (۴) یک طرفش ایجادشونده و دیگری ایجادکننده است و یکی از اقسامش علیّت است.

۴۴۳- روش غالب کسب معرفت در گزاره های «الف» و «ب» به ترتیب چیست؟

الف) پی بردن به رخداد یک حادثه نامعلوم از روی مشاهده فرورفتگی صندوق عقب ماشین

ب) تلاش دانشمندان برای کشف عامل بیماری کرونا پس از مشاهده مکرر این بیماری

(۴) تجربه - عقل

(۳) عقل - عقل

(۲) عقل - تجربه

(۱) تجربه - تجربه

درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟

دورنما: در درس گذشته با علیّت و فروع آن آشنا شدیم. در این درس، درباره معانی «اتفاق» و «تصادف» صحبت خواهیم کرد. باور به علیّت و فروع آن، سبب انکار برخی معانی اتفاق خواهد شد و جهان را در ذهن ما به صورت مجموعه ای پیوسته، دارای نظام حتمی، قانونمند و هدفمند تصویر خواهد کرد.

اتفاق

- گاهی بعد از آزمون های تستی از بچه ها می پرسیم: «آزمون را چه طور دادید؟» بعضی می گویند: «نمی دانیم؛ فکر می کنیم ۸۰ درصد زده باشیم» ولی بعد که نتیجه آزمون می آید می بینیم مثلاً فقط ۴۰ درصد زده اند! دلیل را که جویا می شوم می گویند: «آقا بدشانسی آوردیم!» منظورشان این است که تعداد قابل توجهی از تست ها را **شانسی** زدیم و امیدوار بودیم **اتفاقاً** گزینه درست را انتخاب کرده باشیم ولی از بد **حادثه** بخت با ما یار نبود و شد آن چه نباید می شد. به نظر شما «شانس»، «اتفاق»، «حادثه» و کلماتی از این دست تا چه حد واقعیت دارند؟
- جالب است بدانید فیلسوفان و دانشمندان هم گاهی نظریاتی ارائه کرده اند که می توان از آن ها «اتفاق^۱» و «تصادف» را برداشت کرد. ما به چند نمونه اشاره می کنیم:

۱ نمونه اول: نظریه تشکیل تصادفی عناصر از دموکریتوس فیلسوف:

- دموکریتوس فیلسوف یونان باستان بود. او معتقد بود **ماده اولیه** تشکیل دهنده جهان، ذرات ریز **تجزیه ناپذیر** و **غیر قابل تقسیم** هستند. او این ذرات را اتم نامید. از نظر دموکریتوس فضا و مکان، **غیر متناهی** است یعنی هر چه در آن جلو برویم به پایان و انتهای آن نمی رسیم. اما دموکریتوس چه چیزی را اتفاقی می دانست؟
- از نظر دموکریتوس، اتم ها از ازل در فضای نامتناهی به طور **سرگردان** و **بی هدف** در حرکت بوده اند و گاهی هم به هم برخورد می کرده اند. همین برخورد **اتفاقی** اتم ها باعث شد ذراتی که هم اندازه و هم شکل بوده اند گرد هم آمده و عناصر اصلی عالم طبیعت را تشکیل داده اند؛ یعنی برخورد اتفاقی ذرات سرگردان، سبب پیدایش عناصر و اشیای فعلی در جهان شده است.

۲ نمونه دوم: نظریه تحول تصادفی جانداران از برخی زیست شناسان:

- از نظر برخی زیست شناسان از زمان پیدایش حیات بر روی زمین، اندام انواع جانداران همواره به صورت **تصادفی** و **اتفاقی** در حال تغییر و تحول است. از این تحولات، انواع جدیدی از جانداران پدید می آید. مثلاً اندام ماهی ها دچار تحول شده و دوزیستان ایجاد شده اند. هم چنین اندام دوزیستان در اثر تحولات تصادفی تبدیل به خزندگان، پرندگان و سپس پستانداران شده است. هر نوعی از پستانداران هم به مرور زمان دچار تحولاتی می شود و نوع جدیدی را ایجاد می کند. مثلاً می گویند که احتمالاً انسان از تحول نوع خاصی از شامپانزه به وجود آمده است.
- حال سؤال این است که اگر این تحولات **اتفاقی** و **تصادفی** است، پس چگونه تحولات تدریجی انواع جانداران همواره رو به تکامل بوده است؟ مثلاً چرا انسان که بعد از میمون پدید آمده، نوع کامل تری از میمون است؟ این گروه از زیست شناسان می گویند که در واقع تحولات تدریجی اندام جانداران رو به سوی تکامل نبوده و گونه های ناقص و کامل بسیار زیادی از جانداران تا به حال پدید آمده است. ولی بیشتر این گونه ها در اثر **ناسازگاری** اندام ها و اعضای بدنشان با محیط زندگی، از بین رفته اند. اما در این بین تعدادی از گونه های جانداران هم بوده اند که تغییرات تصادفی اندام هایشان «**اتفاقاً**» سازگار با محیط زیست بوده است. این انواع جانداران توانسته اند به بقای خود بر روی کره زمین ادامه دهند و رشد کنند و تکثیر شوند.

۱- در زبان فارسی کلمه «اتفاق» به معنای مصدري «رخدادن» هم به کار می رود؛ مثلاً می گوئیم: «فلان حادثه دیروز اتفاق افتاد». این معنای «اتفاق» در این درس مورد نظر نیست.

نتیجه این که اگر می‌بینیم در بین جانداران تکاملی از جهت زیستی وجود دارد، عامل این تکامل **اتفاقی** بوده است، نه این که از ابتدا تحولاتی که به تکامل انجامیده‌اند با هدف و غایت تکامل رخ داده باشند. پس به طور خلاصه: فقط آن دسته از جانداران که تغییرات اندامی‌شان «**اتفاقاً**» سازگار با محیط بوده است، به حیات خود ادامه داده و رشد کرده‌اند و اگر در این میان تکاملی رخ داده، **اتفاقی** بوده است.

۳ نمونه سوم: نظریه مه‌بانگ از برخی دانشمندان (فیزیک‌دانان):

برخی دانشمندان احتمال داده‌اند که شروع گسترش تدریجی این میلیاردها کهکشان از یک انفجار بزرگ بوده است. آنان نام این انفجار را «مه‌بانگ» (بیگ‌بنگ) گذاشته‌اند. بیان این دانشمندان به گونه‌ای است که مفهوم «**اتفاق**» را به ذهن متبادر می‌کند. زیرا ما در ابتدا توقع نداریم بعد از یک انفجار، ذراتی که به اطراف پراکنده می‌شوند به صورت حساب‌شده و منظم، هر کدام به سمت خاصی بروند و سازه‌های منسجمی را پدید بیاورند (این مثل اینه که ما به مقدار شن، ماسه، سیمان، گچ و آهن روی هم بریزیم و زیرشون یک دینامیت کار بذاریم و منفجر کنیم و بعد انفجار ببینیم یک آپارتمان چهار طبقه درست شده! طبیعتاً اگر به همپنین اتفاقی بیفته که البته اصلاً توقع نداریم بیفته، می‌گیم این آپارتمان تصادفی و اتفاقی ساخته شده).

بنابراین بیان این گروه از دانشمندان در مورد نظریه احتمالی مه‌بانگ، سبب شده است که برخی تصور کنند پیدایش این جهان، **اتفاقی و بدون علت** بوده است. یعنی تصور کرده‌اند که ماده این جهان از ابتدا وجود داشته و تنها با یک انفجار، شروع به گسترش کرده است. لذا این افراد نیازی به یک آفریدگار حکیم یا علت هستی‌بخش نمی‌بینند که جهان را پدید آورده باشد.

فیلسوفان و دقت در مفاهیم عامیانه مثل «اتفاق» و «شانس»

یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان، دقت در مفاهیم عامیانه (همچون اتفاق و شانس) است. فیلسوفان گاهی نشان می‌دهند آن چه مردم از این مفاهیم درک می‌کنند، نادرست است یا هیچ مصداقی در عالم واقعیت ندارد و گاهی هم نشان می‌دهند می‌توان از این مفاهیم عامیانه معنایی دقیق‌تر و عمیق‌تر فهمید که بدون تحلیل فلسفی، آن معنا آشکار نمی‌شود. بنابراین:

فیلسوف در مواجهه با مفاهیم عامیانه یک اقدام مؤثر و مهم دارد: دقت در مفاهیم عامیانه

نتیجه نقد و تصحیح مفاهیم عامیانه
تعمیق مفاهیم عامیانه

ابن سینا و دقت در معنای اتفاق و شانس

مهم‌ترین کتاب فلسفی ابن سینا، «الهیات شفا» نام دارد. ابن سینا در این کتاب هم درباره «اتفاق» و هم درباره «شانس» صحبت کرده است. او تلاش کرده است نظر مردم را درباره این مفاهیم تصحیح کند. جالب است بدانید که امروزه مفهوم «اتفاق» نه تنها نزد عامه مردم بلکه بر زبان برخی دانشمندان نیز جاری می‌شود. این سبب می‌شود وظیفه دقت در این مفهوم برای فیلسوف جدی‌تر شود.

چون ۱ مفاهیم «اتفاق» و «شانس» نزد عامه مردم کاربرد دارد. ۲ به خصوص که مفهوم «اتفاق» امروزه بر زبان برخی دانشمندان هم جاری می‌شود.

وظیفه فیلسوف دقت در مفاهیم عامیانه و علمی است

لازم است در ادامه بحث علیت، به مفهوم اتفاق نظر کنیم و از جنبه فلسفی درباره آن بحث کنیم.

اگر گفتی: گزینه درست را انتخاب کنید.

۱- دقت در مفاهیم عامیانه:

(ب) از اقدامات مهم و مؤثر فیلسوفان است.

(الف) نقش مهمی در فهم مفاهیم تخصصی دارد.

۲- هدف ابن سینا از بحث درباره مفاهیم اتفاق و شانس چیست؟

(ب) فهم مردم از شانس و اتفاق اصلاح شود.

(الف) نظر مردم درباره مفاهیم عامیانه تغییر یابد.

۳- کدام گزینه از دلایلی که لازم است مفهوم اتفاق را بررسی فلسفی کنیم، محسوب نمی‌شود؟

(ب) وظیفه فیلسوف دقت در چنین مفاهیمی است.

(الف) اتفاق مشترک لفظی برای چند مفهوم مختلف است.

پاسخ: ۱- ب ۲- ب ۳- الف

معنای اتفاق و بررسی آن‌ها

اتفاق چهار معنا دارد. سه معنای اول آن مورد نظر فیلسوفان است و از نظر ما و فیلسوفان مسلمان همگی محال و ممتنع هستند. یعنی «اتفاق» با هیچ کدام از این سه معنا در عالم واقعی وجود ندارد. اما معنای چهارم، معنایی است که در گفتار روزمره به کار می‌رود و درست هم هست و تناقضی با محال بودن معنای فلسفی اتفاق ندارد.^۱

معنای اول اتفاق: انکار اصل علیت یا اصل وجوب علیّ

معنای اول اتفاق این است که میان علت و معلول آن، رابطه ضروری وجود نداشته باشد. یعنی اگر معلول موجود باشد ممکن است علتی وجود نداشته باشد، یا اگر علت وجود داشته باشد ممکن است معلول وجود نداشته باشد (یعنی یا نقض اصل علیت است یا نقض اصل وجوب علی و معلولی).

بنابراین اگر یک حادثه بی‌علت رخ بدهد، یک اتفاق رخ داده است. مثلاً اگر یک روز صبح از خواب بیدار شویم و ببینیم بدون هیچ علتی، خودبه‌خود روی سرمان یک درخت کاج سبز شده است یا انگشتان دستان تبدیل به سوسیس شده‌اند، اتفاقی به معنای اول رخ داده که اصل علیت را نقض کرده است. هم‌چنین اگر پنبه و آتش را کنار هم بگیریم و هیچ مانعی هم برای سوختن پنبه نباشد ولی باز پنبه آتش نگیرد، با نقض اصل وجوب، یک اتفاق به معنای اول رخ داده است. مثال دیگر این است که یک تکه سنگ را رها کنیم و هیچ مانعی هم برای تأثیر جاذبه زمین بر آن و سقوط کردنش نباشد ولی همین‌طور بین زمین و هوا معلق باقی بماند. این یعنی وزن که علت وجوب‌بخش به سقوط است وجود داشته باشد ولی معلول که سقوط کردن است، رخ ندهد. این هم یک اتفاق به معنای اول است.

۱- با توجه به این که در تمرینات کتاب درسی، به ترتیب این معانی اهمیت داده شده است (مثلاً گفته معنای دوم اتفاق)، لازم است این معانی را با همین ترتیب یاد بگیریم. به طوری که اگر مثلاً گفتند «معنای سوم اتفاق چه بود»، بتوانید آن را تشخیص دهید.

جمع‌بندی معنای اول اتفاق:

- اتفاق یعنی میان حوادث جهان و پدیده‌های آن هیچ رابطه ضروری نیست. به عبارت دیگر، اتفاق یعنی وجود معلول بدون علت (نقض اصل علیت) یا وجود علت بدون معلول (نقض اصل وجوب علی و معلولی). پس به علت از دو جهت می‌شود نگاه کرد:
- از جهت معلول ← این که معلول حتماً به علت نیاز دارد ← اصل علیت
 - از جهت علت ← این که اگر علت موجود باشد، حتماً معلول هم موجود خواهد بود ← اصل وجوب

اگر «اتفاق» به معنای اول را درست بدانیم، یکی از این دو جهت یا هر دوی آن‌ها نقض می‌شوند.

بررسی معنای اول اتفاق:

هیچ فیلسوفی این معنا از اتفاق را به طور صریح نپذیرفته و دارای مصداق واقعی نمی‌داند؛ یعنی فیلسوفان معمولاً چنین اتفاقی را انکار می‌کنند و می‌گویند از طرفی هر معلولی نیاز به علت دارد و نمی‌تواند بدون علت موجود شود. از طرف دیگر، هر علت کاملی هم معلول خود را به وجود خواهد آورد.

شاید به ذهنتان برسد که در درس قبل گفتیم هیوم منکر اصل علیت است و لذا او فیلسوفی است که معنای اول اتفاق را به طور صریح قبول دارد. ولی باید توجه داشته باشیم که هیوم تنها درک رابطه علیت و رابطه ضروری میان علت و معلول را انکار می‌کرد. ولی این طور نیست که هر چیزی را درک نمی‌کنیم لزوماً واقعیت نداشته باشد. از نظر هیوم آن علیتی که ما می‌فهمیم قطعاً امری ذهنی است و واقعیت ندارد ولی در مورد این که آیا در عالم واقع علیت دیگری هست که ما درکش نمی‌کنیم یا چنین علیتی هم نیست، هیوم اظهار نظری نمی‌کند. پس هیوم هم اتفاق به معنای اول را اثبات نکرده است و به طور صریح به آن معتقد نیست. ادعای هیوم این است که چه بسا این علت و معلول‌ها که شناسایی کرده‌ایم، علت و معلول حقیقی نباشند و در نتیجه شاید روزی ببینیم که علت هست ولی معلولش موجود نیست! بنابراین هیوم نه به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق موافق است و نه به طور صریح آن را انکار می‌کند، بلکه فقط احتمال رخ دادن چنین اتفاقی را می‌دهد.

علت تأمه و علت ناقصه:

برخی از مردم فکر می‌کنند ممکن است در عین وجود علت، معلول پدید نیاید. مثلاً غذا خوردن معلول وجود غذا و وجود انسان است ولی گاهی یک انسان سر سفره می‌نشیند و با این که غذا هم هست، ولی لب به غذا نمی‌زند. پس علت هست ولی معلولش وجود ندارد. آیا این اتفاق به معنای اول نیست؟ برای پاسخ دادن به این سؤال ابتدا لازم است دو اصطلاح را توضیح دهیم: (۱) علت ناقصه (۲) علت تأمه.

وقتی معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول‌اند، هر یک از عوامل را «علت ناقصه» و مجموعه عوامل را «علت تأمه» می‌نامند؛ مثلاً میوه سیب معلول عوامل متعددی مثل وجود درخت سیب، آب و هوای مناسب، نور خورشید، آب کافی و خاک مناسب است. بنابراین هر یک از این عوامل «علت ناقصه» برای پدید آمدن سیب هستند. یعنی اگر هر کدام نباشند سیبی هم نیست و اگر فقط یکی از این عوامل باشد باز هم سیب پدید نمی‌آید. مثلاً اگر فقط درخت سیب باشد ولی آب یا نور کافی به آن نرسد، طبیعتاً سیبی هم پدید نمی‌آید. پس می‌توان گفت علت ناقصه شرط لازم برای معلول است ولی شرط کافی نیست. اما «علت تأمه» برای پدید آمدن سیب، مجموعه این عوامل (یعنی وجود درخت سیب، آب و هوای مناسب، نور خورشید، آب کافی و خاک مناسب) است که اگر همگی با هم موجود باشند، ضرورتاً سیب هم به وجود خواهد آمد. به همین خاطر علت تأمه هم شرط لازم و هم شرط کافی برای وجود معلول است. بنابراین می‌توان گفت:

– علت تأمه: مجموعه عواملی که با هم معلول را پدید می‌آورند.

– علت ناقصه: یکی از اجزای علت تأمه

– اگر علت تأمه موجود باشد، معلول وجود دارد و برعکس (یعنی اگر معلول موجود باشد، علت تأمه وجود دارد).

– اگر علت ناقصه موجود باشد، ممکن است معلول وجود داشته باشد و ممکن است وجود نداشته باشد. ولی اگر معلول وجود داشته باشد، علت ناقصه حتماً موجود است (زیرا در این صورت، علت تأمه وجود دارد و علت ناقصه هم جزئی از علت تأمه است).

حالا با توجه به این دو اصطلاح، پاسخ سؤال مورد نظر را می‌دهیم. پاسخ این است که غذا خوردن معلول مختلفی مثل وجود غذا، وجود انسان، وجود میل به غذا، وجود ابزار خوردن (دست، ظرف، قاشق، دندان و دهان و ...)، اراده انسان و حرکت دست و دهان است. اگر همه این موارد با هم موجود باشند، علت تأمه محقق شده و معلول (غذا خوردن) حتماً پدید خواهد آمد. احتمالاً خودتان متوجه جواب سؤال شدید. سؤال کننده گمان کرده همین که انسان سر سفره نشسته و غذا هم هست، علت کامل شده و باید غذا خوردن روی بدهد. ولی این‌ها تنها علل ناقصه هستند و تا همه عوامل از جمله میل به غذا و اراده انسان نباشد، غذا خوردن هم رخ نخواهد داد.

نتیجه این که گاهی ممکن است علتی را که هنوز تأمه نشده است، تأمه تصور کنیم و گمان کنیم چون معلول آن پدید نیامده پس اتفاق به معنای اول رخ داده است.

در این موارد با توجه به آن اجزایی از علت تأمه که هنوز محقق نشده‌اند، می‌توانیم دلیل اشتباه خود را دریابیم. مثلاً اگر شکلات را به کودک بدهیم و او نخورد، این یک اتفاق به معنای اول نیست. زیرا میل و اراده کودک هم باید باشد تا علت، تأمه شود و بدون این‌ها طبیعی است که معلول (خوردن شکلات) پدید نیاید.

★ نکته: وقتی کلمه «علت» به تنهایی به کار رود، مقصود «علت تأمه» است (این نکته در تست‌ها هم باید رعایت شود).

معنای دوم اتفاق: انکار سنخیت

فرض کنید به پشت کنگوری از مشاورش بپرسد «چرا پارسل قبول نشد؟» مشاورش جواب بده «چون شست پای راست تو گوش پیت فرو نکرده بودی!» اولین سؤالی که به ذهن اون فرد می‌رسد این‌هاست: «این دوتا چه ربطی به هم دارن؟» معنای دوم اتفاق، نقض همین اصل سنخیت بین علت و معلول است. یعنی ممکن است از هر علتی هر معلولی صادر شود (نه لزوماً معلولی که با آن علت سنخیت دارد). به عبارت دیگر، تناسبی بین اشیا و آثار آن‌ها وجود نخواهد داشت (مثلاً آتش سرد می‌کند و خورشید تاریکی می‌دهد و ...).

بررسی معنای دوم اتفاق:

در مورد امکان تحقق این معنا از اتفاق نیز بین فیلسوفان اختلاف نظر هست. البته چون اتفاق به این معنا نفی سختی میان علت و معلول را به دنبال دارد، از نظر بسیاری از فیلسوفان، از جمله ابن سینا، ملاصدرا، علامه طباطبایی و برخی فیلسوفان اروپایی امکان پذیر نیست. سخن این دسته از فیلسوفان این است که اگر کسی واقعاً سختی میان علت و معلول را انکار کند، چه می شود؟ یعنی کسی که واقعاً معتقد باشد هر چیزی از هر چیزی ایجاد می شود، چگونه زندگی خواهد کرد؟ مثلاً ممکن است من خودم را باد بزنم و این کار سبب شود فیوز برق همسایه برود! یا ممکن است از بینی شما خون بیاید فقط چون یک کرم خاکی در آمریکای جنوبی به خود می لولد. در این صورت واقعاً دست به هیچ کاری نمی توان زد چون هیچ پیش بینی مشخصی از نتایج کارهای خود نداریم. کسی که سختی را قبول ندارد علاوه بر این که نمی تواند هیچ کاری انجام دهد، نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را نیز تبیین کند و دلیلی برای آن بیاورد. مثلاً نمی تواند بگوید وزن اجسام در اثر نیروی جاذبه زمین است. چون این وزن در اثر هر چیز دیگری مثل دمای هوا هم می تواند باشد. هم چنین نمی تواند بگوید لیمو شیرین برای سرماخوردگی مفید است زیرا امکان دارد لیمو شیرین باعث افت دمای بدن تا منهای ۳۷ درجه هم بشود. بنابراین چنین شخصی باید کشف علل پدیده ها در دانش های مختلف را بیهوده بداند و دیگران را به این کار تشویق نکند.

فیلسوفانی که معنای دوم اتفاق را امکان ناپذیر می دانند، می گویند اگر کسی واقعاً اتفاق به این معنا را بپذیرد، اصل سختی را نقض کرده است و در نتیجه:

- ۱) اولاً با نقض اصل سختی، هیچ کاری نمی تواند انجام دهد.
- ۲) ثانیاً با نقض این اصل، همه علوم بی اعتبار می شوند و کسی به آن ها اعتنا نخواهد کرد.
- ۳) ثالثاً انکار اصل سختی، متناقض با یک هستی نظام مند و قانونمند است.

معنای سوم اتفاق: انکار غایت مندی و هدفداری

معنای سوم اتفاق این است که گرچه جهان در حرکت است و نظم خاصی در آن وجود دارد، ولی این حرکت و نظم، غایت و هدف خاص و معینی را دنبال نمی کند و باری به هر جهت پیش می آید و پیش می رود.

این معنا از اتفاق را با یک مثال توضیح می دهیم. فرض کنید روزی به یک کارخانه خودروسازی وارد می شوید. در آن جا خط تولید یک خودرو را مشاهده خواهید کرد. می بینید که قطعات اولیه خودرو همگی از قبل مهیا شده اند و در یک مسیر منظم و دقیق به تدریج بر روی یک خودرو نصب می شوند، به طوری که در انتهای مسیر یک خودروی کامل با همه امکانات لازم از خط تولید خارج می شود. تا این جا هنوز اتفاقی به معنای سوم رخ نداده است. اما اگر فردای آن روز به همان کارخانه بروید و ببینید خط تولید برعکس عمل می کند، یعنی تمام قطعات خودروهای دیروزی را در یک سیر منظم از هم باز می کنند تا خودرو کاملاً به همان قطعات خام اولیه تبدیل شود، حتماً تعجب خواهید کرد! این تعجب شما از نقض اصل علت یا وجوب یا سختی نیست، بلکه از این است که هدف از این کارها را نمی فهمید! اگر قرار بود قطعات خودروها را از هم باز کنند خب چرا از اول این قطعات را به هم بستند؟ اگر متوجه شوید کلاً کار این کارخانه همین است یعنی مثلاً روزهای زوج خودرو می سازند و روزهای فرد همان خودروها را از هم باز می کنند و هیچ خروجی دیگری هم از این کارخانه بیرون نمی آید و انگیزه و غرض مخفی دیگری هم در کار نیست، مطمئن خواهید شد که مؤسسين این کارخانه و کارمندان آن هیچ هدف و غایت حکیمانه ای را دنبال نمی کنند و کورکورانه و بیهوده فقط در پی وقت گذرانی هستند. در این صورت اگر به این افراد بگوییم چرا این کار (باز کردن و بستن خودرو) را انجام می دهید و به جای آن کار دیگری نمی کنید (مثلاً چرا یک روز زمین را نمی کنید و فردایش همان حفره هایی را که کنده اید پر نمی کنید؟) پاسخی برای این سؤال نخواهند داشت. زیرا آن ها قصد و غرض خاصی ندارند و کاملاً اتفاقی به این کار مشغول شده اند. حالا اگر این معنای اتفاقی بودن را در مورد کل حرکات جهان به کار ببریم به همان اتفاق به معنای سوم خواهیم رسید. پس می توان گفت: اتفاق یعنی نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان؛ به این معنا که این حرکات و نظام ها به سمت غایت و هدف معینی به پیش نمی روند.

بررسی معنای سوم اتفاق:

روشن است که انسان ها کارهای اساسی زندگی خود را این گونه بی هدف و اتفاقی (به معنای سوم) انجام نمی دهند. اما سؤالی که سبب می شود اثبات یا نفی اتفاق به معنای سوم نیاز به دقت و تأمل بیشتری داشته باشد، این است که آیا کل تحولات جهان هم اتفاقی به این معنا نیست؟ مگر کل جهان فعل یک موجود با شعور و هدفمند مانند انسان است که در آن اتفاق و بی هدفی وجود نداشته باشد؟ شاید کل جریانات موجود در جهان طبیعت کاملاً بدون هیچ غایت معین و خاصی برقرار شده اند و وضعیت جهان اتفاقاً به حالت کنونی رسیده است و شاید این وضعیت تا ابد همین طور اتفاقی به تحولات خود ادامه دهد. بنابراین روشن است که نظر فیلسوفان درباره هدفمندی کل جهان با اعتقاد آنان به خداوند حکیم کاملاً مرتبط است.

برای توضیح جنبه دیگری از مطلب، وضعیتی متفاوت با وضعیت کارخانه ای را که مثال زدیم، تصور کنید. یک کارخانه خودروسازی بسیار موفق را در نظر بگیرید که بهترین خودروهای جهان را تولید می کند و بیشترین آمار فروش خودرو را به دست آورده است. اگر در خط تولید این کارخانه تغییری ایجاد شود و مثلاً قطعه ای به خودروها اضافه شود، حتماً در جهت بهبود و تکامل خودروها خواهد بود. اما آیا ممکن است به صورت اتفاقی و تصادفی و بدون طراحی و اهداف از پیش معین، یک قطعه را اضافه کنند و منجر به بهبود خودروها شود؟ طبیعتاً چنین چیزی محتمل نیست، بلکه برعکس، چنین کارخانه ای قاعداً باید از یک تیم بسیار خبره و متخصص استفاده کند تا با طرح ها و اهداف دقیق و از پیش مشخص، دست به تولید یک قطعه جدید بزنند. فقط در این صورت است که می توان امیدوار بود قطعات تولید شده جدید، در راستای هدف کارخانه که ارتقای کیفی خودروها بوده است، باشند و باعث تکامل محصولات کارخانه شوند. به همین ترتیب، کل این جهان هم فقط در صورتی می تواند در جهت اهداف معینی پدید آمده باشد و تحولات آن منجر به تکامل شوند که آفریننده ای حکیم از قبل از پدید آوردن آن، اهداف معینی برای این جهان در نظر گرفته باشد و اجزای این جهان را به گونه ای آفریده باشد که بتوانند مسیر تکامل را طی کنند و به اهداف و غایت های از پیش معین، برسند.

نتیجه می گیریم که از طرفی، اگر جهان یک آفریننده حکیم داشته باشد، مسلماً این آفریننده کار عبث و بیهوده انجام نخواهد داد بلکه از آفرینش جهان هدف خاصی را دنبال خواهد کرد. در نتیجه تحولات جهان رو به سوی یک غایت و هدف از پیش تعیین شده خواهد بود. از طرف دیگر، اگر چنین آفریننده ای وجود نداشته باشد، اشیا و حوادث جهان هم که از ابتدا در راستای اهداف خاصی پدید نیامده اند، بیهوده و بی هدف خواهند بود و اتفاق به معنای سوم پذیرفته خواهد شد.

با توجه به این که «آفریننده جهان» همان «علت نخستین جهان» (که فیلسوفان آن را «**علة العلل**»^۱ می نامند) است، می توان گفت روابط دوطرفه ای به شکل زیر برقرار است:

پذیرفتن اتفاق معنای سوم $\longleftrightarrow$ نفی «آفریننده» یا «علت نخستین جهان» یا «**علة العلل**»
انکار اتفاق به معنای سوم $\longleftrightarrow$ قبول «آفریننده» یا «علت نخستین» یا «**علة العلل**»

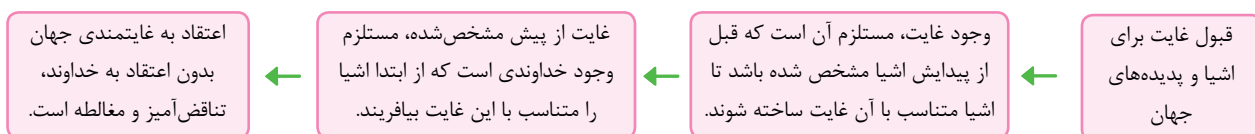
❖ با این حال، این طور نیست که همه فیلسوفان به روابط دوطرفه فوق توجه داشته باشند. لذا فیلسوفان نسبت به معنای سوم اتفاق، سه نظر متفاوت ارائه کرده اند:

❶ **فیلسوفانی که برای جهان علت نخستین و آفریننده اثبات می کنند، معتقدند این نوع اتفاق هم مانند دو معنای اول امکان پذیر نیست.**
نتیجه دیدگاه دسته اول فیلسوفان (فیلسوفان معتقد به علت نخستین): دسته اول فیلسوفان معتقدند قطعاً همه حرکات و نظام های موجود در جهان، هدف و غایت خاص و معین و از پیش تعیین شده ای دارند و محال است حتی افتادن یک برگ از درخت، بی هدف و بیهوده باشد چه برسد به این که کل حرکات کیهانشان ها بیهوده باشد. به عبارت دیگر: جهانی که ما در آن زندگی می کنیم، به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کامل تر می شود.

❷ **فیلسوفانی که به خداوند و علت نخستین معتقد نیستند و این معنای اتفاق را می پذیرند.**
نتیجه دیدگاه دسته دوم فیلسوفان (فیلسوفان منکر خدا و موافق اتفاق): این گروه حرکات و نظام های جهان را بدون غایت و هدف از پیش تعیین شده می دانند. یعنی هیچ علم و حکمت فراجهانی را قبول ندارند که کل حرکات را به سمت معینی جهت دهی کند. از نظر اینان مجموعه هستی از ابتدا به طور اتفاقی به سمت وضعیت کنونی آمده است و از حالا به بعد هم به طور اتفاقی به سمتی دیگر خواهد رفت. بنابراین حتی اگر این جهت گیری به سمت کمال هم باشد، این یک کمال گرایی اتفاقی است. به عبارت دیگر، این گروه غایت مندی زنجیره حوادث را انکار می کنند و حتی وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین شده نبوده است.

❸ **فیلسوفانی که به خداوند و علت نخستین معتقد نیستند و این معنای اتفاق را هم نمی پذیرند.**
نتیجه دیدگاه دسته سوم فیلسوفان (فیلسوفان منکر خدا و منکر اتفاق): این گروه هم مانند دسته اول، هدف مندی و تکامل غایت مند جهان را قبول دارند. ولی نظر این فیلسوفان مورد نقد قرار گرفته است، زیرا همان طور که قبلاً هم توضیح دادیم، قبول غایت برای اشیا و پدیده های جهان وقتی منطقاً و عقلاً امکان پذیر است که آن غایت، قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد تا اشیا متناسب با آن هدف و آن غایت، ساخته شده و پدید آمده باشند تا به سوی آن حرکت نمایند و تکامل یابند و چنین غایت و هدفی، بدون قبول خداوند امکان پذیر نیست، زیرا فقط یک آفریننده حکیم است که می تواند قبل از آفریدن، برای آفریده خود هدفی در نظر بگیرد و پیدایش تصادفی و بدون آفریننده، نمی تواند از چنین هدف از پیش معینی برخوردار باشد.

★ **نکته:** در بین این سه گروه احتمالاً تنها گروه سوم هستند که توجه ندارند انکار معنای سوم اتفاق، مستلزم پذیرش وجود علت نخستین است.



★ **چند نکته:** ❶ نمی توان بدون یک **علت بالذات** یا **علة العلل** (همان خدای ادیان)، این معنا از اتفاق را مردود دانست. یعنی اگر کسی مانند فیلسوفان دسته سوم، بدون اعتقاد به علت نخستین، حوادث جهان را غایت مند بداند حتماً دچار تناقض خواهد شد و می توان نشان داد که دلایل او در حقیقت مغالطه هستند.

❷ با این که استدلال های بیان شده ما را به این نتیجه می رسانند که پذیرفتن معنای سوم اتفاق، قطعاً باید منجر به نفی «علت نخستین» و «آفریننده» شود و هیچ گروهی از فیلسوفان هم نیستند که معنای سوم اتفاق را بپذیرند، و آفریننده را نیز قبول داشته باشند، اما کتاب درسی می گوید «معمولاً» چنین است که پذیرفتن این معنای اتفاق، همراه با عدم پذیرش خداست! این مطلب کتاب درسی احتمالاً از این بابت است که برخی از افراد غیر فیلسوف، مانند داروین هستند که در عین پذیرش تحولات اتفاقی در جهان، خدا باورند. این افراد در واقع توجه ندارند که باور آن ها به اتفاق با باور دیگر آن ها به وجود خداوند، ناسازگار است.

❸ آن اتفاقی که در ابتدای درس از آن سخن گفتیم و از نظریات **دموکریتوس** و برخی **زیست شناسان** برداشت می شد و از بیان دانشمندان قائلان به **مهبانگ** هم به ذهن برخی از مردم خطور کرده بود، در اصل همین **اتفاق به معنای سوم** است.^۲

معنای چهارم اتفاق: پذیرش پیش بینی نداشتن از برخی حوادث

❖ معنای چهارم اتفاق که امری ممکن است، رخ دادن حادثه پیش بینی نشده برای فرد یا افرادی خاص است. مثلاً وقتی برای تفریح به مسافرت می روید و در بین راه یکی از هم کلاسی های خود را می بینید، می گوید: «عجب اتفاق جالبی!» یا «چه حسن تصادفی!» این برخورد در واقع و از دید کسی که هم از قبل جزئیات سفر شما را برای مسافرت می دانسته و هم از جزئیات سفر دوستان مطلع بوده اصلاً اتفاق و تصادف نیست و کاملاً قابل پیش بینی بوده است. ولی نسبت به شما و دوستان که از جزئیات سفر یکدیگر مطلع نبوده اید یک اتفاق محسوب می شود. در نتیجه این معنا از اتفاق، **نسبی** است. یعنی یک حادثه نسبت به اشخاص خاصی اتفاقی خواهد بود نه نسبت به همه اشخاص یا نسبت به کل تحولات جهان.

۱- معنای دقیق «**علة العلل**» یا «علت بالذات» در درس ۶ توضیح داده خواهد شد.

۲- همان طور که گفتیم اصلی ترین معنای اتفاق که در سه مثال ابتدای درس دیده می شد، همان اتفاق به معنای سوم است. ولی کتاب راهنمای معلم با این استدلال که برخورد تصادفی ذرات، تناسبی با تشکیل عناصر ندارد و نیز تحول های تصادفی انواع جانداران، تناسبی با پیدایش گونه های جدید ندارد و همچنین یک انفجار معمولی با ایجاد نظام طبیعت متناسب نیست، معنای دوم اتفاق (نقض سنخیت) را هم برای این سه مثال مطرح کرده است. حتی این کتاب، در مورد مثال مهبانگ، با این استدلال که شاید کسی چنین برداشت کند که قبل از انفجار هیچ چیز نبوده است و انفجار خود به خود رخ داده است، اتفاق به معنای اول (نقض اصل علیت) را هم محتمل دانسته است. با این که پیرامون تمام این مدعیات کتاب راهنمای معلم، اشکالات و ابهاماتی وجود دارد، ولی مناسب است شما دانش آموزان این مطالب را در ذهن داشته باشید تا اگر احیاناً در سؤالی تشخیص دادید که مورد نظر طراح هستند، این مطالب را درست در نظر بگیرید. بر این اساس، هر سه مثال می توانند مصداق معنای دوم و سوم اتفاق باشند و علاوه بر این ها مثال مهبانگ می تواند مصداق معنای اول اتفاق نیز باشد.

❖ **اتفاق** یعنی رخ دادن حوادث **پیش‌بینی نشده**. این نوع اتفاق این ویژگی‌ها را دارد:

- ❶ از نظر **همه** فیلسوفان صحیح و ممکن است و کاربرد درستی دارد؛ **زیرا** با هیچ‌یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست.
- ❷ مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است.
- ❸ امری **نسبی** است یعنی یک حادثه فقط نسبت به اشخاصی که از آن بی‌خبر بوده‌اند، اتفاقی است، نه نسبت به همه.

★ **نکته:** در این معنا از اتفاق، حادثه اتفاقی در حقیقت براساس قاعده علیت و لوازم آن، پدید می‌آید ولی ما که از علل بی‌اطلاعیم آن را اتفاقی می‌پنداریم.

➕ **جمع‌بندی** جدول اطلاعات مربوط به معانی «اتفاق»:

معانی اتفاق	امکان‌پذیری این معنا	امکان این اتفاق کدام اصول را نقض می‌کند؟	معتقدان به این معنا از اتفاق
❶ نبود رابطه ضروری میان علت و معلول	✗	«علیت» یا «وجوب بخشی علت به معلول»	به طور صریح هیچ کس ^۱
❷ پدید آمدن هر معلولی از هر علتی	✗	«سنخیت میان علت و معلول»	برخی فیلسوفان اروپایی
❸ نبود غایت خاص در حرکات و نظم جهان	✗	«وجود علل یا علت نخستین»	برخی منکران خدا یا علل‌العلل ^۲
❹ رخ دادن حادثه پیش‌بینی نشده	✓	-----	همه

★ **چند نکته:** ❶ ضرب‌المثل «گندم از گندم بروید جو ز جو» معنای دوم اتفاق را رد می‌کند. زیرا بدین معناست که از هر علتی هر معلولی صادر نمی‌شود.

❷ شعر زیر معنای سوم اتفاق را انکار می‌کند. زیرا جهت‌گیری تحولات جهان را به سمت کمال معینی تصویر می‌کند.

از جمادی مُردم و نامی شدم وز نما مردم به حیوان برزدم
مردم از حیوانی و آدم شدم پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم
حمله دیگر بمیرم از بشر تا برآرم از ملائک پر و سر

❓ **اگر گفتی:** الف) هر یک از عبارتهای زیر، نشان‌دهنده کدام یک از معانی «اتفاق» است؟

- ۱- این معنای اتفاق حتماً با وجود علت نخستین در تناقض است.
- ۲- این معنای اتفاق علیت و فروع آن را نفی نمی‌کند.
- ۳- مبنای تمام تحقیقات علمی دانشمندان را زیر سؤال می‌برد.
- ب) هر یک از موارد سمت راست به کدام یک از عبارتهای سمت چپ اشاره دارد؟
 - ۱- معلول بر اثر وجود علت ناقصه به وجود آمده است.
 - ۲- علت تامه موجود است، اما معلول پدید نیامده است.
 - ۳- با این که علت ناقصه موجود شده است، اما معلول پدیده نیامده است. (پ معنای اول اتفاق پذیرفته شده است.)

✓ **پاسخ:** الف) ۱- سوم ۲- چهارم ۳- دوم / ب) ۱- پ ۲- ب ۳- الف

مختصر و مفید

❖ «اتفاق» و «شانس» هم در زبان عامیانه کاربرد دارد هم از زبان برخی دانشمندان شنیده می‌شود. نمونه کاربردها از زبان دانشمندان:

فیلسوفان: دموکریتوس معتقد بود عناصر و اشیای جهان از برخورد اتفاقی اتم‌ها تشکیل شده‌اند.

زیست‌شناسان: برخی معتقدند تحولات اندامی جانداران اتفاقی است ولی بعد از این تحولات، فقط آن جاندارانی به حیات خود ادامه می‌دهند که اتفاقاً با محیط زیست سازگارتر شده‌اند.

فیزیک‌دانان: نظریه مه‌بانگ که مورد قبول برخی دانشمندان است و آغاز گسترش جهان فیزیکی را از یک انفجار بزرگ می‌داند، بیانی دارد که تصور اتفاقی بودن این انفجار را برای برخی ایجاد کرده است.

❖ دقت در مفاهیم عامیانه مثل «اتفاق» و «شانس» و سپس «نقد و تصحیح» یا «تعمیق» این مفاهیم از وظایف فیلسوف است.

❖ معنای اول اتفاق: نبود رابطه ضروری بین علت و معلول (ممتنع)
 ❖ معنای دوم اتفاق: پدید آمدن هر معلولی از هر علتی (ممتنع)
 ❖ معنای سوم اتفاق: بی‌هدفی حرکات و نظم جهان (ممتنع)
 ❖ معنای چهارم اتفاق: رخداد پیش‌بینی نشده (ممکن)

❖ «اتفاق» سه معنای ممتنع و یک معنای ممکن دارد

❖ هیچ فیلسوفی به طور صریح اتفاق به معنای اول را قبول نکرده است، ولی این‌طور نیست که همه فیلسوفان این معنا را انکار کرده باشند، بلکه معمولاً آن را انکار می‌کنند. به ندرت فیلسوفانی، مثل هیوم هم هستند که گرچه این معنا از اتفاق را نمی‌پذیرند، ولی آن را انکار هم نمی‌کنند و صرفاً آن را محتمل می‌دانند.

❖ «علل‌العلل» یا «علت بالذات» یا «علت نخستین» در ادیان الهی «خدا» نامیده می‌شود.

❖ بدون باور به علل‌العلل نمی‌توان اتفاق به معنای سوم را رد کرد. بنابراین اگر کسی بدون باور به خدا، اتفاق به معنای سوم را رد کند، حتماً دچار تناقض خواهد شد.

۱- البته کسانی مثل هیوم، این معنا را انکار نمی‌کنند و احتمال چنین اتفاقی را به طور ضمنی پذیرفته‌اند.

۲- با توجه به قید «معمولاً» در کتاب درسی، احتمالاً باید گفت به ندرت برخی از خداباوران، مثل داروین هم چنین معنایی از اتفاق را قبول دارند.

از نگاه طرح

درست است که: (گزینهٔ جواب)	ولی درست نیست که: (گزینهٔ انحرافی)
دموکریتوس عامل تشکیل اشیا را برخورد تصادفی ذرات تجزیه‌ناپذیر در فضای نامتناهی می‌داند.	دموکریتوس معتقد بود اتم‌های عناصر به صورت تصادفی به وجود آمده‌اند و با حرکات ذاتی خود اشیای گوناگون را پدید آورده‌اند.
به نظر برخی زیست‌شناسان تحولات اندامی جانداران تصادفی است ولی جاندارانی که تصادفاً سازگار با محیط می‌شوند، باقی می‌مانند و بقیه منقرض می‌شوند.	برخی زیست‌شناسان معتقدند تحولات اندامی جانداران تصادفاً همیشه رو به تکامل و سازگارتر شدن با محیط است.
نظریهٔ مه‌بانگ باید به گونه‌ای تبیین شود که مستلزم اتفاقی بودن انفجار اولیه که منجر به گسترش تدریجی جهان شد، نباشد.	نظریهٔ مه‌بانگ قطعاً آغاز جهان را اتفاقی می‌داند. نظریهٔ مه‌بانگ یک انفجار را عامل گسترش ناگهانی جهان می‌داند.
وظیفهٔ فیلسوف در مواجهه با مفاهیم عامیانه و علمی، دقت در آن‌ها و در صورت لزوم نقد و تصحیح یا تعمیق آن‌هاست.	فیلسوف با مفاهیم عامیانه سروکار ندارد بلکه وظیفهٔ او دقت در مفاهیم تخصصی و نقد، تصحیح و تعمیق این مفاهیم است.
اتفاق معانی مختلفی دارد؛ بعضی از این معانی مورد قبول همه و بعضی مورد قبول هیچ‌کس و بعضی مورد اختلاف است. ولی هیچ معنایی از اتفاق نیست که همگان منکر آن باشند.	اتفاق معانی مختلفی دارد ولی هیچ‌کدام از معانی آن این گونه نیست که از نظر همهٔ فیلسوفان امکان وقوع داشته باشد.
علت تا مه علتی است که شرط لازم و کافی برای وجود معلول است. علت ناقصه بخشی از علت تا مه و شرط لازم و نه کافی برای معلول است.	علت تا مه می‌تواند در صورت اراده کردن معلول را ایجاد کند. علت ناقصه بر خلاف علت تا مه برای ایجاد معلول لازم نیست.
معنای سوم اتفاق مورد تأیید برخی از خداناباوران است، ولی آنان فرایندهای تکاملی جهان را انکار نمی‌کنند، بلکه آن را اتفاقی یعنی بدون هدف و غایت می‌دانند.	معنای سوم، اتفاق عقلاً و منطقاً می‌تواند مورد تأیید خداباوران باشد. خداناباوران وجود فرایندهای تکاملی در جهان را انکار می‌کنند.
معنای سوم، یعنی وقوع حوادث بدون هدف و غایت از پیش تعیین شده و معنای چهارم اتفاق، یعنی وقوع حوادث بدون هدف و غایت از پیش تعیین شده.	معنای سوم یعنی وقوع حادثهٔ پیش‌بینی نشده و معنای چهارم اتفاق، یعنی وقوع حوادث بدون هدف و غایت از پیش تعیین شده.
معنای چهارم اتفاق معنای صحیح این واژه است که با اصل علت و لوازم آن سازگار است و همهٔ فیلسوفان آن را قبول دارند.	معنای چهارم اتفاق براساس اصل علت و لوازم آن نیست و لذا از این نظر هیچ فیلسوفی آن را انکار نمی‌کند.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

آموزش و تمرین

مقدمهٔ درس و معانی اتفاق

- ۴۴۴- دموکریتوس، مادهٔ اولیهٔ جهان را چه می‌دانست و نحوهٔ پیدایش عناصر و اشیای دیگر را چگونه توضیح می‌داد؟
 (۱) آتش - برخورد اتفاقی آتش با موجودات
 (۲) اتم - رشد برنامه‌ریزی شده و منظم اتم‌ها
 (۳) آب - بارش باران و آب‌گرفتگی تمام زمین
 (۴) ذرات ریز تجزیه‌ناپذیر - برخورد اتفاقی این ذرات با یکدیگر
- ۴۴۵- دقت در مفاهیم عامیانه
 (۱) از اقدامات مهم و مؤثر فیلسوفان است.
 (۲) از کارهای مربوط به علوم غیرعقلی است.
 (۳) معمولاً در فلسفه انجام نمی‌گیرد ولی گاهی مفید است.
 (۴) نقش مهمی در فهم مفاهیم تخصصی دارد.
- ۴۴۶- مقصود دموکریتوس از اتم،
 (۱) چیزهایی که با چشم دیده نمی‌شوند، بود.
 (۲) اجزای تشکیل‌دهندهٔ مولکول‌ها بود.
 (۳) اشیای ریز غیر قابل انقسام بود.
 (۴) مادهٔ درست‌شده از الکترون، پروتون و نوترون بود.
- ۴۴۷- معنای دوم اتفاق این است که
 (۱) ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید.
 (۲) میان علت و معلول رابطهٔ حتمیت وجود ندارد.
 (۳) رویدادی حادث شده که پیش‌بینی نشده بود.
 (۴) حرکات و نظم جهان غایت و هدف خاص ندارند.
- ۴۴۸- ابن سینا در کدام کتاب دربارهٔ «اتفاق» و «شانس» سخن گفته و هدف او از این بحث چه بوده است؟
 (۱) مهم‌ترین کتاب فلسفی‌اش - فهم مردم از شانس و اتفاق را اصلاح نماید.
 (۲) الهیات شفا - نظر مردم را دربارهٔ مفاهیم عامیانه تغییر دهد.
 (۳) مهم‌ترین کتاب دینی‌اش - ارتقای سطح دانش عمومی مردم دربارهٔ شانس
 (۴) اشارات و تنبیهات - دقیق‌تر کردن فهم عامهٔ مردم از علت

۴۴۹- بر چه اساسی توقع ندارید بر اثر ضربهٔ دستانان به یکدیگر، چراغ بالای سرتان خاموش شود؟

- (۱) براساس باور به واجب‌الوجود بالغیر بودن موجودات پیرامونمان
- (۲) مبتنی بر پذیرش اصل سنخیت
- (۳) عدم امیدواری به اتفاقات عجیب
- (۴) زیرا به قانونمندی و انتظام جهان شک داریم.

۴۵۰- وجه اشتراک نظریهٔ دموکریتوس، برخی دانشمندان زیست‌شناس و قائلین به مه‌بانگ در چیست؟

- (۱) همگی قائل به یک مادهٔ اولیه بودند.
- (۲) در بیان همگی آن‌ها امکان رخ دادن «اتفاق» به نوعی پذیرفته شده است.
- (۳) علت از بین رفتن موجودات ناسازگاری با محیط است.
- (۴) مفهوم اتم و ذرات تجزیه‌ناپذیر در سه نظریه نقش کلیدی دارد.

۴۵۱- از نظر دموکریتوس اتفاقی بوده است، به این معنا که

- (۱) پدید آمدن اشیای طبیعی - وجود آن‌ها هیچ هدفی را برآورده نمی‌کند.
- (۲) به وجود آمدن مادهٔ اولیهٔ جهان - بدون علت متناسب پدید آمده‌اند.
- (۳) تشکیل عناصر - در اثر فعل و انفعالات کورکورانه به وجود آمده‌اند.
- (۴) ایجاد حیات - سنخیتی بین جانداران و عامل پدیدآورندهٔ آن‌ها نبوده است.

۴۵۲- از کدام نظریه ممکن است امکان رخ دادن یک حادثهٔ بی‌علت برداشت شود؟

- (۱) نظریهٔ برخی زیست‌شناسان
- (۲) نظریهٔ مه‌بانگ
- (۳) نظریهٔ دموکریتوس
- (۴) نظریهٔ شانس بودن موفقیت

۴۵۳- کدام مورد دربارهٔ نظریهٔ برخی زیست‌شناسان درست است؟

- (۱) هیچ‌گونه تکاملی در تحولات انواع جانداران از ابتدای پیدایش موجود زنده بر زمین، رخ نداده است، زیرا تحولات انواع جانداران تصادفی بوده است.
- (۲) تحولات تدریجی انواع جانداران بی‌شمار، همواره رو به سوی کمال بوده است و منظور از کمال سازگاری بیشتر با محیط و امکان رشد و تکثیر است.
- (۳) اکثر دگرگونی‌های جانداران اتفاقی بوده است، از این‌رو موجودات بسیاری از بین رفته‌اند و فقط گونه‌هایی که تغییرات هدفمند داشته‌اند باقی مانده‌اند.
- (۴) بدن همهٔ جانداران تصادفی تغییر کرده و هر کدام که خوش‌شانس بوده و تحولاتش در راستای سازگاری با محیط بوده، باقی مانده و بقیه از بین رفته‌اند.

۴۵۴- طبق نظریهٔ یکی از فیلسوفان یونان باستان

- (۱) اتم‌ها مخلوق نیستند و از ازل دارای حرکتی سرگردان در فضای نامتناهی بوده‌اند.
- (۲) مادهٔ اولیه چیزی به نام اتم بوده که نوع واحدی داشته و عناصر فعلی طبیعت را تشکیل داده است.
- (۳) عناصر و اشیای جهان وقتی ساخته می‌شوند که اتم‌هایی خاص تصمیم بگیرند به هم متصل شوند و عناصر را تشکیل دهند.
- (۴) حرکت مواد اولیه تصادفی و بدون هدف است، ولی چون در فضایی محدود حرکت می‌کنند، نهایتاً به یکدیگر برخورد کرده و عناصر را تشکیل می‌دهند.

۴۵۵- مشکل نظریهٔ مه‌بانگ چیست؟

- (۱) جهان شامل میلیاردها کهکشان است و چنین مجموعهٔ بزرگی نمی‌تواند از انفجار پدید آمده باشد.
- (۲) پیدایش جهان را از هیچ می‌داند، در حالی که محال است که از هیچ، چیزی پدید آید.
- (۳) از بیان آن، برخی تصور کرده‌اند که جهان اتفاقی و بی‌علت ایجاد شده است.
- (۴) یک بحث فلسفی است ولی فیزیکدان‌ها در موردش نظر داده‌اند.

۴۵۶- کدام عبارت درست است؟

- (۱) ابن سینا در مهم‌ترین کتاب فلسفی خود به برخی مفاهیم عامیانه نیز پرداخته است، ولی هدفش فقط نقد و تصحیح بوده است.
- (۲) موضوع کتاب الهیات شفا، «اتفاق» و مفاهیم دیگری از قبیل «شانس» است که به بحث علیت فلسفی کاملاً مربوط می‌شوند.
- (۳) مفهوم اتفاق نزد عامهٔ مردم همهٔ اقوام، همواره طرفدار داشته است، ولی دانشمندان حوادث را براساس اتفاق تحلیل نمی‌کنند.
- (۴) به عنوان یک فیلسوف نباید نسبت به مفاهیم عامیانه بی‌تفاوت باشیم، بلکه لازم است به بحث از جنبهٔ فلسفی آن‌ها بپردازیم.

۴۵۷- در کدام مورد معنای اتفاق مورد نظر به درستی مشخص شده است؟

- (۱) از ابر آفتابه باران (معنای اول).
- (۲) اتومبیل بدون بنزین حرکت کند (معنای دوم).
- (۳) انفجاری دیگر کل جهان هستی را نابود کند (معنای سوم).
- (۴) شخصی برای خرید به فروشگاه برود و پول کالاها را نپردازد (معنای چهارم).

بررسی معنای اول و دوم اتفاق

۴۵۸- هرگاه معلول ناشی از مجموعهٔ چند عامل است، همهٔ عوامل را و یکی از آن‌ها را و همهٔ آن‌ها به غیر از یکی را می‌گویند.

- (۱) علت ناقصه - علت تامه - علت ناقصه
- (۲) علت تامه - علت ناقصه - علت ناقصه
- (۳) علت تامه - علت ناقصه - علت تامه
- (۴) علت ناقصه - علت تامه - علت ناقصه

۴۵۹- وجود علت ناقصه

- (۱) مبتنی بر وجوب علی، وجود معلول را در پی دارد.
- (۲) به تنهایی تفاوتی برای به وجود آمدن معلول ایجاد نمی‌کند.
- (۳) در برخی شرایط همچون وجود علت تامه عمل می‌کند.
- (۴) به تنهایی می‌تواند ممکن‌الوجودی را واجب‌الوجود بالغیر کند.

۴۶۰- اگر علت را به معنای وجوددهنده در نظر بگیریم،

- (۱) دو نوع علت وجود دارد: ۱- علت تامه ۲- علت ناقصه.
- (۲) علت ناقصه در واقع علت نیست و با مسامحه آن را علت می‌دانیم.
- (۳) دیگر ضرورت‌بخشی علت به معلول معنایی ندارد.
- (۴) مجموعه‌ای از علت‌های ناقصه هیچ‌گاه نمی‌تواند علت تامه‌ای را تشکیل دهند.

۴۶۱- به ترتیب کدام توضیح در مورد رابطهٔ علت تامه با وجود معلول و علت ناقصه با آن، درست است؟

- (۱) شرط کافی - شرط لازم و کافی
- (۲) شرط لازم و نه کافی - نه شرط لازم و نه کافی
- (۳) شرط لازم و کافی - شرط لازم
- (۴) شرط لازم و کافی - نه شرط لازم و نه کافی

۴۶۲- اگر از نبود یک عامل مؤثر، بفهمیم قطعاً معلول ایجاد نشده است، آن عامل چیست؟

- (۱) علت‌العلل
- (۲) علت تامه
- (۳) علت ناقصه
- (۴) علت تامه یا ناقصه

۴۶۳- کدام گزینه دربارهٔ رابطهٔ وجوبی میان علت و معلول نادرست است؟

- (۱) مفهوم واجب‌الوجود بالغیر و لزوم واجب‌شدن وجود برای موجود ممکن را می‌توان مبتنی بر این رابطه مطرح کرد.
- (۲) این رابطه می‌گوید که بدون علت، معلول حتماً معدوم است و با وجود علت، معلول قطعاً موجود خواهد بود.
- (۳) کسی که این رابطه را پذیرفته باشد، وجود اتفاق به معنای اولش را ضرورتاً انکار می‌کند.
- (۴) مبتنی بر این رابطه، اگر علت ناقصه یا تأمه موجود باشد، معلول نیز قطعاً خواهد بود.

۴۶۴- به کار بردن «اتفاق» به معنایی که در مقابل وجوب علی و معلولی است، از چه موضوعی ناشی می‌شود؟

- (۱) اختلاف نظری که میان فلاسفه دربارهٔ ضرورت علی وجود دارد
- (۲) عدم تمایز صحیح میان علت تأمه و ناقصه
- (۳) عدم توجه به نظم موجود در عالم
- (۴) تفاوت بنیادین قراردادن میان علت تأمه و ناقصه

۴۶۵- وقوع «اتفاق» به معنای اول آن، نتیجهٔ نقض کدام اصل یا اصول است؟

- (۱) فقط اصل علیت
- (۲) اصل علیت یا اصل ضرورت علی
- (۳) فقط اصل ضرورت علی
- (۴) اصل سنخیت یا ضرورت علی

۴۶۶- اگر کسی معنای دوم اتفاق را پذیرفته باشد، کدام نتیجه را لازم نیست بپذیرد؟

- (۱) نمی‌تواند برای رفع عطش آب بپاشد.
- (۲) نمی‌تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند.
- (۳) نمی‌تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده‌ها دعوت کند.
- (۴) نمی‌تواند ارتباطی میان وقایع عالم برقرار کند.

۴۶۷- کدام گزینه از نتایج پذیرش اصل علیت و اصل سنخیت بین علت و معلول نیست؟

- (۱) قبول واقعیت‌داشتن رخدادها
- (۲) تنظیم امور زندگی
- (۳) شاخه‌بندی علوم
- (۴) محال‌دانستن اتفاق و تصادف

۴۶۸- زمانی که از بودن عاملی به بودن معلول پی ببریم، قطعاً آن عامل نمی‌تواند باشد، زیرا

- (۱) علت ناقصه - وجوددهی ویژگی علت تأمه است و به عامل ایجاد، علت ناقصه نمی‌گویند.
- (۲) مجموعهٔ همهٔ علل ناقصه با وجود مانع - برای وجود شیء همکاری علت تأمه با علت ناقصه نیز لازم است.
- (۳) علت وجوددهنده - عامل وجوددهنده تنها یک شرط لازم برای تحقق معلول است.
- (۴) مجموعهٔ علل ناقصه سازندهٔ علت تأمه - علت ناقصه شرط لازم و علت تأمه شرط کافی وجود معلول است.

۴۶۹- فرض کنید هر چه تلاش می‌کنیم، نمی‌توانیم در خودروی خود را باز کنیم. در این باره نمی‌توان گفت:

- (۱) حتماً علت برای باز شدن در خودرو تأمه نشده است.
- (۲) وجود مانع نیز می‌تواند عامل باز نشدن در باشد.
- (۳) میان تلاش ما و باز شدن در خودرو تناسبی وجود ندارد.
- (۴) باز نشدن در، عاملی دارد که الان متذکر به آن نیستیم.

۴۷۰- کدام گزینه دربارهٔ علت تأمه و ناقصه درست نیست؟

- (۱) علت تأمه همیشه از چند علت ناقصه تشکیل شده است.
- (۲) علت تأمه و ناقصه از لحاظ وجوب بخشی با یکدیگر متفاوت‌اند.
- (۳) در صورت نبودن یکی از علل ناقصه با اطمینان می‌گوییم علت، تأمه نشده است.
- (۴) تا وقتی علت، تأمه نشود وجوبی برای معلول نیست حتی اگر علل ناقصه متعدد موجود باشند.

۴۷۱- کدام تعبیر فلسفی برای ضرب‌المثل «آب که سر بالا بره، قورباغه ابوعطا می‌خونه» مناسب است؟

- (۱) اگر اصل علیت انکار شود، دیگر سخنی نمی‌توان گفت.
- (۲) با فرض انکار اصل وجوب علی، هر چیزی را می‌توان انتظار داشت.
- (۳) اگر سنخیت برقرار نباشد، هیچ نظمی را نیز نمی‌توان انتظار داشت.
- (۴) اگر سنخیت در کار نباشد، هیچ گونه ارتباطی میان اجزای جهان برقرار نیست.

۴۷۲- رابطهٔ «علت تأمهٔ یک معلول خاص» با «علت ناقصهٔ آن» کدام است؟

- (۱) عموم و خصوص مطلق
- (۲) عموم و خصوص من وجه
- (۳) تساوی
- (۴) تباین

۴۷۳- کدام فرد به معنای اول اتفاق به دلیل نقض اصلی متفاوت باور پیدا کرده است؟

- (۱) کسی که آب می‌نوشد ولی نگران رفع‌نشدن عطش خود است.
- (۲) کسی که باد کولر را حس می‌کند ولی شک دارد که کولر روشن است یا نه.
- (۳) راننده‌ای که رهگذر را جلوی خود می‌بیند ولی چون مطمئن نیست که فایده‌ای داشته باشد، ترمز نمی‌گیرد.
- (۴) آشپزی که در زمان همیشگی غذا را روی اجاق گذاشته است ولی تضمین نمی‌دهد که غذا در زمان همیشگی آماده شود.

۴۷۴- در چه صورت دست به انجام هیچ کاری نخواهیم زد؟

- (۱) معنای دوم اتفاق در مورد کار ما رخ دهد.
- (۲) نظم جهان برایمان تبیین عقلی نشده باشد.
- (۳) به تناسب بین علت و معلول باور نداشته باشیم.
- (۴) اصل سنخیت را با استناد به روش تجربی پذیرفته باشیم.

بررسی معنای سوم و چهارم اتفاق

۴۷۵- بررسی کدام معنای «اتفاق» نیاز به دقت و تأمل بیشتری دارد و کدام معنا با اصول عقلی سازگار است؟

- (۱) معنای اول - معنای سوم
- (۲) معنای دوم - معنای چهارم
- (۳) معنای سوم - معنای چهارم
- (۴) معنای چهارم - معنای سوم

۴۷۶- انکار وجود خدا و پذیرش حرکت جهان به سمت یک غایت برتر،

- (۱) طرفداری ندارد، زیرا این دو باور با یکدیگر ناسازگار هستند.
- (۲) در پی آن است که معنای سوم اتفاق را انکار کند، اما از عهدهٔ آن بر نمی‌آید.
- (۳) هرچند مورد قبول هیچ فیلسوفی نیست، اما پذیرش آن آسیبی به درک اصل علیت نمی‌زند.
- (۴) بیانی است که اگرچه نادرست است ولی توسط برخی فیلسوفان برای تأیید معنای سوم اتفاق ذکر شده است.

۴۷۷- نقد دیدگاه فیلسوفانی که می‌خواهند در عین انکار خدا برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند، به چه موضوعی مربوط می‌گردد؟

- (۱) تجربه‌گرایی و عدم استفاده از عقل
- (۲) عدم درک صحیح از لوازم غایت‌مندی اشیا
- (۳) باور به خدا بدون پذیرش اوصاف و ویژگی‌هایش
- (۴) عدم امکان ذکر دلیل برای انکار خداوند

۴۷۸- غایت‌مندی اشیا

- (۱) ممکن است قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد.
- (۲) نمی‌تواند قبل از به وجود آمدن اشیا معین گردد.
- (۳) ممکن است پس از پدیدآمدن اشیا معین گردد.
- (۴) حتماً قبل از ایجاد اشیا مشخص گردیده است.

۴۷۹- در میان دیدگاه‌های متفاوتی که فیلسوفان دربارهٔ اتفاق به معنای سوم مطرح کرده‌اند، در کدام مورد بخشی از نظریه با بخش دیگر نظریه ناهمخوان است؟

- (۱) پذیرش وجود خداوند در عین باور به معنای سوم اتفاق
- (۲) پذیرش وجود علت نخستین در عین انکار معنای سوم اتفاق
- (۳) عدم پذیرش علت نخستین در عین انکار معنای سوم اتفاق
- (۴) انکار خداوند در عین پذیرش معنای سوم اتفاق

۴۸۰- کدام دیدگاه در بین فیلسوفان طرفداری ندارد؟

- (۱) خداباوری به همراه اعتقاد به معنای سوم اتفاق
- (۲) خداباوری به همراه اعتقاد به غایت‌مندی جهان
- (۳) نفی خداوند به همراه اعتقاد به معنای سوم اتفاق
- (۴) نفی خداوند به همراه اعتقاد به غایت‌مندی جهان

۴۸۱- کدام مطلب از نظر عقلی و منطقی درست است؟

- (۱) کسی که خدا را انکار می‌کند، باید اتفاق به معنای سوم را بپذیرد و نه برعکس.
- (۲) کسی که هدف‌مندی جهان را نفی کند، باید علت نخستین را نیز نفی کند و برعکس.
- (۳) کسی که خالق جهان را قبول کند، باید هدف‌مندی جهان را نیز قبول کند و نه برعکس.
- (۴) کسی که سوبهٔ حرکت‌های جهان را تصادفی نداند، باید علت بالذات را منکر شود و برعکس.

۴۸۲- کدام استنتاج نه براساس دلایل عقلی بلکه براساس مشاهدهٔ تاریخی از دیدگاه‌های مردم و فیلسوفان درست است؟

- (۱) اگر کسی به علت نخستینی برای جهان باور داشته باشد، اتفاق به معنای سوم را انکار خواهد کرد.
- (۲) اگر فیلسوفی هدف‌مندی جهان را بپذیرد، به وجود آفریدگاری حکیم برای جهان معتقد خواهد بود.
- (۳) اگر کسی اتفاق به معنای بی‌غایت‌بودن جهان را پذیرفته باشد، به خالق غیرمخلوق کافر خواهد شد.
- (۴) اگر فیلسوفی مبدأ هستی را یک علت بالذات بداند، تحولات جهان را رو به سوی کمال خواهد دانست.

۴۸۳- دیدگاه فیلسوفان دربارهٔ رابطهٔ اعتقاد به اتفاق به معنای سوم با اعتقاد به وجود خدا چگونه است؟

- (۱) براساس پذیرش رابطهٔ منطقی بین این دو اعتقاد است.
- (۲) مخالف با لوازم عقلی و منطقی پذیرش هر یک از این دو باور است.
- (۳) تابع خداباوری است؛ یعنی کسی که خداباور است، اتفاق را رد می‌کند و خدا ناباور اتفاق را می‌پذیرد.
- (۴) متفاوت است و گاهی با التزام به روابط عقلی این دو اعتقاد با یکدیگر است و گاهی برخلاف این روابط عقلی است.

۴۸۴- کدام مقایسه بین معنای سوم و چهارم اتفاق درست است؟

- (۱) معنای سوم مربوط به غایت‌مندی حوادث و معنای چهارم مربوط به از پیش معین‌بودن آن‌هاست.
- (۲) به ترتیب، یعنی معین‌نبودن غایت حرکات کل جهان و معین‌نبودن غایت امور جزئی جهان.
- (۳) اولی از پیش معین‌بودن حوادث را رد می‌کند و دومی از پیش معلوم‌بودن آن‌ها را.
- (۴) اولی مربوط به جهل آفریدگار جهان است و دومی مربوط به جهل انسان.

۴۸۵- فیلسوفانی که غایت‌مندی حرکات جهان را قبول ندارند، دربارهٔ وجود فرایندهای تکاملی در جهان چه نظری دارند؟

- (۱) منکر وجود چنین فرایندهایی هستند.
- (۲) این فرایندها را می‌پذیرند ولی اتفاقی می‌دانند.
- (۳) اختلاف نظر دارند و برخی وجود این فرایندها را می‌پذیرند و برخی دیگر انکار می‌کنند.
- (۴) با وجود و هدف‌مندی این فرایندها موافق‌اند ولی آن‌ها را مربوط به کل حرکات جهان نمی‌دانند.

۴۸۶- نفی معنای سوم اتفاق به معنای آن است که

- (۱) جهان به سوی کمال خود حرکت می‌کند و مرحله به مرحله کامل‌تر می‌شود.
- (۲) جهان دارای خالق و آفریدگاری حکیم است که برای آن هدف‌گذاری کرده است.
- (۳) جهان دارای هدف از پیش معین است، خواه به سوی کمال باشد و خواه به سوی نقص.
- (۴) جهان تصادفی و بی‌علت به این نقطه نرسیده است، بلکه عاملی آن را به وجود آورده است.

۴۸۷- ترتیب درست مقدمات استدلال برای لزوم خداباوری در صورت پذیرش غایت‌مندی حرکات جهان کدام است؟

- (۱) وجود غایت برای جهان و رد شدن اتفاق به معنای سوم ➡ نیازمندی جهان به خالق که برایش هدف و غایتی بیافریند. ➡ لزوم تناسب داشتن خالق جهان با هدفش ➡ لزوم پذیرفتن خداوندی که متناسب با غایت متعالی حرکات جهان است.
- (۲) پذیرش قابل پیش‌بینی‌بودن هدف تحولات جهان ➡ اعتقاد به لزوم وجود یک هدف‌گذار برای حرکات جهان ➡ قبول تناسب داشتن خداوند با هدف‌گذاری برای جهان ➡ پذیرش خداوند به عنوان تعیین‌کنندهٔ هدف و غایت برای تحولات جهان
- (۳) وجود غایت برای جهان و امکان حرکت به سوی آن ➡ لزوم متناسب‌بودن وضعیت جهان در زمان پیدایش با رسیدن به غایت ➡ لزوم مشخص‌بودن غایت جهان قبل از پیدایشش ➡ لزوم قبول خدا به عنوان مشخص‌کنندهٔ غایت جهان قبل از پدیدآمدنش
- (۴) قبول هدف برای جهان و امکان سیر به سوی آن ➡ پذیرش مشخص‌بودن هدف جهان قبل از پدیدآمدنش ➡ قبول متناسب‌بودن وضعیت ابتدایی جهان با رسیدن به هدف ➡ پذیرش خداوند به عنوان خالق جهان به نحوی که با هدفش تناسب داشته باشد.

۴۸۸- معنای چهارم اتفاق ریشه در چه امری دارد؟

- (۱) نامعین بودن هدف و غایت حوادث
- (۲) چهل انسان نسبت به علیت و فروع آن
- (۳) پیش‌بینی نشدن برخی رخدادها
- (۴) بی‌اطلاعی انسان از علل و عوامل

۴۸۹- برای چه کسی هرگز معنای چهارم اتفاق رخ نخواهد داد و چرا؟

- (۱) کودکان - زیرا توان درک آن را ندارند.
- (۲) فیلسوفان - زیرا به علیت توجه دارند.
- (۳) دانشمندان - زیرا در پی کشف عوامل رخدادها هستند.
- (۴) خداوند - زیرا دانای مطلق است.

۴۹۰- چرا مصادیق معنای صحیح و ممکن تصادف، نسبت به اشخاص مختلف متفاوت است؟

- (۱) زیرا معلومات افراد با یکدیگر متفاوت است.
- (۲) چون باور افراد به اصول مربوط به علیت یکسان نیست.
- (۳) از آن‌جا که قابل پیش‌بینی بودن یک حادثه بستگی به نگاه شناسنده آن دارد.
- (۴) به این دلیل که امور تصادفی نسبت به کسی تصادفی‌اند که تسلط و اختیاری بر آن‌ها ندارد.

تسلط و تثبیت

۴۹۱- یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان

- (۱) بررسی موشکافانه مفاهیمی است که در گفت‌وگوهای روزمره به کار می‌رود.
 - (۲) نشان دادن نادرستی کاربرد مفاهیمی است که قبل از تعریف دقیق، به کار می‌روند.
 - (۳) پیدا کردن معانی متعدد برای مفاهیم عامیانه و نشان دادن معانی درست و نادرست است.
 - (۴) پذیرش معنای متداول مفاهیم و عمق‌بخشیدن به آن است تا بنیادهای فلسفی آن آشکار شود.
- ۴۹۲- کدام گزینه درباره معنای چهارگانه «اتفاق» درست است؟
- (۱) همگی مردودند.
 - (۲) همگی مقبول‌اند.
 - (۳) فقط یکی مردود است.
 - (۴) فقط یکی مقبول است.

۴۹۳- در کدام گزینه توضیحات درستی درباره هر یک از عبارات زیر، به ترتیب ذکر شده است؟

- (الف) معلول بر اثر وجود علت ناقصه به وجود آمده است.
- (ب) علت تامه موجود است، اما معلول پدید نیامده است.
- (پ) با این‌که علت ناقصه موجود شده است، اما معلول پدید نیامده است.

- (۱) به معنای دوم اتفاق اشاره دارد. - قاعده ضرورت علی زیر سؤال رفته است. - قائل به این سخن، معنای اول اتفاق را پذیرفته است.
- (۲) گوینده این عبارت هم می‌تواند معنای اول اتفاق را بپذیرد و هم نپذیرد. - اصل علیت مورد قبول نیست. - اصل علیت و فروع آن را انکار نمی‌کند.
- (۳) رابطه ضروری میان علت و معلول را از بین می‌برد. - یکی از معانی اتفاق مورد قبول قرار گرفته است. - معنای اول اتفاق مورد پذیرش قرار گرفته است.
- (۴) معنای اول اتفاق پذیرفته شده است. - یکی از لوازم اصل علیت مورد انکار قرار گرفته است. - هیچ‌یک از معانی اتفاق را تأیید نمی‌کند.

۴۹۴- عدم پذیرش کدام معنای «اتفاق»، مورد اتفاق نظر تمام فلاسفه است؟

- (۱) معنایی که در مقابل سنخیت مطرح می‌شود
- (۲) معنای چهارم اتفاق
- (۳) معنایی که در مقابل ضرورت علی و معلولی مطرح می‌شود
- (۴) معنایی که به انکار علت‌العلل می‌پردازد

۴۹۵- کدام عبارت درباره «انکار خداوند با وجود باور به هدفمندی و غایت‌مندی جهان» درست است؟

- (۱) دیدگاهی غیر قابل قبول است، زیرا غایت و هدف جهان همان خداست و نبود خدا به معنای بی‌هدفی است.
- (۲) دیدگاهی است که توسط برخی فلاسفه مطرح شده، اما نمی‌توان آن را درست یا نادرست دانست.
- (۳) دیدگاهی است در تأیید معنای سوم اتفاق که توسط گروهی از فلاسفه طرح شده است.
- (۴) دیدگاهی است در رد معنای سوم اتفاق، اما این معنا را به درستی رد نمی‌کند.

۴۹۶- به طور معمول پس از برخورد فردی با شیشه و شکسته شدن شیشه، می‌گوییم: «این حادثه اتفاقی بوده است». منظور ما از اتفاق چیست؟

- (۱) اتفاق به معنایی که از نظر بسیاری از فلاسفه امکان‌پذیر نیست
- (۲) اتفاق به معنایی که برخی زیست‌شناسان به آن معتقد بودند
- (۳) اتفاق به معنایی که حتمیت را از بین می‌برد
- (۴) اتفاق به معنای چهارم

۴۹۷- معنایی از «اتفاق» که بیشترین اختلاف را بین فلاسفه برانگیخته، کدام است و علت این اختلاف چیست؟

- (۱) معنای اول، زیرا ضرورت علت و معلول به جبر می‌انجامد.
- (۲) معنای دوم، زیرا سنخیت یک امر پذیرفته شده میان همه نیست.
- (۳) معنای سوم، زیرا برخی به علت‌العلل قائل هستند و برخی نه.
- (۴) معنای چهارم، زیرا ارتباطی با علیت ندارد.

۴۹۸- شعر زیر انکار یا تأیید کدام معنای اتفاق است؟

- از جمادی مُردم و نامی شدم
مُردم از حیوانی و آدم شدم
حمله دیگر بمیرم از بشر
(۱) تأیید معنایی که مورد انکار قائلین بیگ‌بنگ است.
- وز نما مُردم به حیوان بر زدم
پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم
تا برآرم از ملائک پر و سر
(۲) انکار معنایی که به طور معمول با قبول علت‌العلل جمع نمی‌شود.
- (۳) تأیید معنایی که با ضرورت علی در تعارض است.
- (۴) انکار معنایی که مورد قبول هیچ‌یک از فلاسفه نیست.



۴۹۹- اگر تمام شرایط موجود برای سرودن یک شعر فراهم باشد، اما ذوق و قریحه‌ای برای این کار در فرد وجود نداشته باشد، کدام عبارت درباره‌ی این شعر درست خواهد بود؟

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

(۱) علت ناقصه داریم، پس شعر سروده شده وجود دارد، اما وجوب ندارد.

(۲) علت ناقصه ذوق و قریحه سرودن شعر، شرط لازم و کافی برای وجود معلول خواهد بود.

(۳) یکی از علل ناقصه نیست، پس علت تامه‌ای هم وجود ندارد و شعری هم سروده نمی‌شود.

(۴) امکان دارد شعری سروده شود، اما قطعاً شعر خوبی نیست.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۵۰۰- معنای سوم اتفاق بر چه چیزی تأکید دارد و پذیرفتن آن چه نتیجه‌ای را به دنبال می‌آورد؟

(۱) تأکید بر این است که اتفاق یعنی سنخیتی میان اشیا و آثار آن نیست. - نفی علت نخستین جهان

(۲) تأکید بر نبودن غایت و هدف خاصی در حرکات و نظم جهان - نفی و انکار اصل سنخیت

(۳) تأکید بر این است که اتفاق یعنی سنخیتی میان اشیا و آثار آن نیست. - نفی و انکار اصل سنخیت

(۴) تأکید بر نبودن غایت و هدف خاصی در حرکات و نظم جهان - نفی علت نخستین جهان

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۵۰۱- در رابطه با بحث «علت تامه» و «علت ناقصه»، کدام گزینه حتماً درست است؟

(۱) حداقل باید دو علت ناقصه در کنار هم قرار بگیرد تا یک علت تامه داشته باشیم.

(۲) علت ناقصه، وجودبخش می‌باشد و شرط لازم برای ایجاد معلول است.

(۳) اگر علت ناقصه نداشته باشیم، حتماً معلول هم وجود نخواهد داشت.

(۴) آن چه به معلول وجوب می‌بخشد، می‌تواند علت ناقصه یا علت تامه باشد.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۵۰۲- پس از پذیرش کدام معنای اتفاق، همه علوم نزد انسان بی‌اعتبار می‌شود؟

(۱) میان پدیده‌ها و علل آن‌ها رابطه ضروری وجود ندارد.

(۲) چه‌بسا از یک پدیده اثری ظاهر شود که هیچ ربطی به آن ندارد.

(۳) تمام حرکات و نظام‌های جهانی به سمت غایت و هدف معینی به پیش نمی‌روند.

(۴) امکان وقوع حوادث پیش‌بینی نشده وجود دارد.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۵۰۳- بیت زیر، ممکن است کدام یک از معانی اتفاق را تداعی کند؟

«از قضا سرکنگبین صفرا فزود روغن بادام خشکی می‌نمود»

(۱) معنای اول (۲) معنای دوم (۳) معنای سوم (۴) معنای چهارم

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۵۰۴- کدام گزینه نشان‌دهنده کسی است که معنای دوم اتفاق را قبول ندارد؟

(۱) کسی که با نوک چاقو یک پیچ را باز می‌کند.

(۲) کسی که معتقد است نظم خاصی در جهان وجود ندارد.

(۳) کسی که در زندگی هیچ کاری انجام نمی‌دهد.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۵۰۵- کدام گزینه لزوم اعتقاد به علت نخستین، برای رد معنای سوم اتفاق را بهتر تبیین می‌کند؟

(۱) بدون اعتقاد به علت‌العلل، پیوستگی حوادث جهان تبیین درستی نخواهد یافت. (۲) بدون یک طراحی حکیمانه، جهان متناسب رسیدن به غایت معینی نخواهد بود.

(۳) هدف جهان باید پیش از پیدایش آن، مشخص شده باشد. (۴) هدف موجودات باید در ذات آن‌ها قرار داده شده باشد.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۵۰۶- مصراع اول و دوم بیت زیر، به ترتیب کدام معنای اتفاق را به نحو صریح‌تری انکار می‌کند؟

«خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم دیبا نتوان بافت از این پشم که رشتیم»

(۱) اول - اول (۲) دوم - دوم (۳) اول - دوم (۴) دوم - اول

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۵۰۷- کدام گزینه نشان‌دهنده جملاتی است که به ترتیب بیانگر معانی اول تا چهارم اتفاق می‌باشند؟

(الف) این معنای اتفاق حتماً با وجود علت نخستین در تناقض است. (ب) این معنای اتفاق علیت و فروع آن را نفی نمی‌کند.

(پ) مبنای تمام تحقیقات علمی دانشمندان را زیر سؤال می‌برد. (ت) نفی مفهوم موجود در مصرع «که با گردنده گرداننده‌ای هست»

(۱) پ - الف - ب - ت (۲) ت - پ - الف - ب (۳) الف - پ - ت - ب (۴) ت - ب - پ - الف

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۵۰۸- «واقعاً نمی‌دونم چرا ماشین حرکت نکرد. هر چیزی که لازم بود انجام دادم. اول استارت زدم، بعد کلاچ گرفتم، گذاشتم روی دنده یک و گاز دادم، همه‌جا پر از دود شد آن قدر گاز دادم ولی ماشین از جاش تکون نخورد. انگار بعضی وقت‌ها بی‌دلیل این‌طور می‌شه. باید ماشینو عوض کنم.» کدام مورد درباره فردی که این مطالب را بیان می‌کند، می‌تواند صادق باشد؟

(۱) یک فیلسوف است که به انکار علیت و ضرورت علی روی آورده است.

(۲) فیلسوفی است که به شانس و اتفاقات پیش‌بینی نشده فارغ از علیت معتقد است.

(۳) جزء مردم عادی است که علت ناقصه را به جای علت تامه در نظر گرفته است.

(۴) به روند تکاملی جهان معتقد نیست و رشدهای پیش‌آمده در عالم را امری اتفاقی می‌داند.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۵۰۹- کسی که می‌تواند واقعاً ادعا کند که اتفاق به معنای دوم را قبول دارد.

(۱) برای رفع تشنگی غذا می‌خورد و برای رفع گرسنگی آب می‌نوشد (۲) هیچ تلاشی برای رفع نیازهایش انجام نمی‌دهد

(۳) در روز آفتابی، منتظر است که باران ببارد (۴) علت نخستین را نپذیرفته است

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۵۱۰- این که با بودن علت تامه، صدور هر معلولی را ممکن بدانیم،

(۱) تأییدی بر اصل ضرورت علت و معلول است.

(۲) تأیید معنای دوم اتفاق است که سبب عدم انجام هر کاری است.

(۳) انکار علت نخستین است که به معنای تأیید معنای سوم اتفاق است. (۴) تأیید هیچ یک از معانی اتفاقی نیست، اما انکار اصل سنخیت میان علت و معلول است.

۵۱۱- کسی به امید این که شاید این بار آتش نسوزاند تکه‌ای آتش را در دست می‌گیرد. درباره رفتار او نمی‌توان گفت:

- (۱) به صورت جدی به معنای اول اتفاق پایبند است.
(۲) همه فلسفه چنین رفتاری را بی‌پایه می‌دانند.
(۳) او قطعاً به علل‌العلل قائل نیست.
(۴) یکی از لوازم علیت را در عمل انکار می‌کند.

۵۱۲- درون کدام عبارت‌ها تعارض بین دو مطلب دیده می‌شود؟

- (الف) باور به علیت و اعتقاد به معنای چهارم اتفاق
(ب) پدید آمدن هر چیز از هر چیزی و تأیید سنخیت علت و معلول
(ث) موافقت با اصل علیت و لوازمش و پذیرش معنای اول و دوم اتفاق

- (۱) ب - پ - ت (۲) الف - ب - ت (۳) الف - پ - ت (۴) پ - ت - ث

۵۱۳- فرض کنید با چرخاندن سوئیچ ماشین، ماشین روشن نمی‌شود. پس از بررسی کامل موتور ماشین و اطمینان از صحت آن، مجدد سوئیچ را می‌چرخانیم، اما ماشین باز هم روشن نمی‌شود. در تحلیل این اتفاق می‌توان گفت:

- (۱) این اتفاق ردی است بر قاعده وجود علی و معلولی.
(۲) قطعاً برای روشن شدن ماشین، علت، تأمه نشده است.
(۳) با این که مجموعه علل ناقصه، علت تأمه شده‌اند، ماشین روشن نشده است.
(۴) قطعاً بررسی موتور، کامل و دقیق نبوده است و موتور هم چنان خراب است.

۵۱۴- کدام عبارت نادرست است؟

- (۱) وقتی مردم اتفاق به معنای مقابل اصل علیت و وجود علی را به کار می‌برند در واقع نسبت به برخی از عوامل ناآگاه هستند.
(۲) کسی که اتفاق به معنای مقابل اصل سنخیت را پذیرفته است، به هیچ کاری اقدام نخواهد کرد.
(۳) کسی که اتفاق به معنای مقابل غایتمندی حوادث را پذیرفته، باید وجود علل‌العلل را انکار کند.
(۴) کسی که اتفاق به معنایی که بیشتر مورد اختلاف است را می‌پذیرد، نمی‌تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده‌ها دعوت کند.

۵۱۵- فیلسوف در مواجهه با مفاهیم عامیانه چه اقدامی می‌کند و نتیجه این اقدام چیست؟

- (۱) آن‌ها را از اصطلاحات تخصصی جدا می‌کند تا بی‌دقتی‌ها و نگرش سطحی گفت‌وگوهای عامیانه به تحقیقات دقیق فلسفی سرایت پیدا نکنند.
(۲) آن‌ها را مورد ریزبینی‌های عقلی قرار می‌دهد تا در صورت نادرست بودن، آن‌ها را اصلاح کند و در صورت درست بودن، ژرفای بیشتری به آن‌ها ببخشد.
(۳) در مبانی بنیادی آن‌ها دقت می‌کند تا به مردم نشان دهد بسیاری از مبانی گفته‌هایشان نیاز به بازبینی، نقد و تصحیح یا تعمیق و توضیح فلسفی دارند.
(۴) در آن‌ها دقت و تأمل می‌کند تا با تعریف دقیق آن‌ها مصادیقشان را به صورت جامع و مانع پیدا کند و از اشتباهات حیطة لفظ و معنا در امان بماند.

۵۱۶- نظریه دموکریتوس قطعاً مستلزم پذیرفتن کدام معنای اتفاق است؟

- (۱) معنایی که بی‌اعتباری علوم و پذیرش هرج‌ومرج در جهان را در پی دارد.
(۲) معنایی که برخی فیلسوفان اروپایی آن را انکار می‌کنند.
(۳) معنایی که با لوازم علیت در تعارض است.
(۴) معنایی که اثبات یا نفی آن نیازمند دقت و تأمل بیشتر است.

۵۱۷- کدام معنای اتفاق یک امر نسبی است؟ معنایی که

- (۱) تناقضی با اصل علیت یا فروع آن ندارد.
(۲) مورد قبول هیچ فیلسوفی نیست.
(۳) بیش از همه تأمل‌برانگیز است.
(۴) نافی نظم و قانونمندی است.

۵۱۸- کسی که دانشمندان را به تحقیق و پژوهش تشویق می‌کند، باید موافق کدام مورد باشد؟

- (۱) هدفمندی تحولات کلی نظام جهان (۲) انکار معنای دوم اتفاق
(۳) نفی رابطه ضروری بین علت و معلول (۴) تأیید معنای چهارم اتفاق

۵۱۹- کدام نظریه امکان رخ دادن هر چهار معنای اتفاق را به ذهن می‌آورد؟

- (۱) نظریه دموکریتوس
(۲) نظریه مه‌بانگ

(۳) نظریه زیست‌شناسان برای تحول انواع

(۴) نظریه تکاملی بودن جهان بدون وجود خدا

۵۲۰- به ترتیب، کدام معنای اتفاق است که در صورت پذیرش آن، تمام دیگر معانی اتفاق هم باید پذیرفته شوند و کدام معناست که در صورت پذیرش هر یک از معانی اتفاق، باید پذیرفته شود؟

- (۱) معنای اول - معنای سوم (۲) معنای دوم - معنای سوم
(۳) معنای دوم - معنای چهارم (۴) معنای اول - معنای چهارم

۵۲۱- کدام عبارت درباره علت تامه و علت ناقصه در امور طبیعی قابل قبول است؟

- (۱) علت تامه شرط کافی برای وجود علت ناقصه نیست.
(۲) علت ناقصه شرط لازم برای وجود علت تامه است.
(۳) شرط لازم و کافی برای وجود علت ناقصه، علت تامه است.
(۴) شرط لازم و نیز کافی برای وجود علت تامه، علت ناقصه نیست.

۵۲۲- کدام مورد تحلیل مناسب‌تری از پیدایش جهان از یک انفجار بزرگ است؟

- (۱) از نظر عقلی منعی ندارد و اگر دارای شواهد علمی کافی باشد، پذیرفتنی است ولی نباید مقصودمان از این نظریه، بی‌علت و اتفاقی بودن آن انفجار باشد.
(۲) اگرچه از نظر علم تجربی مؤیداتی برای آن ارائه شده است، ولی چون با پیدایش یک جهان منظم در تضاد است، نمی‌توان چنین نظریه‌ای را قبول کرد.
(۳) خود نظریه به دلایل فلسفی و عقلی نادرست و باطل است، ولی بیان ما از این نظریه می‌تواند به گونه‌ای باشد که مشکلات عقلی آن را برطرف کند.
(۴) اساس این فرضیه بر اتفاقی، تصادفی و بی‌علت بودن شروع جهان است و چنین چیزی معقول نیست، زیرا جهان یک سازمان هدفمند است.

۵۲۳- چرا فیلسوفان درباره رابطه خداواری و اعتقاد به هدفمندی جهان، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند؟

- (۱) زیرا ارتباط منطقی قطعی بین این دو عقیده وجود ندارد و هر کدام از آن دو را می‌توان با دیگری یا بدون آن پذیرفت یا رد کرد.
(۲) چون با وجود برقراری رابطه دوطرفه منطقی بین این دو اعتقاد، این‌طور نیست که هر فیلسوفی این رابطه را کاملاً درک کرده باشد.
(۳) زیرا اگرچه اعتقاد به خداوند، نفی اتفاقی بودن حرکات جهان را در پی دارد، ولی بی‌اعتقادی به خدا لزوماً پذیرش اتفاق را نتیجه نمی‌دهد.
(۴) چون اگرچه منکران خدا نمی‌توانند غایتی برای جهان بی‌پذیرند، ولی یک خداواری هم ممکن است خدا را حکیم نداند و فعلش را عبث تلقی کند.

۵۲۴- نظر فیلسوفان مختلف درباره فرایندهای تکاملی در جهان چیست؟

- (۱) فقط با نفی اتفاق به معنای سوم می‌توان چنین فرایندهایی را پذیرفت. (۲) از نظر همه آنان این فرایندها فقط با پذیرش خداوند قابل قبول هستند.
(۳) هیچ فیلسوفی وجود برخی فرایندهای تکاملی جزئی را انکار نکرده است. (۴) در این که وجود این فرایندها می‌تواند تصادفی نیز باشد، اتفاق نظر هست.

۵۲۵- چرا پذیرش غایت برای جهان مستلزم قبول علت نخستین است؟

- (۱) جهان موجودی مختار نیست که خودش به سوی هدف و غایتش حرکت کند؛ بنابراین نیاز دارد تا یک علت نخستین مختار آن را به سوی غایتش سوق دهد.
- (۲) اگر علت نخستینی وجود نداشته باشد هیچ کس نخواهد توانست حرکات جهان را پیش‌بینی کند؛ بنابراین هدف و غایتی برای این حرکات قابل تشخیص نخواهد بود.
- (۳) شرط لازم برای غایت‌مندی، سنخیت وضعیت اولیه جهان با هدف است که مستلزم از پیش مشخص‌بودن آن هدف است و این مشخص‌بودن نیز مستلزم وجود علت نخستین است.
- (۴) قبول غایت برای اشیا و پدیده‌های جهان وقتی امکان‌پذیر است که آن غایت را یک خدای حکیم تعیین کرده باشد تا اشیا بتوانند به سوی کمال حرکت کنند و خداوند همان علت نخستین است.

۵۲۶- پذیرش «اتفاق» به معنای دوم و سوم به ترتیب چه تأثیری در اندیشه و تفکر و سبک زندگی یک فرد دارند؟

- (۱) قانونمندی زندگی را از بین می‌برد و او را به کارهای بی‌ربط می‌کشاند. - او را از آینده ناامید و نسبت به عاقبت خود بدگمان می‌کند.
- (۲) امکان هرگونه برنامه‌ریزی، پژوهش و پیشگیری را از او سلب می‌کند. - همه کارهای او را بی‌هدف و بدون غایت خردمندانه می‌کند.
- (۳) تلاش‌هایش را بی‌ثمر می‌کند و ارتباط بین آموزش را از بین می‌برد. - او را به بی‌خدایی و زندگی الحادی و کافرشدن سوق می‌دهد.
- (۴) امکان قبول هرگونه نظم را منتفی می‌کند و او را به بی‌عملی می‌کشاند. - او را به پوچی و بحران معنای زندگی مبتلا می‌کند.

۵۲۷- دربارهٔ اتفاق مورد نظر در هر یک از نظریه‌های مطرح‌شده، کدام تحلیل درست است؟

- (۱) در نظریهٔ زیست‌شناسان، معنای اول و دوم می‌توانند مورد نظر باشند. (۲) در نظریهٔ دموکریتوس، معنای سوم و چهارم اتفاق، قطعی هستند.
- (۳) نظریهٔ مهبانگ مستلزم پذیرش بیشترین تعداد از انواع اتفاق است. (۴) معنای اول در هیچ نظریهٔ علمی به ذهن خطور نمی‌کند.



۵۲۸- کدام گزینه از دلایلی که لازم است مفهوم «اتفاق» را بررسی فلسفی کنیم، نیست؟

- (۱) اتفاق مشترک لفظی برای چند مفهوم مختلف است.
- (۲) عموم مردم از آن استفاده می‌کنند.
- (۳) وظیفهٔ فیلسوف دقت در چنین مفاهیمی است.
- (۴) امروزه در علوم هم کاربرد پیدا کرده است.

۵۲۹- اگر سنخیت در عالم طبیعت وجود نداشته باشد،؟

- (۱) با یک نگاه همه‌جا آتش می‌گیرد.
- (۲) ضرورت علی و معلولی نیز معنایی نخواهد داشت.
- (۳) شاید بر اثر یک دست‌زدن بتوانیم تمام فلسفه را یاد بگیریم.
- (۴) تفاوت خاصی در روابط عالم ایجاد نمی‌شود.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۵۳۰- کدام گزینه، بیانگر رفتار کسی است که منکر اصل سنخیت میان علت و معلول می‌باشد؟

- (۱) کسی که می‌خواهد در کنکور موفق شود، اما اقدامی در این زمینه انجام نمی‌دهد.
- (۲) کسی که به منظور آمادگی برای مسابقات کشتی، فقط به مطالعهٔ کتابی دربارهٔ فنون کشتی می‌پردازد.
- (۳) کسی که همهٔ شرایط و عوامل لازم برای روییدن گیاه را فراهم کرده، ولی هنوز مطمئن نیست که گیاه بروید.
- (۴) کسی که معتقد است با این‌که تلاشش را انجام می‌دهد، اما ممکن است در اثر حوادث پیش‌بینی‌نشده، موفق نشود.

۵۳۱- اگر بپذیریم غایت‌مندی اشیا در صورت عدم مشخص‌بودن غایت پیش از پیدایش، ممکن است، آن‌گاه؟

- (۱) دیگر دلیلی برای اثبات خدا وجود نخواهد داشت.
- (۲) نقد بر دیدگاهی که در عین انکار خدا هدفمندی عالم را قائل است، وارد نیست.
- (۳) در واقع معنای سوم اتفاق را پذیرفته‌ایم، زیرا غایت از پیش نامعلوم اصلاً غایت نیست.
- (۴) از جمله فیلسوفانی خواهیم بود که هم علت نخستین و هم غایت‌مندی زنجیرهٔ حوادث را انکار کرده‌اند.

۵۳۲- کدام گزینه دربارهٔ اتفاق به معنای دوم درست است؟

- (۱) هیچ کس آن را قبول ندارد.
- (۲) منکران آن به ندرت به لوازم عملی اعتقاد خود پایبند هستند.
- (۳) کسانی که علوم را قبول دارند هرگز آن را انکار نکرده‌اند.
- (۴) استدلال برای اثبات آن هیچ ثمرهٔ عملی ندارد.

۵۳۳- خداباورانی که به اصل علیت و لوازم آن توجه دارند، بر این باورند که؟

- (۱) هدف خاص فرایندهای طبیعی را می‌دانند.
- (۲) حوادث ناشناختهٔ آینده هم غایت معین دارند.
- (۳) با توجه به اصل سنخیت، هیچ رویداد بی‌هوده‌ای نداریم.
- (۴) می‌توانند مقصد معینی برای تحولات جهان کشف کنند.

۵۳۴- هدفمندی امور عالم؟

- (۱) در حرکات کلی جهان صادق ولی گاهی در امور جزئی برقرار نیست.
- (۲) از نظر منطقی می‌تواند از سوی فیلسوفان ملحد خدا‌نا‌باور به درستی اثبات شود.
- (۳) گاهی مورد قبول فیلسوفی است که علت بالذات را قبول نکرده است.
- (۴) از نظر عقلی می‌تواند مورد انکار کسی باشد که علل‌العلل و لوازم علیت را قبول دارد.

۵۳۵- کدام گزینه دربارهٔ معانی اتفاق درست است؟

- (۱) عدم آگاهی از ناقص‌بودن علت می‌تواند منجر به اعتقاد به اتفاق به معنای نقض قاعدهٔ علیت شود.
- (۲) عدم توجه به تامه‌بودن علت می‌تواند باور به اتفاق به معنای نقض قاعدهٔ علیت را در پی داشته باشد.
- (۳) پذیرش برخی فرایندهای تکاملی در طبیعت نزد فیلسوفان به معنای انکار اتفاق به معنای سوم است.
- (۴) همهٔ انسان‌ها اتفاق به معنای چهارم یعنی رخ‌دادن حادثهٔ از پیش نامعین را می‌پذیرند و محتمل می‌دانند.

۵۳۶- چرا غایت‌مندی حوادث جهان مستلزم وجود آفریدگار است؟

- (۱) اشیا غایت‌مند در هنگام پدیدآمدن باید متناسب با غایت طراحی شوند تا بتوانند به آن غایت برسند و این یعنی وجود یک طراح حکیم لازم است.
- (۲) یک آفریدگار مخلوقات خود را بی‌هدف و عبث پدید نمی‌آورد بلکه از دست‌زدن به آفرینش، مقصود و منظوری حکیمانه دارد و غایتی را دنبال می‌کند.
- (۳) غایت‌مندی جهان نشان‌دهندهٔ وجود فرایندهای تکاملی است و این فرایندها نمی‌توانند اتفاقی رخ داده باشند؛ پس باید آفریدگاری آن‌ها را پدید آورده باشد.
- (۴) تا علت، تامه نشود معلولی ایجاد نخواهد شد، لذا اگر قرار است جهان به غایت معینی برسد باید علت این غایت موجود باشد و این علت همان آفریدگار است.

۵۳۷- درباره دانش آموزی که گمان می کند استعداد خوبی دارد و درس را هم به خوبی بلد است ولی فقط به جهت بدشانشی نمی تواند در آزمون ها نتیجه خوبی بگیرد، کدام عبارت درست است؟

- (۱) برای اصل علت استثنا قائل است لذا معتقد است اتفاق به معنای اول امری ممکن و شدنی است.
- (۲) چون به همه اجزای علت تامه آگاه نیست فکر می کند شانس می تواند جلوی اثربخشی علت را بگیرد.
- (۳) با توجه به این که شانس در هر چیزی می تواند دخیل باشد، به امکان رخداد معنای دوم اتفاق باور دارد.
- (۴) با توجه به باور به نقض اصل وجوب علی و معلولی به امکان رخ دادن حوادث پیش بینی نشده معتقد است.

۵۳۸- فیلسوفی که در دانشگاه تدریس می کند و هر روز با هدف تدریس مسیر منتهی به دانشگاه را طی می کند، کدام یک نمی تواند باشد؟

- (۱) کسی که معتقد است علت بدون معلول قابل مشاهده نیست.
- (۲) کسی که معنای دوم اتفاق را واقعاً پذیرفته باشد.
- (۳) کسی که وجود برخی حوادث از پیش ندانسته را می پذیرد.
- (۴) کسی که هدفمند بودن کار جهان را انکار می کند.

۵۳۹- کدام گزینه درباره علت تامه و ناقصه درست است؟

- (۱) علت ناقصه بخشی از معلول را ایجاد می کند ولی معلول را کامل نمی کند.
- (۲) علت های ناقصه خودشان علت پدید آمدن علت تامه اند و آن را ضروری می کنند.
- (۳) اگر علتی تامه باشد حتماً علت ناقصه ای هم برای معلول آن ضروری و موجود خواهد بود.
- (۴) علت تامه شرط لازم و کافی و علت ناقصه در صورت وجود، فقط شرط لازم برای وجود معلول است.

۵۴۰- آیا ابیات زیر با تکاملی دانستن اتفاقی برخی فرایندهای طبیعی که با عدم اعتقاد به علت العلل همراه باشد نیز سازگار است؟ چرا؟

از جمادی مردم و نامی شدم وز نما مردم به حیوان برزدم
مردم از حیوانی و آدم شدم پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم
حمله دیگر بمیرم از بشر تا برآرم از ملائک پر و سر

- (۱) خیر - زیرا فرایندهای اتفاقی هرگز رو به سوی کمال نخواهند داشت.
- (۲) بله - زیرا آن چه منع عقلی دارد اتفاقی بودن رو به سوی تکامل داشتن کل تحولات جهان است نه یک پدیده جزئی و خاص.
- (۳) خیر - زیرا تحولات آینده را نیز به طور قطعی تکاملی دانسته است.
- (۴) بله - زیرا می توان تحولات را اعم از تکاملی و غیر تکاملی دانست ولی غیر تکاملی ها به جهت ناسازگاری با محیط از بین رفته اند.

۵۴۱- کدام عبارت درست است؟

- (۱) رخ دادن حادثه های مطلقاً از پیش معین نشده، مستلزم آن است که جهان هستی، علت نخستین و پدید آورنده ای نداشته باشد.
- (۲) تشکیل عناصر از برخورد ذرات هم شکل و هم اندازه که به صورت سرگردان حرکت می کنند، معنای اول اتفاق را به ذهن می آورد.
- (۳) تمام کسانی که پیدایش گونه های جانداران را از تحول تدریجی و تصادفی گونه های دیگر می دانند، وجود آفریدگار را نپذیرفته اند.
- (۴) نظریه مه بانگ، یک دیدگاه فیزیکی درباره پیدایش جهان طبیعت است که به طور قطعی هر سه معنای متمتع اتفاق را در پی دارد.

۵۴۲- کدام تحلیل از معنای «شانس» می تواند به پذیرش آن به نحوی معقول کمک کند؟

- (۱) با هیچ یک از اصول و لوازم اصل علت تضادی ندارد.
- (۲) به رخداد پیش بینی نشده ای می گویند که اثری قطعی ندارد.
- (۳) همان تأثیر امور ناشناخته یا بیرون از تسلط انسان است.
- (۴) تأثیر ماوراء الطبیعه است بر ما به نحوی غیر محسوس.

۵۴۳- کدام دیدگاه فلسفی باستانی را می توان به نحو خاص و انحصاری، مستلزم اعتقاد به معنای سوم اتفاق دانست؟

- (۱) جهان از آب است و البته چون آب ماده ای بسیط و بدون اجزای مختلف است، ظرفیت خاصی برای تبدیل شدن به موجودات معین را ندارد بلکه نسبت آن با هر دو موجود مختلفی تساوی است.
- (۲) آتش عنصر اولیه است و فرایند به وجود آمدن چیزها از آتش فرایندی چرخه ای است و زمانی که سال بزرگ سپری شود تمامی اشیا دوباره به آتش تبدیل می شوند و چرخه جدیدی شکل می گیرد.
- (۳) جهان صرفاً یک واقعیت ثابت و همیشگی است و حرکت و تغییر و تحول در آن راه ندارد و آن چه حواس انسان از تکرر موجودات یا تحولات آن ها گزارش می کند، دروغ محض و خیال بی اساس است.
- (۴) اعداد، عناصر پایه ای جهان اند که با جمع و تفریق به هم تبدیل می شوند، مثلاً گاهی دو عدد «۳» داریم که ناگهان جمع شده و «۶» را می سازند و گاهی هم جمع نمی شوند و به همان شکل باقی می مانند.

کنکور سراسری

۵۴۴- وابستگی معلول به علت به نحوی از انحاء و وابستگی آن به علت، آن گاه که هستی و وجود رقم بخورد و صرفاً شرط لازم برای تحقق معلول به ترتیب، متصف به علت و علت و علت اند.

(فارج از کشور ۸۷)

- (۱) ناقصه - تامه - ناقصه
- (۲) ناقصه - ناقصه - تامه
- (۳) تامه - ناقصه - تامه
- (۴) تامه - تامه - ناقصه

(سراسری ۹۹)

۵۴۵- کدام عبارت مفهوم «شانس» در اصطلاح عامیانه را به نحو مناسب تری تحلیل می کند؟

- (۱) نفی قانون علت؛ به این معنی که هر معلولی، از هر علتی صادر می شود.
- (۲) عاملی خارج از قانون علت که بر روند امور یک شخص تأثیر می گذارد.
- (۳) نفی قانون علت، به این معنی که میان علت و معلول رابطه ضروری وجود ندارد.
- (۴) اعتقاد به این که در زنجیره حوادث زندگی، تعیین اهداف نهایی امکان پذیر نیست.

۵۴۶- مصرع زیر دقیقاً اتفاق به کدام معنا را رد می کند؟

«چو بد کردی مباش ایمن ز آفات»

(فارج از کشور ۹۹)

- (۱) نفی اصل سنخیت
- (۲) نفی غایتمندی
- (۳) نفی علت العلل
- (۴) نفی اصل وجوب علی

(سراسری ۱۴۰۱)

۵۴۷- کدام عبارت درست است؟

- (۱) معلول با صرف نظر از علت خود، امکان ذاتی دارد؛ اما غیرممکن است که با وجود علت تامه یا ناقصه، بر حالت امکان ذاتی باقی بماند.
- (۲) هیچ فیلسوفی وجود ندارد که وقوع اتفاقی حوادث را امکان‌پذیر بداند؛ به عبارت دیگر، همگی باور دارند که میان هر حادثه با علل آن، رابطه ضروری برقرار است.
- (۳) اگر فیلسوفی معتقد باشد که اصل سنخیت از طریق تجربه به دست می‌آید، نمی‌تواند وقوع اتفاق - به معنای نفی اصل سنخیت - را در حوادث بعدی، غیرممکن بداند.
- (۴) هرچند هیوم معتقد است رابطه ضروری میان علت و معلول یک موضوع حسی نیست، اما در نهایت از یک راه تجربی آن را تبیین می‌کند؛ یعنی اصل علیت را تجربی می‌داند.

(سراسری ۱۴۰۲)

۵۴۸- کدام عبارت درست است؟

- (۱) رخ دادن حوادث غیرمنتظره و پیش‌بینی‌نشده در طبیعت، نشان می‌دهد که قوانین طبیعی، قطعی نیست.
- (۲) هرگاه مجموعه‌ای از حوادث، طی یک فرایند به نتیجه خاصی منتهی شوند، این فرایند باید برنامه‌ریزی شده باشد.
- (۳) این نظر که موجودات زنده حاصل تدریجی موجودات ساده‌ترند، با اعتقاد به علیت سازگار نیست.
- (۴) این تصور که جهان در اثر انفجار یک ماده بسیار فشرده گسترش یافته، علت نخستین را نفی می‌کند.

(خارج از کشور ۱۴۰۲)

۵۴۹- کدام عبارت درست است؟

- (۱) در نظریهٔ دموکریتوس، اگر برخورد ذرات را تصادفی بدانیم، اتفاق به معنای نفی غایت‌مندی را پذیرفته‌ایم.
- (۲) این نظریه که جهان کنونی، در اثر انفجار یک ماده فشرده گسترش یافته، با وجود علت نخستین ناسازگار است.
- (۳) اگر بگوئیم جهان طبیعت و موجودات آن، طی یک فرایند تدریجی به تکامل رسیده‌اند، نوعی اتفاق را پذیرفته‌ایم.
- (۴) کسی که باور داشته باشد با وجود ابر در آسمان و سرمای هوا، ممکن است باران نبارد، اصل وجوب علی را نفی کرده است.

آزمون درس ۴

۵۵۰- کدام معنای اتفاق براساس کیستی فرد معتقد به آن، نسبی است؟

- (۱) معنای مرتبط به غایت‌مندی جهان
- (۲) معنای ناقض ضرورت میان علت و معلول
- (۳) معنای انکارکننده تناسب علت و معلول
- (۴) معنای ناشی از عدم اطلاعات کافی

۵۵۱- یک فیلسوف در تصحیح معنای عامیانه «شانس» به دنبال چه چیزی است؟

- (۱) نشان دهد که سبب شانسی‌دانستن یک امر، عدم توجه به اجزای علت تامه است که موجب می‌شود گمان کنیم حادثه‌ای بی‌علت رخ داده است.
- (۲) نشان دهد که حوادث عالم بی‌جهت و کورکورانه اتفاق نمی‌افتند بلکه هر حادثه‌ای در نظام کل در جهت برآوردن یک غایت و هدفی رخ می‌دهد.
- (۳) نشان دهد هیچ رخداد خوبی بدون وجود شایستگی‌های قبلی آن برای کسی اتفاق نمی‌افتد و نباید دیگران را در موفقیت‌هایشان بی‌لیاقت دانست.
- (۴) نشان دهد شانسی‌بودن، ناقض هیچ‌یک از قواعد مربوط به علیت و نشانه حاکم‌نبودن حکمت خدا نیست بلکه صرفاً عدم آگاهی از علل را می‌رساند.

۵۵۲- تصور رخ دادن کدام یک از معانی اتفاق به خاطر عدم آگاهی از شروط لازم برای تحقق معلول ایجاد می‌شود؟

- (۱) معنای اول
- (۲) معنای دوم
- (۳) معنای سوم
- (۴) معنای چهارم

۵۵۳- تلاش دانشمندان علم شیمی برای کشف ویژگی‌ها و تفاوت‌های عناصر مختلف، مستقیماً و عمدتاً با کدام گزینه مطابقت دارد؟ (ترکیبی با درس ۳)

- (۱) قبول اصل سنخیت - انکار معنای دوم اتفاق
- (۲) قبول اصل واقعیت - انکار معنای سوم اتفاق
- (۳) قبول اصل علیت - انکار معنای اول اتفاق
- (۴) قبول اصل وجوب علی و معلولی - انکار معنای اول اتفاق

۵۵۴- وقتی نمی‌دانیم برای به جوش آوردن آب چه کاری باید انجام دهیم ولی هم‌چنان امیدوار باشیم که بتوانیم به طریقی آب را بجوشانیم، به کدام معنای اتفاق باور داریم؟

- (۱) معنای اول
- (۲) معنای دوم
- (۳) معنای سوم
- (۴) معنای چهارم

۵۵۵- فیلسوفی که نظم موجود در بین اجزای جهان را می‌پذیرد، دربارهٔ معانی مختلف اتفاق چه نظری دارد؟

- (۱) قطعاً معنای دوم اتفاق را انکار می‌کند.
- (۲) قطعاً وجود خداوند و علت‌العلل را انکار نمی‌کند.
- (۳) قطعاً معنای چهارم اتفاق را انکار می‌کند.
- (۴) قطعاً تکاملی و هدفمندبودن حرکات جهان را انکار نمی‌کند.

۵۵۶- اگر ممکن‌الوجودبودن را به تنهایی دلیل بر وجود داشتن بگیریم، کدام مطلب را پذیرفته‌ایم؟

- (۱) علت ناقصه می‌تواند شیء را ایجاد کند.
- (۲) عدم علت تامه دلیل امتناع بالغیر خواهد بود.
- (۳) معنای اول اتفاق پذیرفتنی است.
- (۴) معنای دوم اتفاق را نپذیرفته‌ایم.

۵۵۷- اگر یک کدبانو در پختن یک غذای جدید همهٔ دستورات پختی که می‌داند را عمل کند ولی موفق نشود و خود را بدشانس بنامد، دربارهٔ او چه می‌توان گفت؟

- (۱) محال است معنای سوم اتفاق را پذیرفته باشد.
- (۲) علت ناقصه را تامه در نظر گرفته است.
- (۳) در این تفکر با برخی فلاسفهٔ اروپایی صراحتاً همراه است.
- (۴) شانس را به معنای رویداد پیش‌بینی‌نشده به کار برده است.

۵۵۸- اگر کسی نظریهٔ برخی زیست‌شناسان دربارهٔ تحول تدریجی و اتفاقی موجودات زنده را بپذیرد، تحولات آیندهٔ موجودات زنده را به کدام معانی مطلقاً و کاملاً اتفاقی می‌داند؟

- (۱) معنای اول و دوم
- (۲) معنای دوم و سوم
- (۳) معنای سوم و چهارم
- (۴) معنای اول و چهارم

۵۵۹- مصراع «گندم از گندم بروید جو ز جو» و نیز ابیات زیر به ترتیب بر انکار کدام معنای اتفاق تأکید بیشتری دارند؟

- | | |
|---------------------------|-----------------------------|
| از جمادی مردم و نامی شدم | وز نما مردم به حیوان برزدم |
| مردم از حیوانی و آدم شدم | پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم |
| حمله دیگر بمیرم از بشر | تا برآرم از ملائک پر و سر |
| (۱) معنای اول - معنای دوم | (۲) معنای دوم - معنای سوم |
| (۳) معنای اول - معنای سوم | (۴) معنای دوم - معنای دوم |

۴۳۳- گزینه ۱ اختلاف فیلسوفان در باب علت عمدتاً مربوط به درک رابطه ضروری میان علت و معلول است (فطری، استدلالی، تجربی یا روانی). رابطه ضروری میان علت و معلول دو مصداق دارد: یکی اصل علت و دیگری اصل وجوب علی و معلولی. بنابراین یکی از مناقشه‌برانگیزترین مباحث پیرامون علت بحث وجوب علی و معلولی است که مفاد آن این است که معلول در صورت وجود علت، ضرورتاً تحقق پیدا می‌کند. پس درک چرایی این مطلب بیشترین اختلاف نظر را بین فیلسوفان برانگیخته است (ما این گزینه را به صورت دقیق تحلیل کردیم و آن را بر اصل وجوب علی و معلولی تطبیق دادیم. ولی خود کتاب درسی در برخی موارد با بی‌دقتی تفاوتی بین اصل علت و اصل وجوب علی نگذاشته یا حتی به اشتباه، مفاد اصل وجوب علی را به جای اصل علت به کار برده است و ممکن است طراح این سؤال هم مرتکب همین اشتباه شده باشد).

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲) فیلسوفان معمولاً دربارهٔ مصداق‌یابی علت در جهان طبیعت اختلافی ندارند و همگی آن را از طریق حس و تجربه ممکن می‌دانند. ۳) اساس تفاوت رابطه علت یا سایر روابط به تعریف علت بازمی‌گردد که مورد اختلاف نیست. ۴) فیلسوفان معمولاً دربارهٔ مصداق‌یابی قاعدهٔ سنخیت میان علت و معلول نیز اختلاف ندارند.



برای دسترسی به پاسخ آزمون درس سوم کیوآرکد پشت جلد را اسکن کنید و بعد از ورود به لینک، شمارهٔ رویه‌رو را وارد کنید.

۴۴۴- گزینه ۴ دموکریتوس معتقد بود که مادهٔ اولیهٔ تشکیل‌دهندهٔ جهان، اتم‌ها و ذرات ریز تجزیه‌ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می‌کرده‌اند. برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیای فعلی در جهان شده است.

۴۴۵- گزینه ۱ یکی از اقدامات مهم و مؤثر فیلسوفان، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آن‌ها بوده است.

۴۴۶- گزینه ۳ دموکریتوس اتم‌ها را اجزای ریز تجزیه‌ناپذیر و غیر قابل تقسیم می‌دانست.

۴۴۷- گزینه ۱ معنای دوم اتفاق این است که ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید. این معنا، در مقابل اصل سنخیت است.

۴۴۸- گزینه ۱ ابن سینا در مهم‌ترین کتاب فلسفی خود، یعنی «الهیات شفا» دربارهٔ اتفاق و شانس سخن گفته است و تلاش کرده نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح نماید.

۴۴۹- گزینه ۲ آن‌چه به ما می‌فهماند که هر چیزی نمی‌تواند منشأ هر چیزی باشد، اصل سنخیت است؛ پس بنابر پذیرش اصل سنخیت چنین توقی نداریم.

۴۵۰- گزینه ۲ هر سه نظریه به نحوی قائل به «اتفاق» هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) تنها دموکریتوس بحث مادهٔ اولیه را مطرح می‌کند. ۲) این تنها نظریهٔ برخی دانشمندان زیست‌شناس است. ۴) اتم و ذرات تجزیه‌ناپذیر تنها در نظریهٔ دموکریتوس نقش کلیدی دارد.

۴۵۱- گزینه ۳ **بررسی سایر گزینه‌ها:** او پدیدآمدن عناصر و اشیای فعلی را اتفاقی می‌دانست نه پدیدآمدن مادهٔ اولیه یا اتم‌ها را (رد ۲). اتفاقی بودن از نظر او، یعنی حرکات سرگردان و بی‌هدف ذرات، موجب برخورد آن‌ها و تشکیل عناصر و اشیای شده است. می‌توان این حرکات و برخوردها را فعل و انفعالات کورگروانه دانست. ۱) وجود اشیای از نظر دموکریتوس هم اهداف زیادی را برآورده می‌کند؛ مثلاً آب برای رفع تشنگی مفید است. ۴) او لزوماً سنخیت میان علت و معلول را رد نمی‌کرد، زیرا معتقد بود تنها اتم‌های هم‌اندازه و هم‌شکل که با هم تناسب دارند به هم متصل می‌شوند و عناصر را پدید می‌آورند. دلیلی نداریم که بگوییم از نظر او عناصر پدیدآمده هم سنخیتی با آن اتم‌های خاص نداشته‌اند.

۴۵۲- گزینه ۲ بیان برخی دانشمندان در مورد نظریهٔ مه‌بانگ به گونه‌ای است که ممکن است به نظر برسد انفجار اولیه بی‌علت رخ داده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: هیچ‌کدام نمی‌گویند حادثه‌ای بی‌علت رخ داده است بلکه می‌گویند حادثه‌ای بدون هدف و غایت یا بدون علت متناسب اتفاق افتاده است.

۴۵۳- گزینه ۴ نظریهٔ زیست‌شناسان (داروین) منکر پیدایش فرایندهای تکاملی نیست. (رد ۱) ولی این فرایندها را تصادفی می‌داند، نه هدفمند (رد ۳). بر این اساس یک انتخاب طبیعی و بدون طرح قبلی رخ می‌دهد و آن این است که هر تحولی که اتفاقاً و تصادفاً در راستای سازگاری با محیط باشد، گونه‌ای را پدید می‌آورد که می‌تواند باقی بماند، رشد کند و تکثیر شود. اما گونه‌های دیگری که تصادفاً به شکلی تغییر می‌کنند که ناسازگار با محیط می‌شوند، نمی‌توانند به رشد خود ادامه دهند و تکثیر شوند و در نتیجه از بین می‌روند. پس بسیاری از تحولات رو به سوی کمال نبوده است (رد ۲). ولی فقط تحولات رو به سوی کمال، گونه‌های مانا و منقرض‌شده‌ای را بر جا گذاشته‌اند.

۴۲۶- گزینه ۱ درک علت حوادث طبیعی و محسوس نیاز به حس و تجربه دارند ولی در مورد حوادث غیرطبیعی و غیرمحسوس این‌طور نیست. مثلاً «ارادهٔ انسان» یک حادثهٔ غیرطبیعی و غیرمحسوس است که علت عمل اختیاری و ارادی انسان است. تشخیص علت اراده برای عمل، نیازی به حس و تجربه ندارد بلکه نیروی عقل با تحلیل حالات درونی نفس آن را تشخیص می‌دهد. همچنین درک علت وجود فرشتگان و روح، با استدلال عقلی ممکن است، نه با حس و تجربه.

۲) هیوم ضرورت میان علت و معلول را نپذیرفته است که بخواهد آن را علت تداعی ذهن بداند. از نظر او مشاهدهٔ مکرر توالی حوادث، در ذهن ایجاد تداعی می‌کند. ۳) دکارت اصل علت را فطری می‌داند ولی معتقد است تشخیص مصادیق علت و معلول (مثل این‌که چه چیزی علت یک معلول است) نیازمند تجربه و آموزش است و فطری نیست. ۴) دکارت و فیلسوفان مسلمان پذیرش علت را بدون تلاش‌های تجربی می‌دانند زیرا خود علت پایهٔ هرگونه تجربه است.

۴۲۷- گزینه ۲ مقصود از عقلی‌بودن علت این است که این رابطه با ابزار عقل و از طریق استدلال عقلی محض درک می‌شود و حس و تجربه در درک آن نقشی ندارد (رد ۱). این مطلب در مبحث منشأ درک و پذیرش رابطهٔ علت مطرح می‌شود که به دنبال بیان چگونگی درک رابطهٔ علت از سوی انسان است.

۳) این سؤال به دنبال استدلالی است که از طریق آن، علت اثبات می‌شود. اما مقصود از عقلی‌بودن علت، این نیست که استدلال آن چیست بلکه این است که علت به طور کلی از کدام طریق شناختی و با کدام ابزار شناخت درک می‌شود. ۴) ساخته‌شدن علت در ذهن، دیدگاه هیوم است، نه فیلسوفان مسلمان.

۴۲۸- گزینه ۲ دیدگاه تجربه‌گرایان این است که رابطهٔ علت به عنوان یک رابطهٔ ضروری بین علت و معلول، براساس تجربه درک می‌شود. ۱) دیدگاه هیوم است. ۳) اصالت روش تجربی یک اصل است و خودش را از تجربهٔ چند مورد جزئی نتیجه نمی‌گیرند. ۴) این دیدگاه خاص تجربه‌گرایان نیست و همه آن را قبول دارند

۴۲۹- گزینه ۴ علت چیزی است که به چیزی دیگر وجود می‌دهد و آن چیز را به وجود می‌آورد؛ یعنی تا علت نباشد، آن چیز هم پدید نمی‌آید. معلول نیز چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر - که همان علت است - می‌گیرد؛ یعنی در وجود خود، نیازمند به دیگری است. پس در تعریف معلول، می‌توان گفت آن‌چه از دیگری هستی می‌گیرد، ۱) توجه کنید که در تعریف علت و معلول، نباید از خود این دو مفهوم استفاده کرد، و آلا دچار مغالطهٔ تعریف دوری می‌شویم. زیرا علت همان است که معلول را ایجاد می‌کند و اگر در تعریف معلول گفته شود، چیزی که علت به او وجود می‌دهد، در این صورت تعریف ما از «معلول» در حقیقت به شکل «چیزی که آنچه معلول را ایجاد می‌کند، به او وجود می‌دهد» در خواهد آمد که تعریفی دوری خواهد بود. ۲) معلول اگرچه ذاتاً در حالت تساوی بین وجود و ماهیت است ولی از نظر وجود، از حالت تساوی خارج شده و واجب‌الوجود بالغیر شده است. ۳) درست است که معلول به دیگری وابستگی وجودی دارد ولی در این تعریف، قید نشده که وابستگی از نظر وجودی مورد نظر است. لذا این تعریف شامل هر نوع وابستگی می‌شود و مثلاً وابستگی دو دوست به یکدیگر را نیز شامل است. پس تعریف مانع نیست.

۴۳۰- گزینه ۱ به جهت اصل سنخیت میان علت و معلول، معلول‌های مشابه باید از علت‌های مشابه صادر شوند.

۲) صرف همراهی دو پدیده نشانهٔ علت و معلول بودن نیست. مثلاً طعم و بوی یک غذا با هم هستند ولی هیچ کدام علت دیگری نیست. ۳) به جهت اصل سنخیت میان علت و معلول، هر یک از آثار متفاوت یک پدیده با آن پدیده تناسب دارند. بنابراین از وجود یکی از آن آثار، می‌توان به خود آن پدیده و از آن پدیده می‌توان آثار دیگرش را به طور ضروری تشخیص داد (نه این‌که فقط احتمال داد). ۴) اثر را فقط می‌توان به علت تامة نسبت داد و علت تامة شامل مجموع عوامل است و تک‌تک آن عوامل علت ناقصه محسوب می‌شوند.

۴۳۱- گزینه ۳ تکرار توالی‌ها، از طریق حس و تجربه درک می‌شود و مورد قبول همهٔ فیلسوفان عقل‌گرا و تجربه‌گراست. آن‌چه مورد اختلاف است، منشأ درک علت است نه درک تکرار توالی‌ها.

۴۳۲- گزینه ۴ این‌که به صورت قطعی از بودن علت به بودن معلول پی ببریم و از نبود علت به نبود معلول پی ببریم از نتایج و لوازم اصل وجوب علی است و بر همین اساس می‌توانیم ضرورتاً از بودن معلول نیز به بودن علت و از نبود معلول به نبود علت پی ببریم. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱) وابستگی معلول به علت و تقدم علت بر معلول از لوازم اصل علت به حساب می‌آید نه از لوازم وجوب علی (لازم به توجه است که تقدم علت بر معلول، تقدم زمانی نیست، بلکه تقدم رتبی است). ۲) اصل نیازمندی معلول به علت، به اصل علت اشارهٔ مستقیم دارد نه اصل وجوب علی. ۳) ممکن‌الوجودبودن، از نتایج و لوازم اصل علت و وجوب علی به حساب نمی‌آید، بلکه مقدمهٔ این دو اصل به حساب می‌آید.

۴۵۴- گزینه ۱ چون اتمها ماده اولیه هستند و خودشان هرگز پدید نیامده‌اند، پس از ازل موجود بوده‌اند و در نگاه دموکریتوس چنین موجوداتی مخلوق نیستند.

۲ اتمها انواع مختلفی داشته‌اند و وقتی اتمهای هم‌شکل و هم‌اندازه به هم برخورد می‌کردند، گرد هم آمده و عناصر را تشکیل می‌دهند. **۳** حرکت اتمها از روی تصمیم قبلی و دارای هدف از پیش معین نیست، بلکه تصادفی و کورکورانه است. **۴** اتمها در فضایی نامتناهی حرکت می‌کردند، نه محدود.

۴۵۵- گزینه ۳ برخی از دانشمندان احتمال می‌دهند که جهان کنونی ما، یعنی این میلیاردها کهکشان، بر اثر انفجار بزرگ - مه‌بانگ - آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است. این بیان باعث شده برخی تصور کنند پیدایش این جهان، اتفاقی و بدون علت بوده است. البته خود این نظریه نمی‌گوید جهان بی‌علت و از هیچ پدید آمده (رد **۲**) و یک بحث فلسفی می‌نست. این نظریه، یک مسأله فیزیکی (وضعیت گذشته جهان طبیعت تا نقطه‌ای خاص و نه تا ازل) را به روش علوم تجربی مورد بررسی قرار می‌دهد (رد **۴**). در ضمن، شواهد علمی قابل قبولی برای پیدایش این میلیاردها کهکشان از یک انفجار وجود دارد (رد **۱**).

۴۵۶- گزینه ۴ یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنهاست (نه فقط نقد و تصحیح. مثلاً معنای چهارم اتفاق، معنایی درست است و ابن سینا آن را نقد و تصحیح نکرده است بلکه فقط ریشه آن را بیان کرده که نوعی تعمیق محسوب می‌شود). (رد **۱**). ابن سینا در مهم‌ترین کتاب فلسفی خود، یعنی «الهیات شفا» درباره «اتفاق» و مفاهیم دیگری از قبیل «شانس» سخن گفته (نه این که موضوع این کتاب، اتفاق باشد! موضوع این کتاب قطعاً وجود و مسائل پیرامون آن است ولی در آن از اتفاق و شانس هم بحث شده است). (رد **۲**) و تلاش کرده نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح نماید. از همین رو، لازم است که ما نیز در ادامه بحث علیت، نظری به مفهوم «اتفاق» ببندازیم و از جنبه فلسفی درباره آن‌ها بحث کنیم؛ به‌خصوص که امروزه مفهوم اتفاق نه تنها نزد عامه مردم بلکه بر زبان برخی دانشمندان نیز جاری می‌شود. (رد **۳**).

۴۵۷- گزینه ۳ اگر کل جهان هستی نابود شود، پس پیدایش آن از ابتدا بی‌هدف بوده است و این معنای سوم اتفاق است. توجه کنید که نابودی کل جهان طبیعت، با نابودی کل هستی فرق دارد و می‌توان فرض کرد هدف جهان طبیعت محقق شود و منفجر گردد و نتیجه این جهان در جهان ماوراءالطبیعه باقی بماند.

۱ نقض سنخیت است که به معنای دوم اتفاق مرتبط می‌شود. **۲** حادثه بی‌علت است و به معنای اول اتفاق مربوط می‌شود. **۴** حادثه‌ای که بتوان آن را اتفاقی دانست رخ نداده است، مگر این که بگوییم آن شخص در سلامت کامل عقلی و روانی و با هدف خرید کالا (نه دزدی) آن را برداشته و بی‌توجهی، هزینه‌ای برایش پرداخت نکرده است که در این صورت رفتار او با هدفش سنخیت ندارد و معنای دوم رخ داده است (البته این حالت کاملاً فرضی است و امکان وقوع خارجی ندارد). به هر حال معنای چهارم اتفاق رخ نداده است.

۴۵۸- گزینه ۲ اگر همه عوامل به وجود آورنده معلول باشند، علت تأمه است و اگر برخی نباشند (چه یکی چه همه به غیر از یکی) علت ناقصه است.

۴۵۹- گزینه ۲ وجود علت ناقصه به تنهایی برای به وجود آمدن معلول تفاوتی ایجاد نمی‌کند؛ یعنی معلول با وجود علت ناقصه نیز کماکان به وجود نخواهد آمد.

بررسی سایر گزینه‌ها: **۱** علت ناقصه وجود معلول را در پی ندارد. **۳** علت ناقصه هیچ‌گاه همچون وجود علت تأمه عمل نمی‌کند. **۴** علت تأمه است که ممکن‌الوجود بالذات را به واجب‌الوجود بالغیر بودن می‌رساند.

۴۶۰- گزینه ۲ علت به معنای وجوددهنده تنها علت تأمه را در بر می‌گیرد؛ بنابراین اگر علت را به وجوددهنده تعریف کنیم، علت ناقصه، علت واقعی نخواهد بود.

۴۶۱- گزینه ۳ علت تأمه شرط لازم و کافی برای به وجود آمدن معلول است. پس هم شرط کافی است و هم شرط لازم. علت ناقصه شرط لازم و غیرکافی برای به وجود آمدن معلول است.

۴۶۲- گزینه ۴ از آنجایی که علت ناقصه شرط لازم به وجود آمدن معلول است از نبودش به نبود معلول پی می‌بریم و همچنین تا زمانی که علت تأمه نباشد، معلول ایجاد نخواهد شد. بنابراین نبود علت تأمه نیز نبود معلول را نتیجه می‌دهد (علت تأمه شرط لازم و کافی است).

۴۶۳- گزینه ۴ رابطه وجوبی میان علت و معلول شامل دو اصل است؛ یعنی اولاً به معنای ضروری بودن اصل علیت (نیاز معلول به علت) و ثانیاً به معنای حتمی بودن اصل وجوب علی و معلولی (وجوب بخشی علت به معلول) است. براساس اصل اول، بدون علت، معلول حتماً معدوم است و براساس اصل دوم، با وجود علت، معلول قطعاً موجود خواهد بود (رد **۲**). مطابق اصل علیت، معلول فقط زمانی واقع می‌شود که علت تأمه باشد و هیچ وقت به صرف وجود علت ناقصه، معلول پدید نمی‌آید.

بررسی سایر گزینه‌ها: **۱** مفهوم واجب‌الوجود بالغیر می‌تواند مبتنی بر رابطه ضروری میان علت و معلول مطرح شود که در آن در اثر وجود علت، معلول با عنوان واجب‌الوجود بالغیر پدید می‌آید و در صورت عدم علت، معلول، واجب‌الوجود نمی‌شود و پدید نمی‌آید. **۳** معنای اول اتفاق در مقابل اصل علیت و اصل ضرورت علی مطرح می‌شود. بنابراین کسی که این رابطه را پذیرفته، نمی‌تواند اتفاق به معنای اولش را قبول داشته باشد.

۴۶۴- گزینه ۲ به کار بردن اتفاق در معنای مقابل اصل وجوب بخشی علت به معلول، به دلیل این است که مردم گاهی علت ناقصه را با علت تأمه اشتباه می‌گیرند، در صورتی که اگر تنها یک عامل نیز حاضر نباشد، علت تأمه نخواهد بود.

بررسی سایر گزینه‌ها: **۱** بنا بر متن کتاب هیچ فیلسوفی معنای اول اتفاق را به طور صریح نمی‌پذیرد. **۳** عدم توجه به نظم موجود در عالم، اتفاق به معنای مقابل اصل سنخیت را مطرح می‌کند. **۴** این اشتباه از تفاوت قائل نشدن میان علت تأمه و علت ناقصه پیش می‌آید.

۴۶۵- گزینه ۲ وقوع اتفاق به معنای اول هم در اثر نقض اصل علیت (حادثه بی‌علت) ممکن است و هم در اثر نقض اصل ضرورت (علت تأمه بی‌معلول).

۴۶۶- گزینه ۴ **بررسی سایر گزینه‌ها:** کسی که معنای دوم اتفاق را قبول کند، سنخیت را نپذیرفته است؛ بنابراین پدیدآمدن هر چیزی را از هر چیزی ممکن می‌داند و به هیچ کاری اقدام نمی‌کند (رد **۱**). هم چنین نمی‌تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند (رد **۲**) و حتی نمی‌تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده‌ها دعوت کند (رد **۳**). اما عدم برقراری ارتباط میان وقایع عالم نتیجه انکار اصل علیت است نه سنخیت.

۴۶۷- گزینه ۱ واقعیت داشتن رخدادها نتیجه اصل قبول واقعیت است، نه علیت و سنخیت.

بررسی سایر گزینه‌ها: **۲** امور زندگی براساس این که از چه چیزی چه توقعی داریم تنظیم می‌شوند. این کاربرد اصل علیت و سنخیت است. **۳** شاخه‌بندی علوم براساس موضوع و روش است. اگر اصل سنخیت درست نبود، نه هیچ موضوعی خواص و آثار مخصوص به خود داشت و نه هیچ روشی به نتایج معینی می‌رسید. در نتیجه شاخه‌بندی علوم از بین می‌رفت. **۴** یک معنای اتفاق، رخداد بی‌علت است که محال بودن آن نتیجه اصل علیت است.

۴۶۸- گزینه ۱ زمانی که از بودن عاملی به بودن معلول پی ببریم، آن عامل، علت تأمه یا علت وجوددهنده است (رد **۳** و **۴**). ولی نمی‌تواند علت ناقصه باشد (مجموعه همه علل ناقصه با وجود مانع نیز هنوز علت ناقصه است، در واقع شرط تحقق همه علل ناقصه، نبود موانع است و نمی‌توان گفت همه علل ناقصه هستند ولی موانع هم هنوز باقی‌اند). توجه کنید که علت تأمه همان مجموع همه علل ناقصه است؛ پس درون خود همه علل ناقصه را دارد و معنا ندارد که با علت ناقصه همکاری کند، زیرا همکاری کردن با عاملی دیگر، مستلزم جدابودن آن عامل است (رد **۲**).

۴۶۹- گزینه ۳ تلاش ما برای بازشدن در، متناسب است، اما عاملی وجود دارد که نسبت به آن آگاه نیستیم (رد **۴**) و مانع بازشدن در می‌شود (رد **۲**). همین عامل باعث شده است که علت، تأمه نشده باشد (رد **۱**).

۴۷۰- گزینه ۱ علت تأمه لزوماً از چند علت ناقصه تشکیل نمی‌شود، بلکه ممکن است یک چیز به تنهایی علت تأمه باشد برای چیز دیگر، مثل خداوند که یک علت واحد است و هیچ جزئی ندارد که آن اجزا علل ناقصه باشند.

۴۷۱- گزینه ۳ این ضرب‌المثل می‌گوید: اگر نظم به هم بخورد، دیگر از هر علتی هر معلولی می‌تواند ایجاد شود و این ناظر به اصل سنخیت است که اگر نباشد، دیگر از هر چیزی می‌توان هر چیزی را توقع داشت.

۴ اساس ارتباط میان اجزای جهان براساس خود اصل علیت صورت می‌گیرد و ارتباط خاص اجزای جهان با یکدیگر براساس سنخیت مطرح می‌شود.

۴۷۲- گزینه ۴ رابطه هر کل با جزء خود تبیین است.

۴۷۳- گزینه ۲ این شخص از معلول پی به علت نبرده است؛ بنابراین معتقد به امکان نقض اصل علیت است.

سایر گزینه‌ها: این افراد همگی از وجود علت، وجود معلول را با اطمینان نتیجه نگرفته‌اند؛ پس همگی به امکان نقض اصل وجوب علت و معلولی باور دارند.

۴۷۴- گزینه ۳ کسی که به تناسب بین علت و معلول یعنی به اصل سنخیت باور ندارد، نمی‌تواند از هیچ کاری، هدف خاصی را دنبال کند؛ بنابراین دست به انجام هیچ کاری نخواهد زد.

۴۸۴- گزینه ۳

نکته: «از پیش معین نبودن» با «از پیش معلوم نبودن» متفاوت است. چه بسا حادثه‌ای بنا بر علل و عواملش کاملاً از پیش معین باشد و به طور ضروری و قطعی و مشخص رخ داده باشد ولی چون ما از عوامل آن ناآگاه بوده‌ایم، برای ما از پیش نامعلوم بوده باشد. این یعنی معنای سوم اتفاق در مورد آن حادثه رخ نداده ولی معنای چهارم رخ داده است.

براساس این نکته، معنای سوم اتفاق به معنای از پیش معین نبودن حرکات جهان و رو به سوی هدف و غایت مشخص نداشتن آن است در حالی که معنای چهارم اتفاق، به معنای جهل انسان نسبت به حوادث است؛ پس می‌توان گفت: «اولی از پیش معین بودن حوادث را رد می‌کند و دومی از پیش معلوم بودن آن‌ها را».

۱) معنای چهارم مربوط به علم و جهل انسان نسبت به علل حوادث است، نه از پیش معین بودن آن‌ها. ۲) اگر کل حرکات جهان غایت معینی داشته باشد، امور جزئی هم دارای غایت خواهند شد و پذیرش این دو امر همان نفی معنای سوم است و هیچ کدام به معنای چهارم ارتباطی ندارند. ۳) معنای سوم اتفاق مربوط به جهل آفریدگار جهان نیست بلکه مربوط به عدم وجود اوست.

۴۸۵- گزینه ۲: همه فیلسوفان وجود برخی فرایندهای تکاملی جزئی در جهان را قبول دارند. مثلاً هیچ فیلسوفی فرایند تکاملی رشد جنین یا رشد گیاه را انکار نمی‌کند و فیلسوفانی که نظریه داروین را قبول دارند همگی تکامل در تحول تدریجی انواع جانداران را قبول دارند ولی برخی از آنان این فرایندهای تکاملی را تصادفی و اتفاقی می‌دانند؛ یعنی معتقدند این تحولات هدفمند و از پیش معین نبوده بلکه کاملاً تصادفی و غیرهدفمند بوده است (رد ۴) ولی طبیعت، موجودات حاصل از تحولات غیرتکاملی را منقرض کرده و فقط موجودات تصادفاً تکامل یافته را باقی گذاشته است و به این ترتیب تکامل تصادفی رخ داده است. بنابراین حتی فیلسوفانی که اتفاق به معنای سوم را می‌پذیرند و خدا را انکار می‌کنند نیز وجود فرایندهای تکاملی را انکار نمی‌کنند (رد ۱ و ۳).

۴۸۶- گزینه ۱: آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می‌کنند، معتقدند که این نوع اتفاق هم مانند دو معنای اول امکان پذیر نیست و همه حوادث جهان از ابتدا تاکنون و در آینده در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند. به عبارت دیگر جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کامل تر می‌شود (این همان معنای نفی اتفاق به معنای سوم است). توجه کنید که در کتاب درسی مقصود از غایت‌مندی جهان، یک غایت کمالی و رو به رشد و تعالی است، نه رسیدن به یک وضعیت ناپسامان که از وضعیت اول نیز ناقص تر و عقب افتاده تر باشد. طبیعتاً هر سیستمی که حرکت می‌کند به یک نقطه‌ای می‌رسد ولی تنها در صورتی آن نقطه را هدفمند و دارای غایت می‌دانیم که رو به رشد و کمال باشد (رد ۳).

۲) این مطلب شرط لازم و کافی برای نفی اتفاق است، نه معنای آن. ۴) این معنا از نفی تصادف، مربوط به معنای اول اتفاق است، نه معنای سوم که مربوط به هدفمندی است.

۴۸۷- گزینه ۳: استدلال کتاب درسی چنین است: قبول غایت برای اشیا و پدیده‌های جهان وقتی امکان پذیر است که آن غایت، قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد تا اشیا متناسب (هم‌سنخ) با آن هدف و آن غایت ساخته شده و پدید آمده باشند. در آن صورت می‌توانند به سوی آن هدف حرکت نمایند و تکامل یابند و چنین غایت و هدفی بدون قبول خداوند امکان پذیر نیست. این سیر استدلال در ۳ نشان داده شده است.

۱) هدف و غایت جهان با تکامل خود جهان ایجاد می‌شود، نه این که از ابتدا توسط خالق خلق شود. در حقیقت خالق، هدف را معین می‌کند و مخلوق را به گونه‌ای طراحی می‌کند که خودش به آن هدف برسد. ۲) پیش‌بینی‌پذیری مربوط به نفی معنای چهارم اتفاق است، نه نفی معنای سوم. معنای سوم به از پیش معین بودن مربوط است، خواه برای انسان قابل پیش‌بینی باشد یا نباشد. ۴) جای مرحله دوم و سوم استدلال عوض شده است.

۴۸۸- گزینه ۴: معنای چهارم اتفاق معلول جهل انسان نسبت به علل و عوامل رخ دادن حوادث است که موجب می‌شود انسان نتواند رخدادها را پیش‌بینی کند و آن‌ها را اتفاقی بداند.

۱) مربوط به معنای سوم است. ۲) انسان‌ها نسبت به علیت و فروغ آن ناآگاه نیستند بلکه مصادیق آن را نمی‌شناسند و همین جهل به مصادیق (علل و عوامل) معنای چهارم اتفاق را رقم می‌زند. ۳) پیش‌بینی‌نشدن حوادث خود معنای چهارم اتفاق است، نه ریشه آن.

۴۸۹- گزینه ۴: معنای چهارم اتفاق در اثر جهل انسان نسبت به علل حوادث رخ می‌دهد و چون خداوند نسبت به هیچ چیز جاهل نیست، امکان ندارد برای او چنین معنایی از اتفاق رخ دهد. جز خداوند همگان در معرض ناتوانی نسبت به پیش‌بینی برخی حوادث در اثر جهل به عوامل آن هستند.

۱) حتی اگر واقعاً معنای دوم اتفاق در مورد کار ما رخ دهد (اصل سنخیت نقض شود) تا زمانی که ما به سنخیت باور داشته باشیم، کار خودمان را انجام خواهیم داد ولی به جهت نقض شدن سنخیت، به نتیجه مورد نظر نخواهیم رسید. ۲) امکان تبیین عقلی نظم جهان از فواید باور به اصل سنخیت است ولی منعی ندارد کسی به سنخیت باور داشته باشد ولی مبتنی بر آن نظم جهان را تبیین نکند. به عبارت دیگر، تبیین عقلی نظم جهان یک تأمل فلسفی است ولی مبادرت به انجام کارهای روزمره نیازی به تفکر فلسفی ندارد و با تفکر معمولی هم حاصل می‌شود. ۴) کسی که با تجربه سنخیت را پذیرفته باشد، یا به اشتباه همواره آن را صادق می‌داند یا لاقط در مواردی که تجربه کرده است به سنخیت باور دارد و در همان حوزه به انجام امور خود خواهد پرداخت.

۴۷۵- گزینه ۳: بررسی معنای سوم «اتفاق» نیازمند دقت و تأمل بیشتری است و معنای چهارم اتفاق با هیچ‌یک از اصول عقلی تعارض ندارد.

۴۷۶- گزینه ۲: افرادی که گوینده این سخن هستند قصد دارند معنای سوم اتفاق را انکار کنند (رد سایر گزینه‌ها)، اما از آنجایی که انکار معنای سوم اتفاق تنها با پذیرش علت نخستین (خداوند) امکان پذیر است، باور آن‌ها به عدم وجود خدا و در عین حال رو به غایت بودن هستی، باوری متناقض آمیز است. در نتیجه این فیلسوفان از عهده انکار معنای سوم اتفاق به درستی برنیامده‌اند.

۴۷۷- گزینه ۲: نظر این فیلسوفان مورد نقد قرار می‌گیرد، زیرا قبول غایت برای اشیا و پدیده‌های جهان وقتی امکان پذیر است که آن غایت قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد تا اشیا متناسب با آن هدف و آن غایت ساخته شده و پدید آمده باشند. بنابراین، نقد این فیلسوفان در اصل به عدم درک صحیح از لوازم غایت‌مندی اشیا بازمی‌گردد.

۴۷۸- گزینه ۴: قبول غایت برای اشیا و پدیده‌های جهان وقتی امکان پذیر است که آن غایت قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد.

۴۷۹- گزینه ۳: انکار خداوند با پذیرش غایت‌مندی جهان (انکار معنای سوم اتفاق) ناهمخوان است، زیرا بدون قبول خداوند غایت و هدفی برای پدید آمدن اشیا قابل تصور نیست.

دقت شود که پذیرش وجود خداوند با باور به معنای سوم اتفاق نیز ناهمخوان است، اما چنین دیدگاهی درباره معنای سوم اتفاق توسط هیچ گروهی از فلاسفه مطرح نشده است. ظاهراً از نظر کتاب درسی عده‌ای از مردم غیرفیلسوف به چنین تعارضی باور دارند، زیرا کتاب می‌گوید که پذیرش این معنای اتفاق معمولاً (نه همیشه) به انکار خدا می‌انجامد؛ پس ظاهراً گاهی هم افرادی به اتفاق و وجود خدا توأمان باور دارند.

۴۸۰- گزینه ۱: فیلسوفان در زمینه اعتقاد به معنای سوم اتفاق، به سه دسته تقسیم می‌شوند که در ۲ تا ۴ مطرح شده‌اند ولی فیلسوفی نداریم که خدا را بپذیرد و در عین حال به اتفاق به این معنا نیز معتقد باشد. البته ظاهراً طبق متن کتاب درسی عده‌ای از غیرفیلسوفان چنین باورهایی را با هم دارند، زیرا کتاب نمی‌گوید پذیرش اتفاق به این معنا به نفی خدا می‌انجامد، بلکه می‌گوید معمولاً به نفی خدا می‌انجامد.

۴۸۱- گزینه ۲: بین خداواری یا اعتقاد به علت نخستین یا علت بالذات و اعتقاد به هدفمندی جهان یا انکار اتفاق به معنای سوم، رابطه دوطرفه (دوشرطی یا لازم و کافی) برقرار است؛ بنابراین هر کس یک طرف را بپذیرد باید طرف دیگر را نیز بپذیرد و برعکس و نیز هر کس یک طرف را رد کند باید طرف دیگر را هم رد کند و برعکس (رد سایر گزینه‌ها). البته این الزام عقل و منطق است و در عمل، برخی افراد و حتی برخی فیلسوفان به این ملازمه منطقی پایبند نیستند و در عین انکار خدا جهان را هدفمند می‌دانند.

۴۸۲- گزینه ۴: طبق چیزی که تا به حال مشاهده شده است، هر فیلسوفی که خدا یا علت نخستین یا علت بالذات یا آفریدگار جهان را پذیرفته است حتماً اتفاق به معنای سوم را انکار کرده و تحولات جهان را رو به سوی کمال دانسته است. اما فیلسوفانی هم داشته‌ایم که خدا را نپذیرفته‌اند ولی جهان را هدفمند دانسته‌اند (رد ۲). هم چنین از آن جا که طبق متن کتاب درسی، پذیرش اتفاق به معنای سوم معمولاً به نفی خداوند می‌انجامد؛ پس احتمالاً گروهی از مردم غیرفیلسوف هستند که با وجود پذیرش خداوند و کافر نبودن به او، اتفاق به معنای سوم را قبول دارند (رد ۱ و ۳).

۴۸۳- گزینه ۴: در حقیقت رابطه دوطرفه منطقی بین اعتقاد به خدا و اعتقاد به هدفمندی جهان (نفی اتفاق به معنای سوم) برقرار است ولی نظر فیلسوفان در این رابطه متفاوت است و برخی از آنان ملتزم به رابطه بین این دو اعتقاد هستند (رد ۲) و برخی دیگر به این رابطه توجه کافی نداشته‌اند و گمان کرده‌اند می‌توان بدون پذیرش خدا، اتفاق را رد کرد و جهان را غایت‌مند دانست (رد ۱).

۲) برخی فیلسوفان خدا ناباور نیز اتفاق را انکار می‌کنند.

۴۹۰- گزینه ۱ معنای صحیح اتفاق همان معنای چهارم است که ریشه در جهل انسان نسبت به علل و عوامل دارد. چون معلومات افراد درباره عوامل با هم متفاوت است، این معنا از اتفاق برای فردی که مطلع است رخ نمی‌دهد ولی برای فرد بی‌اطلاع اتفاق می‌افتد. مثلاً سؤالات آزمون برای دانش‌آموزی که گمان نمی‌کرده از آن مباحث سؤال طرح شود، اتفاقی و تصادفی است ولی برای طراحی که آن سؤالات را داده، قابل پیش‌بینی است.

۲ باور یا عدم باور به این اصول عامل تحقق این معنا از اتفاق نیست. این اتفاق در اثر جهل به مصادیق این اصول حاصل می‌شود. ۳ قابل پیش‌بینی بودن تابع واقعیت است یعنی اگر پیش‌بینی همان‌طور که مطرح شده در واقعیت رخ دهد، درست بوده و اگر حادثه برخلاف پیش‌بینی‌ها باشد، اتفاقی است؛ پس تصادفی بودن یک حادثه ربطی به نگاه شناسنده آن حادثه ندارد. ۴ تصادفی بودن به معنای اختیارناداشتن برای جلوگیری یا انجام یک حادثه نیست بلکه به معنای غافلگیری و عدم پیش‌بینی نسبت به یک حادثه است.

۴۹۱- گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ ممکن است کاربرد آن‌ها درست باشد، لذا فیلسوف با این پیش‌فرض که همه مفاهیم عامیانه اشتباه هستند پیش نمی‌رود. ۳ این کار لزوماً بر عهده فیلسوف نیست، مگر این‌که واقعاً معانی متعددی باشند که بررسی آن‌ها بر باورهای بنیادی مؤثر باشد. ۴ گاهی یک معنای عامیانه پذیرفته نمی‌شود، مثل اتفاق به سه معنای اول.

۴۹۲- گزینه ۴ تنها معنایی از «اتفاق» که عقلاً مورد قبول است، معنای چهارم است.

۴۹۳- گزینه ۴ برداشت‌هایی که می‌توان از عبارات ذکرشده انجام داد، به این صورت است:

- الف) معلول بر اثر وجود علت**
 ناقصه به وجود آمده است. ۱ نقض ضرورت علت و معلول ۲ تأیید معنای اول اتفاق (رد ۱ و ۲)
- ب) علت تاقه موجود شده**
 و معلول پدید نیامده است. ۱ انکار ضرورت علی و معلولی که یکی از لوازم اصل علیت است. ۲ تأیید معنای اول اتفاق
- پ) با این‌که علت ناقصه**
 موجود شده است، اما معلول پدید نیامده است. ۱ با اصل علیت و لوازمش هیچ تعارضی ندارد. ۲ هیچ‌یک از معانی اتفاق را تأیید نمی‌کند. (رد ۱ و ۳)

تکنیک در این گونه تست‌ها که صورت سؤال چند قسمت دارد و هر کدام در یک قسمت گزینه‌ها بررسی می‌شود بهتر است ابتدا عبارت اول صورت سؤال خوانده شود و بلافاصله قسمت اول چهار گزینه بررسی شود. (با انجام این کار در این سؤال، ۱ و ۲ رد می‌شوند). سپس جمله دوم خوانده شود و قسمت دوم سه گزینه بررسی شوند. (۳ و ۴ هر دو درست‌اند). و نهایتاً جمله سوم در دو گزینه باقی‌مانده بررسی شود (۳ رد و ۴ تأیید می‌شود). این استراتژی حل هم سرعت را بالا می‌برد و هم دقت را.

۴۹۴- گزینه ۳ معنای اول اتفاق که در مقابل ضرورت علت و معلول مطرح می‌شود، مورد پذیرش صریح هیچ فیلسوفی قرار نگرفته است و فیلسوفان معمولاً آن را انکار نیز می‌کنند. توجه کنید که عدم پذیرش به معنای انکار نیست بلکه می‌توان یک معنا از اتفاق را نه پذیرفت و نه انکار کرد. مثلاً هیوم در مورد اصل علیت و اصل وجوب چنین نظری دارد. او می‌گوید ما نمی‌توانیم این دو اصل را بشناسیم؛ پس نمی‌دانیم که واقعاً برقرار هستند یا نه و نباید قاطعانه آن‌ها را رد کنیم یا بپذیریم. از این‌رو هیوم معنای اول اتفاق را نیز نه می‌پذیرد و نه انکار می‌کند.

۴۹۵- گزینه ۴ دسته‌ای از فیلسوفان هستند که در عین انکار خدا، می‌خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند (انکار معنای سوم اتفاق) (رد ۳) اما این دیدگاه قابل نقد و نادرست است (رد ۲) به عبارتی دیگر، دیدگاهی است که می‌خواهد معنای سوم اتفاق را انکار کند، اما به خوبی از عهده‌اش بر نمی‌آید، زیرا شرط لازم برای انکار معنای سوم اتفاق، قبول خداوند است. البته دلیل لازم بودن خداپاوری برای غایت‌مند دانستن جهان لزوماً این نیست که خداوند همان غایت و هدف جهان است، بلکه می‌توان خداوند را تنها هدف‌گذار و تعیین‌کننده غایتی حکیمانه برای جهان دانست و معتقد نبود که جهان در راستای تبدیل شدن به خدا حرکت می‌کند (رد ۱).

۴۹۶- گزینه ۴ منظورمان این است که فرد برخوردکننده با شیشه از وجود شیشه مطلع نبوده و غیرآگاهانه و غیرعمدی با آن برخورد کرده است. این معنا از اتفاق که حاکی از جهل ما نسبت به حوادث است معنای چهارم است که مورد اتفاق همه

فلاسفه، بلکه همه انسان‌هاست (رد ۱). ۲ اتفاق به معنایی که برخی زیست‌شناسان به آن معتقد بودند، معنای سوم اتفاق است که معمولاً به انکار علل‌العلل می‌انجامد. البته ممکن است در برخی تست‌ها معنای دوم اتفاق را هم مورد نظر زیست‌شناسان بدانند. ۳ اتفاق به معنایی که حتمیت را از بین می‌برد، معنای اول اتفاق است که در مقابل وجوب علی و معلولی مطرح می‌شود.

۴۹۷- گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ معنای اول اتفاق، مورد پذیرش هیچ فیلسوفی نیست و غالباً آن را انکار نیز می‌کنند. ۲ معنای دوم اتفاق، مورد انکار بسیاری از فلاسفه است. ۴ معنای چهارم اتفاق، مورد قبول همه است و بی‌ربط به علت هم نیست.

۴۹۸- گزینه ۲ این اشعار انکار معنایی از اتفاق است که وجود غایت‌مندی در حرکات و نظم جهان را انکار می‌کند و معمولاً قائلین آن به علل‌العلل نیز معتقد نیستند. در نظریه بیگ‌بنگ هم همین معنا از اتفاق مورد نظر است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ و ۳ این اشعار در انکار معنایی از اتفاق است نه تأیید. ۴ معنایی که مورد قبول هیچ‌یک از فلاسفه نیست، معنای اول اتفاق، یعنی معنایی که مقابل اصل علیت و وجوب علی است، می‌باشد.

۴۹۹- گزینه ۳ ذوق و قریحه سرودن شعر یکی از علت‌های ناقصه سرودن شعر است. اگر یک علت ناقصه نباشد، پس علت تامه هم نداریم و وقتی علت تامه نداریم، معلول (شعر سروده‌شده) هم نداریم.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ علت ناقصه، معلول را به وجود نمی‌آورد. ۲ علت ناقصه شرط لازم برای وجود معلول هست، اما لازم و کافی نیست. ۴ وقتی علت ناقصه نیست، معلول هم نیست.

۵۰۰- گزینه ۴ در معنای سوم اتفاق، نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان مطرح شده است؛ بدین معنا که این حرکات و نظام‌ها به سمت غایت و هدفی معین پیش نمی‌رود.

پذیرفتن معنای سوم اتفاق، نفی «علت نخستین جهان» و «آفریننده» را به دنبال دارد. دقت کنید در معنای دوم اتفاق تأکید شده است که سختی میان اشیا و آثار آن‌ها نیست و به نفی و انکار اصل سختی پرداخته شده است.

۵۰۱- گزینه ۳ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ در برخی موارد، معلول از مجموعه موارد تشکیل می‌شود و در برخی موارد با یک عامل تشکیل می‌شود. پس علت تامه همیشه مجموعه علت‌های ناقصه نیست. ۲ علت ناقصه وجودبخش نیست. علت تامه وجود می‌بخشد. ۳ اگر علت ناقصه نداشته باشیم، علت تامه هم نداریم، چون علت تامه از کنار هم قرارگرفتن علت‌های ناقصه تشکیل می‌شود و اگر علت تامه نداشته باشیم، معلول هم حتماً نیست. ۴ آن‌چه به معلول وجوب می‌بخشد، علت تامه است.

۵۰۲- گزینه ۲ معنای دوم اتفاق این است که سختی میان اشیا و آثار آن‌ها نیست. چه‌بسا از یک پدیده اثری ظاهر شود که هیچ ربطی به آن ندارد؛ برای مثال حرارت، سبب یخ‌بستن آب و آفتاب، سبب تاریکی شود.

اتفاق به این معنا از نظر بسیاری از فلاسفه از جمله ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبایی و برخی فیلسوفان اروپایی امکان‌پذیر نیست، زیرا قبول این معنای اتفاق، نفی اصل سختی میان علت و معلول را به دنبال دارد. آنان می‌گویند اگر کسی واقعاً اصل سختی میان علت و معلول را انکار کند و پدیدآمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری دست نخواهد زد. علاوه بر این، چنین فردی نمی‌تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد. در حقیقت بی‌اعتباری اصل سختی، بی‌اعتباری همه علوم و بی‌اعتنایی به آن‌ها را به دنبال دارد. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ بیانگر معنای اول اتفاق یا همان انکار اصل علیت یا ضرورت علی است. ۳ بیانگر معنای سوم اتفاق یا همان انکار غایت‌مندی جهان است. ۴ بیانگر معنای چهارم اتفاق است.

۵۰۳- گزینه ۲ این بیت می‌گوید آن‌چه اتفاق افتاده، برخلاف آن انتظاری بوده که از عوامل مورد نظر می‌رفته است؛ زیرا انتظار داشتیم که سکنجبین به درمان صفا کمک کند، اما آن را تشدید کرد و این نفی سختی بین علت و معلول را تداعی می‌کند، چراکه نفی انتظار آثار متناسب است؛ پس مربوط به معنای دوم اتفاق است.

۵۰۴- گزینه ۱ فلاسفه معتقدند اگر کسی واقعاً اصل سختی را انکار کند (یعنی معنای دوم اتفاق را بپذیرد)، نباید هیچ کاری انجام بدهد. (چون نتیجه هیچ کاری معلوم نیست).

بنابراین هر کس که کاری انجام دهد (هر کاری) به معنای قبول اصل سختی و انکار معنای دوم اتفاق است. دقت کنید انکار اصل سختی که همان معنای دوم اتفاق است، منجر به انکار نظم جهان و بی‌اعتباری همه علوم می‌شود.

۵۱۶- گزینه ۴: نظریه دموکریتوس قطعاً معنای سوم اتفاق که در مقابل هدمندی زنجیره حوادث است را انکار می‌کند و معنایی که اثبات یا نفی آن نیازمند دقت و تأمل بیشتر است، همین معنای اتفاق است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ آن معنای اتفاق که بی‌اعتباری همه علوم را در پی دارد، معنای دوم اتفاق است که در مقابل سختیت بود. ۲ معنایی که در مقابل سختیت است (معنای دوم) و هم‌چنین معنایی که معمولاً با انکار خدا همراه است (معنای سوم) مورد انکار برخی فیلسوفان اروپایی است، اما فقط معنای سوم قطعاً مورد نظر دموکریتوس بود. ۳ معنایی که با لوازم علت در تعارض است معنای اول، دوم و سوم اتفاق است، ولی نظریه دموکریتوس با معنای اول در تعارض نیست و تعارض آن با معنای دوم هم امری قطعی نیست و مورد اختلاف است.

۵۱۷- گزینه ۱: معنای چهارم اتفاق نسبت به کسانی که از حادثه‌ای مطلع نیستند، تعریف می‌شود، پس نسبی است. این معنا تناقضی با علت و فروع آن ندارد. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ معنای اول است. ۳ معنای سوم است. ۴ معنای دوم است.

۵۱۸- گزینه ۲: کسی که واقعاً اصل سختیت را انکار کند یعنی معنای دوم اتفاق را بپذیرد، نمی‌تواند امکان پژوهش‌های علمی را بپذیرد، زیرا این پژوهش‌ها به دنبال علت خاص یک پدیده یا معلول ویژه آن هستند؛ بنابراین تشویق به تحقیق، مستلزم انکار معنای دوم اتفاق است.

۱ ممکن است این فرد هدمندبودن جهان را انکار کند. توجه کنید که هدمندبودن پژوهش‌های علمی جزئی، در نزد برخی فیلسوفان با بی‌هدفی کل حرکات جهان سازگار است. ۲ پذیرش معنای اول اتفاق یعنی انکار رابطه ضروری میان علت و معلول، موجب می‌شود انسان از هیچ علتی توقع هیچ معلولی را نداشته باشد و طبعاً از هیچ پژوهشی هم توقع مصداق‌یابی علت و معلول را نداشته باشد و کسی را به پژوهش دعوت نکند. ۴ معنای چهارم اتفاق ربطی به تشویق به پژوهش ندارد.

۵۱۹- گزینه ۲: در نظریه مه‌بانگ بیان دانشمندان به گونه‌ای است که برخی تصور می‌کنند پیدایش جهان بدون علت بوده است؛ بنابراین معنای اول اتفاق به معنای نقض علت از این نظریه به ذهن متبادر می‌شود. اگر علت نقض شود، سختیت نیز که از فروع آن است، نقض می‌شود (معنای دوم اتفاق). هم‌چنین وقتی هیچ علتی جهان را به وجود نیاورده باشد، طبعاً برای این جهان یک غایت از پیش‌معین هم نبوده است (معنای سوم) و پیدایش جهان، قابل پیش‌بینی هم نبوده است (معنای چهارم). ۱ و ۳ نظریه دموکریتوس و نظریه زیست‌شناسان، معنای اول اتفاق را به ذهن نمی‌آورد، زیرا نمی‌گویند عناصر یا انواع جانداران بی‌علت به وجود آمده‌اند بلکه نوعی حرکات یا تحولات تصادفی را علت می‌دانند. این دیدگاه‌ها اولاً معنای سوم و چهارم و سپس معنای دوم اتفاق را به ذهن می‌آورند. ۴ این دیدگاه درصد نقض معنای سوم اتفاق است ولی چون وجود خداوند را نمی‌پذیرد، دچار تناقض می‌شود؛ پس این معنا از اتفاق را به ذهن نمی‌آورد.

۵۲۰- گزینه ۴: معنای اول اتفاق به معنای نفی رابطه ضروری میان علت و معلول است که به انکار اصل علت می‌انجامد. (ظاهراً از نظر کتاب درسی انکار اصل وجوب علی نیز به انکار اصل علت منجر می‌شود). اگر علت رد شود، اصل سختیت نیز به عنوان یکی از فروع آن نفی خواهد شد و علت‌العلل نیز به عنوان مصداق آن قابل پذیرش نخواهد بود و این یعنی معنای دوم و سوم اتفاق هم رخ می‌دهند. هم‌چنین اگر حادثه بی‌علت رخ دهد حتماً قابل پیش‌بینی نیز نخواهد بود و معنای چهارم اتفاق محقق خواهد شد. اما پذیرش معنای دوم اتفاق به نقض اصل سختیت می‌انجامد که اگرچه معنای سوم و چهارم اتفاق را در پی دارد ولی معنای اول را الزامی نمی‌کند، زیرا سختیت فرع بر علت است و می‌توان علت را بدون سختیت نیز پذیرفت (رد ۲ و ۳).

معنای چهارم اتفاق یعنی وقوع حادثه پیش‌بینی نشده. هر کدام از دیگر معانی اتفاق که رخ بدهند، حتماً منجر به پیش‌بینی‌ناپذیری هم می‌شوند. مثلاً اگر معنای اول رخ دهد، رابطه ضروری بین علت و معلول نقض می‌شود و نمی‌شود پیش‌بینی کرد که چه زمانی معلول ایجاد می‌شود یا چه زمانی ایجاد نمی‌شود. هم‌چنین معنای دوم، نقض سختیت است که منجر می‌شود که نتوانیم پیش‌بینی کنیم چه علتی چه معلولی را ایجاد می‌کند و چه معلولی از چه علتی پدید می‌آید. معنای سوم اتفاق هم کلیت حرکات جهان را بی‌هدف و بدون غایت و لذا غیر قابل پیش‌بینی نشان می‌دهد. این در حالی است که اگر معنای چهارم اتفاق را بپذیریم، لازم نیست هیچ‌کدام از دیگر معانی از جمله معنای سوم را قبول کنیم (رد ۱).

۵۲۱- گزینه ۲: توجه: مقصود از «شرط کافی» و «شرط لازم» همواره معانی منطقی آن‌هاست؛ یعنی «شرط کافی» به معنای «دلیل تام و کافی» و «شرط لازم» به معنای «لازمه عقلی و منطقی» است؛ بنابراین معنای فلسفی «شرط» که همان «علت ناقصه» یا «زمینه لازم» برای ایجاد چیزی است، هیچ‌گاه با تعبیر «شرط لازم» یا «کافی» بیان نمی‌شود.

۵۰۵- گزینه ۲: دسته‌ای از فیلسوفان هستند که در عین انکار خداوند، می‌خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند و بگویند که جهان به سمت یک غایت برتر در حرکت است و روزبه‌روز کامل‌تر می‌شود و به غایت خود نزدیک‌تر می‌گردد؛ اما نظر این فیلسوفان مورد نقد قرار گرفته است، زیرا قبول غایت برای اشیا و پدیده‌های جهان وقتی امکان‌پذیر است که آن غایت، قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد تا اشیا، متناسب با آن هدف و آن غایت ساخته شده و پدید آمده باشند؛ در آن صورت می‌توانند به سوی آن هدف حرکت نمایند و تکامل یابند و چنین غایت و هدفی، بدون قبول خداوند امکان‌پذیر نیست. بنابراین ۲ و ۳ درست‌اند ولی توضیح کامل‌تر و مناسب‌تر است.

۵۰۶- گزینه ۲: هر دو مصراع به سختیت بین عمل و نتیجه اشاره دارد و بر نفی معنای دوم اتفاق (انکار سختیت) تأکید می‌کند.

۵۰۷- گزینه ۲: **بررسی عبارت‌ها:** ت عبارت «که با گردنده (معلول) گرداننده‌ای (علت) هست» به علت اشاره دارد و نفی علت بیانگر معنای اول اتفاق است. پ این گزینه به سختیت علت و معلول اشاره دارد، زیرا اصل سختیت مبنای تمام تحقیقات علمی دانشمندان است و نفی سختیت بیانگر معنای دوم اتفاق است. الف این گزینه بیانگر معنای سوم اتفاق و نفی غایت‌مندی علت و معلول است؛ زیرا غایت‌مندی با وجود آفریدگار آگاه در تناقض است. ب بیانگر معنای چهارم است که ناشی از نبود آگاهی است و با اصول عقلی در تناقض نیست.

۵۰۸- گزینه ۳: علتی که او برای حرکت ماشین فراهم کرده بوده یک علت ناقصه بوده اما او آن را علت تامه در نظر گرفته و حرکت‌نکردن ماشین را امری اتفاقی دانسته. (معنای اول اتفاق)

دقت کنید که هیچ فیلسوفی معنای اول اتفاق را نمی‌پذیرد، اما برخی مردم عادی به دلیل اشتباه‌گرفتن علت تامه و ناقصه به جای هم، معنای اول اتفاق را قبول می‌کنند.

۵۰۹- گزینه ۲: اگر کسی واقعاً اصل سختیت میان علت و معلول را انکار کند (قبول معنای دوم اتفاق) و پدیدآمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری دست نخواهد زد؛ مثلاً نمی‌تواند برای رفع تشنگی آب بپاشد، زیرا میان آب و رفع تشنگی رابطه‌ای مشاهده نمی‌کند.

۵۱۰- گزینه ۲: هر علتی، معلول خاص خود را دارد. سختیت علت و معلول از هر علتی، هر معلولی ممکن است صادر شود. انکار سختیت علت و معلول تأیید معنای دوم اتفاق که از نتایج آن عدم اقدام به کاری است.

۵۱۱- گزینه ۳: کسی که چنین امیدی دارد، در واقع ضرورت علی را رد می‌کند، زیرا معتقد است با وجود علت ممکن است معلول صادر نشود، اما لزومی ندارد که به علت‌العلل قائل نباشد.

۵۱۲- گزینه ۴: **بررسی عبارت‌ها:** الف اعتقاد به معنای چهارم اتفاق با اصل علت و لوازم آن مخالف نیست. ب این دو عبارت برابر و تأییدکننده یکدیگر هستند (انکار ضرورت = تأیید معنای اول اتفاق) پ تعارض دارند، زیرا پدیدآمدن هر چیز از هر چیز، انکار سختیت است نه تأیید آن. ت پذیرش غایت‌مندی برای جهان هستی، تنها با قبول آفریننده امکان‌پذیر است؛ بنابراین دو عبارت با یکدیگر تعارض دارند. ۵ دو عبارت تعارض دارند، زیرا موافقت با اصل علت و لوازمش = انکار معنای اول و دوم اتفاق

۵۱۳- گزینه ۲: اگر علت تأمه باشد، قطعاً معلول صادر می‌شود و این از نظر فلاسفه استثنائی ندارد. البته در برخی موارد که ابتدا به نظر می‌رسد علت تأمه است، ممکن است علت تأمه حقیقی از عوامل متعددی تشکیل شده باشد که برخی از آن عوامل هنوز حضور ندارند. گاهی برخی از این عوامل که علت‌های ناقصه هستند برای ما آشکار نیستند؛ مثلاً در این مورد ممکن است علت روشن‌نشدن ماشین، عامل دیگری، مثل نبود بنزین در باک باشد که ابتدائاً به ذهن ما نرسیده است.

۵۱۴- گزینه ۴: معنایی که بیشتر مورد اختلاف است همان معنای مقابل هدمندی حوادث است (معنای سوم)، اما فردی نمی‌تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده‌ها دعوت کند که معنای دوم اتفاق را که در مقابل سختیت است، پذیرفته باشد. ۳ درست است که برخی، مثل داروین خداپاوار هستند و این معنا از اتفاق را هم قبول دارند، ولی اینان اگر به لوازم اصل علت توجه داشته باشند، اتفاق به معنای سوم را مستلزم انکار علت‌العلل خواهند دانست.

۵۱۵- گزینه ۲: **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ جداسازی از اصطلاحات تخصصی لزومی ندارد. گاهی اصطلاح تخصصی همان معنای عمیق اصطلاح عامیانه است. ۳ لزوماً کاربرد عامیانه مفاهیم نادرست نیست که فیلسوف به دنبال بسیاری از مبانی نادرست یا غیردقیق آن باشد. هم‌چنین فیلسوف قصد ندارد مردم را دعوت به بازنگری در هر مبانی، حتی مبانی سخنان درست‌شان کند. دقت فلسفی در همه انواع سخن، کار تخصصی خود فیلسوف است، نه مردم. ۴ پیداکردن مصادیق، وظیفه فیلسوف نیست.

اگر علت ضرورت بخش (علت تامه) از مجموعه‌ای از عوامل تشکیل شده باشد (که در علل طبیعی همواره همین گونه است)، به هر یک از آن عوامل علت ناقصه می‌گویند؛ بنابراین در صورت وجود علت تامه، همه علت‌های ناقصه هم حتماً موجودند و این یعنی علت تامه شرط کافی برای وجود علت ناقصه است و علت ناقصه شرط لازم برای وجود علت تامه (رد ۱ و ۴). اما ممکن است در عین این که برخی از علت‌های ناقصه موجودند، علت تامه موجود نباشد. لذا علت تامه شرط لازم برای علت ناقصه نیست (رد ۳).

نکته: در امور طبیعی که علت تامه از مجموعه‌ای از عوامل تشکیل شده است، هرگاه علت تامه باشد، علت ناقصه و نیز معلول هم هست؛ پس علت تامه شرط کافی برای علت ناقصه و معلول است.

هرگاه علت تامه نباشد، علت ناقصه می‌تواند باشد یا نباشد ولی معلول نیست؛ پس علت تامه شرط لازم برای علت ناقصه نیست ولی شرط لازم برای معلول هست.

هرگاه علت ناقصه باشد، علت تامه و معلول می‌توانند باشند یا نباشند؛ پس علت ناقصه شرط کافی برای علت تامه و معلول نیست.

هرگاه علت ناقصه نباشد، علت تامه و معلول هم نخواهند بود؛ پس علت ناقصه شرط لازم برای علت تامه و معلول است.

هرگاه معلول باشد، علت تامه و علت ناقصه هم هستند؛ پس معلول شرط کافی برای علت تامه و علت ناقصه است.

هرگاه معلول نباشد، علت تامه هم نخواهد بود ولی علت ناقصه می‌تواند باشد یا نباشد؛ پس معلول شرط لازم برای علت تامه است ولی شرط لازم برای علت ناقصه نیست.

توجه: بچه‌ها لازم نیست این گزاره‌ها رو حفظ کنید. اگر معنای علت تامه و علت ناقصه و قاعده‌های علیت و ضرورت بخشی میان علت و معلول رو فهمیده باشید، کافیه فرض این گزاره‌ها رو تصور کنید تا حکمشون رو متوجه بشید!

۵۲۲- گزینه ۱: خود نظریه مه‌بانگ اشکال عقلی ندارد به شرط آن که انفجار اولیه را از هیچ و بی‌هدف ندانیم بلکه آن را ایجادشده به دست یک خالق حکیم و براساس طرح از پیش معین او برای شروع خلقت جهان در نظر بگیریم. اما بیان برخی دانشمندان از این نظریه به گونه‌ای است که اتفاقی و بی‌علت بودن آن را به ذهن می‌آورد و چنین چیزی معقول نیست.

۵۲۳- گزینه ۲: در حقیقت رابطه دوطرفه منطقی بین اعتقاد به خدا و اعتقاد به هدفمندی جهان (نفی اتفاق به معنای سوم) برقرار است (رد ۱) ولی برخی فیلسوفان به این رابطه توجه کافی نداشته‌اند و گمان کرده‌اند می‌توان بدون پذیرش خدا، اتفاق را رد کرد و جهان را غایتمند دانست.

درست است که برخی فیلسوفان بی‌اعتقاد به خدا، اتفاق را نپذیرفته‌اند ولی نظر آنان نقد شده و معلوم شده است که دچار مغالطه شده‌اند و در حقیقت بی‌اعتقادی به خدا لزوماً پذیرش اتفاق را نتیجه می‌دهد. طبق گزارش کتاب درسی، هیچ فیلسوفی این دیدگاه را قبول نکرده است که خداوند وجود داشته باشد ولی فعلش عبث و بیهوده باشد.

۵۲۴- گزینه ۳: همه فیلسوفان وجود برخی فرایندهای تکاملی جزئی در جهان را قبول دارند. مثلاً هیچ فیلسوفی فرایند تکاملی رشد جنین یا رشد گیاه را انکار نمی‌کند و فیلسوفانی که نظریه داروین را قبول دارند همگی تکامل در تحول تدریجی انواع جانداران را قبول دارند ولی برخی از آنان این فرایندهای تکاملی را تصادفی و اتفاقی می‌دانند؛ یعنی معتقدند این تحولات هدفمند و از پیش معین نبوده بلکه کاملاً تصادفی بوده است ولی طبیعت موجودات حاصل از تحولات غیرتکاملی را منقرض کرده و فقط موجودات تصادفاً تکامل یافته را باقی گذاشته است و به این ترتیب تکامل تصادفی رخ داده است. بنابراین حتی فیلسوفانی که اتفاق به معنای سوم را می‌پذیرند و خدا را انکار می‌کنند نیز وجود فرایندهای تکاملی را انکار نمی‌کنند (رد ۱ و ۲). فیلسوفان خدا‌باور که معنای سوم اتفاق را رد می‌کنند، تصادفی بودن فرایندهای تکاملی را محال می‌دانند.

۵۲۵- گزینه ۳: استدلال کتاب درسی چنین است: قبول غایت برای اشیا و پدیده‌های جهان وقتی امکان پذیر است که آن غایت، قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد تا اشیا، متناسب (هم‌سنخ) با آن هدف و آن غایت ساخته شده و پدید آمده باشند. در آن صورت می‌تواند به سوی آن هدف حرکت نمایند و تکامل یابند و چنین غایت و هدفی بدون قبول خداوند امکان پذیر نیست.

اگر جهان ذاتاً و به صورت جبری به سوی کمال حرکت کند هم معنای سوم اتفاق رد شده است و نیازی به هدایتگری یک فاعل مختار نیست. مگر این که احتمال حرکت کمالی جبری عقلاً رد شود ولی چنین چیزی در این استدلال دیده نمی‌شود. پیش‌بینی ناپذیری مربوط به معنای چهارم اتفاق است و به معنای بدون غایت بودن نیست. این استدلال دوری و مصادره به مطلوب است، چون در مقدمات آن لزوم پذیرش خداوند برای قبول غایت جهان فرض شده است در حالی که این همان مطلبی است که می‌خواهیم آن را اثبات کنیم.

۵۲۶- گزینه ۴: در تست‌های دوقسمتی که سؤال برای هر قسمت خواسته متفاوتی دارد، بهتر است ابتدا قسمت اول چهار گزینه بررسی شود سپس قسمت دومشان؛ بنابراین ابتدا به قسمت اول گزینه‌ها می‌پردازیم:

۱ با پذیرش معنای دوم اتفاق، اصل سنخیت نقض می‌شود و این فرد نمی‌تواند به هیچ کاری دست بزند. درست است. ۲ درست است. ۳ ارتباط بین امور نتیجه اصل علیت است، نه سنخیت؛ بنابراین با پذیرش معنای دوم اتفاق نیز می‌توان هم‌چنان نوعی ارتباط نامعین بین برخی امور و علت‌هایشان قائل بود. درست است. ۴ درست است. بررسی قسمت دوم گزینه‌ها:

۱ درست است. ۲ بی‌هدفی حرکات جهان کلیت زندگی را بی‌معنا و بی‌هدف می‌کند ولی این طور نیست که همه کارهای جزئی را نیز بی‌هدف کند. مثلاً فردی که جهان را بی‌هدف می‌داند هم‌چنان می‌تواند با هدف لذت بردن موقت، به تفریح بپردازد. ۳ و ۴ درست‌اند.

۵۲۷- گزینه ۲: در نظریه دموکریتوس و زیست‌شناسان معنای سوم و چهارم اتفاق قطعی هستند و کتاب راهنمای معلم، معنای دوم را نیز نتیجه همین دو نظریه دانسته است. ۱ معنای اول در این نظریه مورد نظر نیست. ۲ و ۴ نظریه مه‌بانگ به خودی خود مستلزم پذیرش هیچ یک از انواع متمنع اتفاق نیست ولی بیان نادرست از آن می‌تواند هر چهار معنای اتفاق را به ذهن بیاورد (حتی معنای اول).

۵۲۸- گزینه ۱: صرف مشترک لفظی بودن باعث نمی‌شود فیلسوف به بررسی یک مفهوم بپردازد؛ زیرا این کاری است که در سایر علوم هم می‌تواند انجام شود و نیازی به بررسی‌های قانونمند عقلی و فلسفی ندارد. اما فیلسوف وظیفه دارد در مفاهیم عامیانه یا مفاهیم رایج در علوم دقت کند تا در صورت لزوم آن‌ها را نقد و تصحیح کند یا تعمیق ببخشد.

۵۲۹- گزینه ۳: اگر سنخیت میان اجزای عالم طبیعت نباشد، امکان دارد که از هر علتی هر معلولی صادر شود.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ نمی‌توانیم بگوییم حتماً با یک نگاه همه‌جا آتش می‌گیرد، زیرا در این صورت هم برای علت خاصی معلولی خاص قائل شده‌ایم. ۲ نبود سنخیت به طور مستقیم باعث نبود ضرورت نمی‌شود. ۴ اگر سنخیت نباشد، نظم عالم به هم می‌خورد.

۵۳۰- گزینه ۱: اگر کسی واقعاً اصل سنخیت میان علت و معلول را انکار کند، به هیچ کاری دست نخواهد زد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ این فرد، اگرچه کارش اشتباه است، اما چون تا حدی تلاش کرده، پس به سنخیت میان تلاشش با نتیجه دلخواش معتقد بوده است و نمی‌توان او را منکر سنخیت دانست. ۳ چنین فردی در وجوب علی و معلولی مشکل دارد، نه در سنخیت میان علت و معلول؛ چرا که علی‌رغم فراهم شدن علت تامه، از روی دادن معلول اطمینان ندارد. ۴ قائل بودن به امکان حوادث پیش‌بینی نشده، نافی هیچ کدام از اصول و قواعد علیت نیست.

۵۳۱- گزینه ۲: نقد بر دیدگاه فیلسوفانی که در عین انکار خداوند می‌خواهند برای جهان و انسان هدف تعیین کنند این است که قبول غایت وقتی امکان پذیر است که آن غایت قبل از پیدایش اشیا مشخص باشد و چنین غایتی بدون قبول خدا امکان پذیر نیست. حال اگر بپذیریم که غایت‌مندی اشیا نیازی به مشخص بودن غایت پیش از پیدایش اشیا ندارد، دیگر تقدیم وارد نخواهد بود.

۱ دلایل اثبات وجود خدا بسیارند و برخی از آنان ربطی به معنای سوم اتفاق ندارند. ۳ غایت باید از پیش معلوم باشد ولی از پیش معلوم بودن ذاتی آن نیست که بگوییم اگر نبود، اصلاً غایت نیست. در این فرض می‌توان خدا و غایت‌مندی جهان را پذیرفت یا هر دو را رد کرد یا فقط یکی را پذیرفت.

۵۳۲- گزینه ۴: **بررسی سایر گزینه‌ها:** در مقام عمل همگان همیشه اتفاق به معنای دوم را انکار می‌کنند، زیرا در غیر این صورت هیچ اقدامی نمی‌تواند صورت بگیرد (رد ۲). بنابراین استدلال برای اثبات آن عملکرد کسی را تغییر نخواهد داد. ۱ عده‌ای از فیلسوفان اروپایی اتفاق به معنای دوم را قبول دارند. ۳ برخی از فیلسوفان اروپایی طرفدار علم، این معنا از اتفاق را قبول دارند، ولی دلیل منکران اتفاق این است که از لوازم باور شما ابطال همه علوم است.

۵۳۳- گزینه ۲: این افراد همه حوادث را دارای غایت معین می‌دانند، هرچند انسان از کشف این غایات ناتوان باشد (رد ۱ و ۴). هدفمندی امور نتیجه مستقیم اصل سنخیت نیست و آلا در معنای دوم اتفاق بررسی می‌شد (رد ۳).

۵۳۴- گزینه ۳: **بررسی سایر گزینه‌ها:** گاهی کسانی که علل‌علل (علت بالذات) را قبول ندارند در اثر عدم دقت به لزوم وجود علل‌علل برای اثبات هدفمندی جهان، با دلایلی نادرست، هدفمندی جهان را اثبات می‌کنند و به آن معتقد می‌شوند. (رد ۲). ۱ هدفمندی در همه امور جهان برقرار است. ۴ چنین کسی طبق همین اصولی که به آن معتقد است، عقلاً نمی‌تواند هدفمندی امور عالم را رد کند.

توجه: نباید حادثه از پیش نامعین (معنای سوم اتفاق) را با حادثه پیش‌بینی‌نشده (معنای چهارم اتفاق) اشتباه بگیرد.

نظریه دموکریستوس معنای سوم اتفاق و شاید معنای دوم را به ذهن بیاورد ولی قطعاً به معنای اول ربطی ندارد. نظریه مبنایک به طور قطعی هیچ‌کدام از معانی ممتنع اتفاق را در پی ندارد بلکه تنها بیان برخی از افراد از این نظریه به گونه‌ای است که تصور اتفاقی بودن (به یکی از معانی ممتنع) را به ذهن می‌آورد. بیشترین معنایی که بیان برخی افراد از این نظریه، ممکن است به ذهن بیاورد، معنای سوم است و برخی معنای اول و دوم را هم از آن برداشت کرده‌اند.

گزینه ۳۹: اگر عامل مؤثری خارج از عوامل شناخته‌شده انسان و بیرون از تسلط او باشد، می‌تواند تعبیر به «شانس» شود. این معنا با هیچ‌یک از اصول و لوازم اصل علیت تضادی ندارد ولی تضادداشتن آن با این امور برای شانس نامیده‌شدنش کافی نیست، زیرا عوامل معین زیادی هستند که این‌گونه‌اند و معمولاً شانس نامیده نمی‌شوند (رد ۱). هر رخدادی اثر قطعی خود را دارد، حتی اگر شانس نامیده شود. تأثیر ماوراءالطبیعه به نحو غیرمحسوس، لزوماً ناشناختی نیست بلکه صرفاً با حس نمی‌توان به آن نزدیک شد و صرف این‌که امری نامحسوس باشد برای شانس نامیده‌شدنش کفایت نمی‌کند، مثلاً اراده خداوند بر مجازات یک فرد در دنیا، امری ماوراءالطبیعی متناسب با رفتار خود اوست و بدشانشی محسوب نمی‌شود.

گزینه ۲۹: معنای سوم اتفاق به نحو خاص، منادی بی‌هدفی و بدون غایت بودن و از پیش معین‌نبودن حرکات جهان است ولی این از پیش نامعین‌بودن می‌تواند معلول معنای اول یا دوم اتفاق هم باشد و در این صورت لازمه خاص معنای سوم نخواهد بود. مثلاً اگر بین علت و معلول رابطه ضروری برقرار نباشد، نمی‌توان انتظار داشت ساختار جهان ضرورتاً رو به سوی غایت معینی پیش برود بلکه گاهی ممکن است تصادفاً متوقف شود. این معنا در دیده می‌شود، زیرا گاهی دو عدد «۳» به طور ناگهانی و بدون اضافه‌شدن هیچ عامل دیگری، علت تامة ایجاد «۶» هستند و گاهی از آن‌ها «۶» ایجاد نمی‌شود و این یعنی از علت تامة، معلول حاصل نشده و معنای اول اتفاق رخ داده است (رد ۴). هم‌چنین گاهی معنای سوم اتفاق، معلول معنای دوم است؛ یعنی در اثر نقض سنخیت میان علت و معلول، جهان هدفمندی خود را از دست می‌دهد. این معنا در دیده می‌شود، زیرا در این فرضیه، آب به عنوان عنصر اولیه تناسبی برای تبدیل شدن به موجودات معین ندارد و عملاً از آن هر موجودی می‌تواند پدید آید و این نقض سنخیت است (رد ۱).

اما چرخه‌ای بودن نظام جهان و تبدیل آتش به موجودات و دوباره بازگشتن به حالت آتش اولیه و از نو تبدیل شدن به موجودات و ادامه بی‌پایان این چرخه، اگرچه بی‌هدفی نظام جهان را نشان می‌دهد ولی نه نقض ضرورت میان علت و معلول است و نه نقض سنخیت میان آن‌ها.

توجه داشته باشید که در اصلاً حرکتی رخ نمی‌دهد که بخواهد بی‌هدف و بدون غایت باشد؛ بنابراین امکان رخ‌دادن معنای سوم اتفاق منتفی است.

گزینه ۱۹: وابستگی معلول به علت به نحوی از انحاء در واقع همان شرط لازم است؛ زیرا در رابطه علیت دو نحو وابستگی بیشتر نداریم؛ یکی لازم و دیگری لازم و کافی. پس هر دو نحو، شرط لازم را در بر دارد. شرط لازم در مورد علت ناقصه صادق است. هم‌چنین علتی که هستی را رقم می‌زند علت تافته است.

گزینه ۲۹: برخی شانس را عامل موفقیت یا عدم موفقیت می‌دانند و معتقدند که شانس برخی از افراد بیشتر و شانس بعضی دیگر کم‌تر است، این یعنی در نگاه آنان، شانس عاملی خارج از قانون علیت است که بر روند امور یک شخص تأثیر می‌گذارد. مقصود از عاملی خارج از قانون علیت، نقض شدن خود اصل علیت یا فروع آن یعنی اصل سنخیت یا اصل وجوب علی و معلولی است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ و ۳ به نفی سنخیت یا وجوب علی پرداخته‌اند لذا هر کدام نوع خاصی از شانس را تبیین می‌کند ولی همه اقسام آن را توضیح نمی‌دهد؛ پس تحلیل مناسب‌تر همان ۲ است. ربطی به شانس ندارد.

گزینه ۱۹: این مصرع، نتیجه «بدی» را «آفات» معرفی می‌کند. یعنی می‌خواهد بگوید علت خاص (بدی) معلول خاصی (آفات) هم در پی دارد. پس اتفاق به معنای نفی اصل سنخیت را رد می‌کند (رد سایر گزینه‌ها).

گزینه ۳۹: اگر فیلسوفی معتقد باشد اصل سنخیت تجربی است، نمی‌تواند این اصل را به موارد تجربه‌نشده تعمیم دهد؛ بنابراین همواره ممکن است در برخی حوادث ناشناخته سنخیت نقض شود و معنای دوم اتفاق تحقق پیدا کند؛ پس چنین فیلسوفی نمی‌تواند این معنا از اتفاق را در حوادث بعدی، غیرممکن بداند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ علت ناقصه به معلول وجوب بالغیر نمی‌دهد و آن را در حالت امکانی خود باقی می‌گذارد. این تنها علت تامة است که ضرورت‌بخش است.

گزینه ۲۹: عدم آگاهی از تامة‌بودن علت، سبب می‌شود توقع ایجاد معلول را نداشته باشیم و وقتی معلول ایجاد شد گمان کنیم بی‌علت ایجاد شده است. این یعنی نقض اصل علیت. از طرفی عدم آگاهی از ناقصه‌بودن علت، سبب می‌شود توقع نداشته باشیم از علت، معلول صادر نشود و وقتی نشد گمان می‌کنیم علت هست ولی معلول ایجاد نشده است و این نقض قاعده وجوب‌بخشی علت به معلول است، نه نقض اصل علیت (رد ۱). آن دسته از فیلسوفان که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند، غایت‌مندی زنجیره حوادث را نیز انکار می‌کنند و حتی وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی به حساب می‌آورند که از پیش تعیین شده نبوده است. اتفاق به معنای چهارم یعنی رخ‌دادن حادثه پیش‌بینی‌نشده، نه از پیش نامعین. اگر حوادث از پیش تعیین‌شده نباشند اتفاق به معنای سوم رخ داده است.

گزینه ۱۹: قبول غایت برای اشیا و پدیده‌های جهان وقتی امکان‌پذیر است که آن غایت، قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد تا اشیا، متناسب با آن هدف و آن غایت ساخته شده و پدید آمده باشند تا به سوی آن حرکت نمایند و تکامل یابند و چنین غایت و هدفی، بدون قبول خداوند امکان‌پذیر نیست، زیرا کسی باید باشد که قبل از پیدایش، طراحی دقیقی انجام داده باشد. این استدلال می‌گوید وجود آفریدگار مستلزم غایت‌مندی حوادث است، نه برعکس. وجود فرایندهای تکاملی مورد انکار فیلسوفان منکر خدا هم نیست. این دسته از فیلسوفان معتقدند تکامل اتفاقی رخ می‌دهد و چون موجود متکامل با محیط سازگارتر است باقی می‌ماند و موجودات غیرمتکامل از بین می‌روند و لذا بعد از مدتی می‌بینیم فقط فرایندهای تکاملی هم‌چنان ادامه دارند و بقیه از بین رفته‌اند. البته این‌که هر تغییر و تحولی در عالم رو به کمال باشد، با اتفاقی بودن سازگار نیست. سؤال اصلی همین بوده که چرا علت غایت‌مندی فقط آفریدگار است و در پاسخ همین ادعا به نحوی تکرار شده است، لذا استدلال دوری و مصادره به مطلوب است.

گزینه ۲۹: این دانش آموز فکر می‌کند علت تامة برای موفقیت در آزمون را فراهم کرده است ولی معلول که موفقیت در آزمون است حاصل نمی‌شود و این امر را به بدشانشی نسبت می‌دهد. این در حالی است که در واقع او به همه اجزای علت تامة آگاه نیست و از علت ناقصه توقع ایجاد معلول را دارد و این یعنی توهم نقض قاعده وجوب علی و معلولی (نه اصل علیت) که منجر به اتفاق به معنای اول می‌شود (رد ۱ و ۳). رخ‌دادن حوادث پیش‌بینی‌نشده معنای چهارم اتفاق است که ربطی به نقض قاعده وجوب ندارد.

گزینه ۲۹: کسی که واقعاً اصل سنخیت را انکار کند یعنی معنای دوم اتفاق را بپذیرد، نباید دست به هیچ کاری بزند. انکار معنای اول اتفاق است که هیچ فیلسوفی به طور صریح آن را قبول ندارد. معنای چهارم اتفاق است که همه مردم قبولش دارند. ممکن است این فیلسوف هدفمندبودن جهان را انکار کند. توجه کنید که هدفمندبودن در زندگی شخصی در نزد برخی فیلسوفان با هدفمندنبودن کل حرکات جهان سازگار است.

گزینه ۴۹: علت تامة باید باشد تا معلول وجود داشته باشد؛ پس شرط لازم است. از طرفی علت تامة ضرورتاً معلول را ایجاد می‌کند و نیازی به شرط دیگری نیست؛ پس علت تامة شرط کافی هم هست. اما علت ناقصه در صورت وجود، معلول را ایجاد نمی‌کند، نه بخشی از آن را و نه تمام آن را (رد ۱). پس شرط کافی نیست ولی اگر علت مجموعه‌ای از عوامل باشد حتماً تک‌تک آن عوامل یعنی علت‌های ناقصه برای وجود معلول ضروری هستند؛ پس علت ناقصه در صورت وجود، شرط لازم برای وجود معلول است. اما گاهی علت از مجموعه‌ای از عوامل تشکیل نشده است (مثال بارز آن ذات خداوند است) و در این صورت ما علت تامة‌ای داریم که از علت‌های ناقصه تشکیل نشده است؛ پس ممکن است علت تامة داشته باشیم ولی علت ناقصه‌ای ضروری و موجود نباشد (رد ۳). دقت کنید که علت‌های ناقصه علت ایجادکننده علت تامة نیستند بلکه مجموعه آن‌ها خود علت تامة است و هیچ چیزی علت خودش نیست (رد ۲).

گزینه ۳۹: اگر قرار بود این تکامل‌ها که در شعر مطرح شده اتفاقی باشند، نباید پیش‌بینی قطعی می‌کرد که تحولات بعدی هم تکاملی هستند بلکه چه‌بسا اتفاقاً در تحولات بعدی نقصان رخ دهد. اما شاعر به طور قطعی سیر تحولات آینده خود را نیز تکاملی می‌داند و این یعنی او تکامل را قانون تحولات عالم می‌داند، نه یک اتفاق.

گزینه ۱۹: حادثه از پیش معین‌نشده، یعنی حادثه بدون غایت و هدف که اگر حادثه‌ای مطلقاً این‌چنین باشد، یعنی حتی نزد خداوند هم معین نباشد، به معنای سوم اتفاق منجر خواهد شد. معمولاً کسانی که این معنا از اتفاق را بپذیرند، وجود علت نخستین و آفریدگار را نفی می‌کنند. (قید معمولاً نشان می‌دهد همیشه این‌گونه نیست). البته از نظر منطقی پذیرش معنای سوم اتفاق، مستلزم نفی علت نخستین است و کسانی که با پذیرش این معنای اتفاق، وجود آفریدگار جهان را نفی نمی‌کنند، دچار مغالطه هستند و سخنان قابل نقد است.

هیچ فیلسوفی به طور صریح اتفاق به معنای نفی رابطه ضروری میان علت و معلول (معنای اول اتفاق) را نپذیرفته است ولی هیوم فیلسوفی است که این معنای اتفاق را انکار هم نکرده است. به عبارت دیگر او وقوع چنین معنایی از اتفاق را امکان پذیر می داند و بر این باور نیست که لزوماً میان هر حادثه و علل آن رابطه ضروری برقرار است. **۴** هیوم اصل علیت را تجربی نمی داند بلکه معتقد است این اصل از هیچ راه معتبری قابل شناخت نیست. آن چه او تجربی می داند صرفاً زمینه تداعی این اصل در ذهن است، نه خود آن.

۵۴۸- گزینه ۲ قبول غایت برای اشیا و پدیده های جهان وقتی امکان پذیر است که آن غایت، قبل از پیدایش اشیا مشخص شده باشد تا اشیا، متناسب با آن هدف و آن غایت ساخته شده و پدید آمده باشند؛ بنابراین هرگاه مجموعه ای از حوادث، طی یک فرایند به نتیجه خاصی منتهی شوند، این فرایند باید برنامه ریزی شده باشد.

بررسی سایر گزینه ها: **۱** غیرمنتظره بودن و پیش بینی نشده بودن، به جهل ما نسبت به علل امور برمی گردد (معنای چهارم اتفاق)، نه به عدم قطعیت در امور جهان. **۳** اگر این تکامل تدریجی، غیراتفاقی و از پیش معین و طراحی شده از قبل باشد، با علیت سازگار است. **۴** درست است که بیان برخی دانشمندان از نظریه مهبانگ چنین تصویری را ایجاد می کند که جهان بی علت به وجود آمده است ولی خود نظریه مهبانگ با اعتقاد به علت نخستین هم سازگار است؛ زیرا می توان گفت علت نخستین ماده بسیار فشرده را ایجاد کرده و به گونه ای آن را طراحی کرده است که با یک انفجار منجر به گسترش جهان شود.

۵۴۹- گزینه ۱ چون در نظریه دموکریتوس، تمام تحولات جهان در اثر برخورد ذرات صورت می پذیرند، اگر این برخوردها تصادفی باشند، نمی توانند هدف و غایت از پیش تعیین شده داشته باشند و این یعنی اتفاق به معنای سوم (نفی غایت مندی).

بررسی سایر گزینه ها: **۲** درست است که بیان برخی دانشمندان از نظریه مهبانگ چنین تصویری را ایجاد می کند که جهان بی علت به وجود آمده است ولی خود نظریه مهبانگ با اعتقاد به علت نخستین هم سازگار است، زیرا می توان گفت علت نخستین ماده بسیار فشرده را ایجاد کرده و به گونه ای آن را طراحی کرده است که با یک انفجار منجر به گسترش جهان شود. **۳** اگر این تکامل تدریجی از پیش معین و طراحی شده از قبل باشد، هیچ اتفاقی رخ نداده است. **۴** ممکن است چنین شخصی علت تامه بارش باران را شامل عواملی غیر از ابر و سرما نیز بداند که چون آن عوامل محقق نشده اند، معلول هم ایجاد نشده است. در این صورت، اصل وجوب علی نفی نشده است.



برای دسترسی به پاسخ آزمون درس چهارم کیو آر کد پشت جلد را اسکن کنید و بعد از ورود به لینک، شماره روبه رو را وارد کنید.

۵۶۰- گزینه ۴ خداشناسی از طرفی با فلسفه دین که از شاخه های فلسفه (فلسفه های مضاف) محسوب می شود، ارتباط دارد و از طرفی با وجودشناسی که ریشه فلسفه محسوب می شود، ارتباط دارد.

۵۶۱- گزینه ۳ خداشناسی مربوط به «وجودشناسی» است؛ زیرا یک بحث مهم در وجودشناسی، شناخت علت العلل و علت نخستین و مبدأ هستی و وجود یعنی واجب الوجود بالذات است.

۵۶۲- گزینه ۱ هستی همان وجود است و هستی شناسی همان وجودشناسی است. «خدا» از جهت مبدأ هستی و وجود یا واجب الوجود بالذات یا علت العلل (علت نخستین) بودن در هستی شناسی بحث می شود. هم چنین چون مهم ترین موضوع ادیان است در فلسفه دین مورد مطالعه قرار می گیرد. بحث از موضوع هر علمی در فلسفه آن علم انجام می شود (رد ۲) و تأیید قسمت اول سایر گزینه ها. از طرفی «عقل» چون شاخصه انسان است در انسان شناسی که شاخصه فلسفه است مورد بحث است و معرفت شناسی به عنوان یک بخش از ریشه فلسفه هم چون می خواهد حدود معرفت بشری را تعیین کند به آن می پردازد، ولی موضوع اصلی معرفت نیست، بلکه یک ابزار کسب معرفت است (موضوع اصلی معرفت، خود شناخت و معرفت و آگاهی است). (رد ۴) و نیز اگرچه ابزار ریاضی است ولی در فلسفه ریاضی بررسی نمی شود، زیرا ریاضی به ماهیت عقل کاری ندارد و فقط از کارکرد استدلال قیاسی عقل استفاده می کند که شرایط آن در دانش منطقی تدوین شده و شیوه ای روشن و بدون ابهام است و نیاز به بحث فلسفی درباره عقل ندارد (رد ۳).

۵۶۳- گزینه ۳ زئوس ← خدای آسمان و باران (رد ۱ و ۲) ← آپولون ← خدای خورشید، هنر و موسیقی (زیبایی را نیز می توان به او نسبت داد). آرتیمیس ← خدای عفت و خویش رازی (حیا) (ولی راستی را نمی توان به او نسبت داد، زیرا مفهومی بسیار عام است). (رد ۴)

۵۶۴- گزینه ۳ ۱، ۲ و ۴ همگی مرتبط با اتهام اصلی سقراط، یعنی انکار خدایان یونانی و توجه دادن به حقیقتی برتر در هستی است.

۵۶۵- گزینه ۳ در یونان باستان آن چنان اعتقاد به خدایان عمیق بود که انکار آن ها طرد از جامعه یونان یا از دست دادن جان را به همراه داشت.

بررسی سایر گزینه ها: **۱** هر کدام از خدایان، منشأ یکی از حقایق جهان بود نه حقیقتی در جهان. **۲** تعداد آن ها به ده ها مورد می رسید. **۴** این عبارت هرچند از دیدگاه افلاطون عبارتی صحیح است، اما نمی توان آن را وصفی از خدایان یونان باستان دانست.

۵۶۶- گزینه ۲ از نظر یونانیان باستان، زئوس خدای آسمان و باران و آپولون خدای خورشید و هنر و موسیقی است.

۵۶۷- گزینه ۱ اعتقاد به خدایان در جامعه یونان چنان محکم و ریشه دار بود که انکار آن ها، طرد از جامعه یونان و گاه از دست دادن جان را به دنبال داشت. بنابراین طرد از جامعه یونان مواجهه قطعی است و گرفتن جان او مواجهه احتمالی است.

۵۶۸- گزینه ۳ مردم یونان باستان مشرک بودند. آنان به خدایان متعدد باور داشتند و هر کدام از این خدایان را مستقلأ مبدأ و منشأ یک چیز می دانستند.

۵۶۹- گزینه ۲ دین مردم یونان یک دین موروثی و سنتی بود و براساس تقلید شکل گرفته بود، نه دلیل. به خصوص حاکمان و بزرگان یونان اجازه نمی دادند کسی با اندیشه شرک آلودشان مخالفت کند و به خدایان توهین نماید. اعتقاد به خدایان آن چنان عمیق و عمومی بود که هر کس آنان را انکار می کرد، طرد یا اعدام می شد (رد سایر گزینه ها).

۵۷۰- گزینه ۲ سقراط گرچه گاهی از لفظ خدایان هم استفاده می کرد (رد ۱)، اما گزارش افلاطون از جریان محاکمه وی نشان از آن دارد که وی به وجود خدای یگانه معتقد بوده و تلاش کرده که مردم را نیز به این حقیقت رهبری و هدایت نماید (رد ۳). سقراط در دادگاه نشان داد که در مسیر اطاعت الهی از مرگ نمی ترسد و وظیفه هدایت گری مردم را واهی نهد (رد ۴)؛ بنابراین او از لفظ خدایان برای این استفاده می کرد که بتواند روی مردم آتن که به شدت روی خدایان تعصب داشتند، اثر بگذارد و کم کم آنان را به توحید هدایت کند. اگر او این لفظ را به کار نمی برد، کسی حاضر به شنیدن حرف هایش نبود.

۵۷۱- گزینه ۳ افلاطون تصمیم گرفت با دقتی فلسفی و استدلالی درباره خدا صحبت کند و پندارها را اصلاح نماید. از همین رو تیئلو را او ابداع کننده خداشناسی فلسفی می دانست.

۵۷۲- گزینه ۴ افلاطون در فضای شرک آلود و چندخدایی جامعه یونان، تصمیم گرفت با دقت فلسفی بیشتری درباره خدا صحبت کند.

۵۷۳- گزینه ۴ خدا در نظر افلاطون خدایی معین با ویژگی های روشن است. از آن جایی که خدا نزد افلاطون افعال هدفدار و غایت مند انجام می دهد، بنابراین معنای سوم اتفاق که در مقابل هدف مندی است را قائل نخواهد بود (رد ۱ و ۳).

۵۷۴- گزینه ۳ «خوب ترین و بهترین موجود» و «ضرورتاً موجود» عناوینی است که ارسطو به خدا نسبت می دهد (رد ۲ و ۴). افلاطون در مواردی از خداوند با عنوان «مثال خیر» یاد می کند و توضیح می دهد که همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می شود و همان طور که روشنایی شبیه خورشید است، اما خود خورشید نیست، حقایق نیز شبیه به «مثال خیر» هستند، نه خود آن.

۵۷۵- گزینه ۳ بسیاری از افلاطون شناسان معتقدند که اگر گاهی افلاطون از خدایان نام می برد، به معنای اعتقاد وی به چندخدایی نیست بلکه برای ارتباط برقرار کردن با جامعه آتن است که به شدت مشرک اند.

۵۷۶- گزینه ۴ «مثال خیر» و «دمیورژ»، دو لفظ هستند با دو معنای متفاوت اما هر دو نام های دیگر خداوند هستند (نه نام صفات الهی) (رد ۳) یعنی یک مصداق مشترک دارند که آن هم خداوند است.

۵۷۷- گزینه ۴ از دید افلاطون خداوند کاملاً معین و با ویژگی های روشن است که فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت (رد ۲) و نوعی از هستی است که پیوسته ثابت (لایتغیر) است. (رد ۱ و ۳).

۵۷۸- گزینه ۲ افلاطون گاهی از خدا به عنوان «صانع» و آفریننده این عالم یاد می کند تا به انسان ها یادآوری نماید که، «یگانه سخنی که درباره نظم جهان و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می توان گفت این است که کل جهان در زیر فرمان عقل قرار دارد».

۵۷۹- گزینه ۳ افلاطون تلاش می کند تا خداوند را در جایگاهی قرار دهد که هیچ موجود دیگری نمی تواند به آن جایگاه برسد. در واقع از این طریق او موجود دیگری را شبیه به خدا قرار نمی دهد و وجود خدایان را انکار می کند.